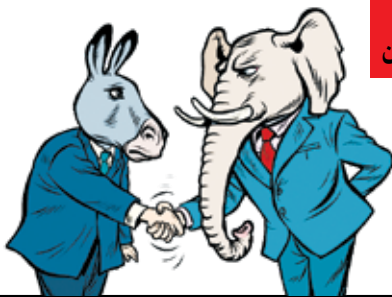


غیردموکراتیک ترین انتخابات جهان



صادق

با ماسک از خانه بیرون بیاییم

هفته نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیستم | شماره ۹۷۳ | دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹ | ۹ ربیع الاول ۱۴۴۲ | ۲۶ اکتبر ۲۰۲۰ | ۱۶ صفحه

مصطفی قربانی
منطق حکمرانی

۱۱
خود

سید مهدی حسینی
نوید پیروزی

۱۰
تاریخ

هادی محمدی
انتخابات آمریکا و راهبردهای ما

۴
راهبرد

بازخوانی روایت وارونه ابراهیم یزدی از آغاز جنگ تحمیلی و پاسخ مستدل حجت الاسلام دعایی

نهضت آزادی تحریرگر دفاع مقدس

در عصر اطلاعات و با حجم وسیعی از اخبار و تحلیل‌هایی که در شبانه‌روز به دست ما می‌رسد، روح تشنه مخاطب با دو کلمه «ناگفته» و «منتشر نشده» به تکاپو می‌افتد. هنوز هم می‌شود با استفاده از این دو عبارت در تیتراژ مطلبی، مخاطبان را دست به کلیک کرد و در بیشتر موارد، چیزهایی را به خوردشان داد که نه تنها «ناگفته» نیست که در صحیح بودنش هم می‌شود ده‌ها «اما» و «اگر» آورد.

روایت وارونه

ادامه این وضع مطمئن باشید که به ایران حمله نظامی خواهیم کرد. (!) شورای انقلاب تصمیم می‌گیرد که آقای دعایی به همراه مهندس بازرگان و دکتر بهشتی برای تعیین تکلیف به دیدار رهبر انقلاب بروند. در این دیدار ابتدا آقای دعایی شرح کامل ماجرا و تهدید صدام را بیان می‌کند و رهبر انقلاب در پاسخ به او می‌گویند: محلش نگذارید! سپس مهندس بازرگان به استدلال می‌پردازد که باید توجه کرد امروز موقعیت ما در جهان به علت انقلاب چندان مطلوب نیست و اگر گرفتار جنگ شویم همه از طرف مقابل حمایت خواهند کرد. از این گذشته وضعیت ارتش به علت اعدام بسیاری از فرماندهان ارشد آن خوب نیست و کلی فاقد روحیه لازم برای جنگیدن است؛ بنابراین واجب است از وقوع هرگونه جنگ احتمالی پیشگیری کنیم. رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی باز می‌گویند: محلش نگذارید... مجدداً دکتر بهشتی شروع به استدلال می‌کند که آیت‌الله خمینی تحمل نمی‌کنند و از جای خود برمی‌خیزند و برای بار سوم می‌گویند: گفتم که محلش نگذارید... و به طرف در حرکت می‌کنند. آقای دعایی که خیلی ناراحت شده بود، می‌گوید: آقا من دیگر به بغداد نمی‌روم. آقای خمینی پس از تأمل کوتاهی روی شان را به طرف دعایی برگردانده و می‌گویند: وظیفه شرعی به تو می‌گوید که بروی و بدون اینکه منتظر پاسخ شون از اتاق بیرون می‌روند... در مسیر بازگشت از شورای انقلاب، آقای دعایی در حالی که گریه می‌کرده است می‌گوید: به خدا قسم او (صدام) حمله خواهد کرد و هیچکس کاری نمی‌تواند بکند! مدتی بعد عراق به ایران حمله کرد.

مطلب «آغاز جنگ خانمان سوز ۸ ساله» برگرفته از کتاب «ناگفته‌های انقلاب» به قلم دکتر ابراهیم یزدی از جمله همین موارد است. وی در بخشی از این مطلب می‌نویسد: «در سال ۱۳۷۱ که به ایران آمده بودم به دیدن مرحوم مهندس بازرگان رفتم و صحبت از جنگ ایران و عراق شد، از ایشان پرسیدم که آیا واقعاً نمی‌شد از این جنگ پیشگیری کرد؟ مهندس خاطره‌ای را در این زمینه نقل کردند که دانستن آن برای آیندگان خالی از لطف نیست: پنج ماه قبل از حمله صدام حسین به ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۵۹، تیتراژ روزنامه کیهان این بود: «امام ارتش عراق را به قیام علیه صدام دعوت کرد.» در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹ شورای انقلاب از من خواستند برای رسیدگی به مسئله مهمی جلسه شورا را تشکیل دهیم، وقتی به جلسه رفتم دیدم آقای دعایی سفیر ایران در عراق نیز حضور دارد. گفتند آقای دعایی گزارشی دارند. آقای دعایی گفت: در چند ماه اخیر هر چند روز یک بار مرا به وزارت امور خارجه احضار و با ارائه مدارکی به کوشش ایران برای اخلاص و آشفتنگی در عراق اعتراض می‌کنند، اما هفته گذشته شخص صدام حسین مرا احضار کرد و پس از بیان اعتراض شدید خود نسبت به دخالت‌ها گفت: این وضع برای من قابل تحمل نیست، شما بروید تهران و به آقای خمینی بگویید من اولین دولتی بودم که جمهوری اسلامی را به رسمیت شناختم و اگر مایلند خود من (صدام) شخصاً به ایران می‌آیم تا با مذاکره اختلافات را حل کنیم و اگر مایل نیستند با من مذاکره کنند یک هیئت عالی رتبه به ایران می‌فرستم یا آنها یک هیئت برای مذاکره به عراق بفرستند تا اختلافات حل شود چون در صورت



پاسخ مستدل

روایت ناقص و ساختگی فوق در حالی مجوز چاپ و انتشار گرفته که هر خواننده‌ای با سطح اندکی از مطالعه در زمینه حال و هوای اوایل انقلاب، سیره حضرت امام (ره)، ویژگی‌های شهید آیت‌الله بهشتی و روحیات جناب سید محمود دعایی، می‌تواند نقص‌های فاحش آن را درک کند. در این میان مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) نیز در اقدامی جالب و تا حدودی عجیب (با نگاهی به برخی مواضع صادر شده از این مؤسسه در چند سال اخیر) ویدیویی از حجت‌الاسلام دعایی در حسینیه جماران منتشر کرد که احتمالاً پاسخی مستقیم به ادعای منتشر شده در کتاب مرحوم یزدی است. آقای دعایی که در اوایل انقلاب و قبل از شروع جنگ تحمیلی سفیر کشورمان در عراق بوده، در این زمینه می‌گوید: «برخی از عناصری که با نهضت آزادی در ارتباط هستند و عمدتاً در خارج کشور هستند، مطالبی را مطرح کرده و سناریویی را ترسیم کرده‌اند که امام را به عنوان یک آدم بی‌منطق و انعطاف‌ناپذیر ترسیم کنند. اینها دروغ محض است. اینها می‌خواهند خودشان را به عنوان کسانی که آگاه بوده‌اند و اندرز می‌داده‌اند مطرح کنند. آنها می‌خواهند بگویند آنچه اتفاق افتاده در تعصب، بی‌منطقی و انعطاف‌ناپذیری حاکمان ریشه داشته است. تیتراژ کیهان هم برای وقتی بوده که دکتر یزدی مسئولش بوده است. خدا مرحوم حاج احمد آقا را رحمت کند. به من مراجعه کرد و گفت: امام فرموده‌اند که خودت را آماده کن تا به عنوان سفیر به عراق بروی. این موضوع

برای من غیرمنتظره و تعجب‌آور بود. گفتم: از اعتماد شما ممنونم، اما فعالیت دیپلماتیک تخصصی است. امام فرموده بودند انتخاب من یک معنای سمبلیک دارد. ایشان در دوران اقامت ما در عراق، رابط ما با مسئولان عراقی بوده و به خاطر نشان دادن حسن نیت می‌خواهیم ایشان همچنان رابط ما با عراق باشد. آنچه زمینه حرکت عراق علیه ایران بود، در آبان ۱۳۵۷ شکل گرفت. همان موقع که تشکیلات نظامی شاه تضعیف شده بود و صدام می‌خواست در این فرصت مغتنمی که داشت و از فترتی که بین فروپاشی و قوام ایران افتاده بود، استفاده کند که البته بعد از تسخیر لانه جاسوسی، حامیانی هم در فضای بین الملل پیدا کرد. صدام با مقدماتی که چیده بود و با ارتباطاتی که برقرار کرده بود و همچنین جذب عناصر پیرامونی ما خصوصاً شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و عربستان و جذب حمایت‌ها از غرب، این چراغ سبز را داشت و این حرکت (جنگ تحمیلی) را آغاز کرد و مقدر بود که با رهبری امام و حضور یاران امام و مردم در مقابل یکی از قدرتمندترین تشکلات نظامی منطقه که از تمامی جهان حمایت می‌شد، به نقطه‌ای برسیم که صدام بعد از باره کردن قراردادش با ایران در الجزایر، به رئیس جمهور وقت (مرحوم هاشمی رفسنجانی) اعلام کند که من مجدداً آن قرارداد را پذیرفتم. دیگر چه می‌خواهید؟! ما در طول تاریخ کشور برای اولین بار در یک جنگ، توانستیم حتی یک وجب از خاکمان را از دست ندهیم و تمامیت ارضی مان را تثبیت کنیم.»



یادداشت

چشم انتظاران سوم نوامبر



مهدی سعیدی
کارشناس سیاسی

تا انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم چند ماه باقی مانده است، اما این روزها و در مسیر انتخابات ۱۴۰۰ برای بخشی از جریان‌های سیاسی کشور انتخابات سوم نوامبر ایالات متحده حتی بیش از انتخابات خرداد سال آینده اهمیت یافته است؛ چرا که آخرین امیدشان برای ادامه حیات سیاسی را پیروزی نامزد دموکرات می‌دانند! اما همان تئوری است که اداره دستگاه اجرایی کشور را با سیاست حل مشکلات کشور از طریق حل مشکلات بین‌المللی و مذاکره در سال ۱۳۹۲ بر عهده گرفت و نه تنها نتوانست از این طریق بر مشکلات فائق آید، که اجازه حل مشکلات کشور از طریق تقویت ساخت درونی را نیز سلب کرد! نگاه دقیق به صحنه سیاست این حقیقت را آشکار می‌کند که برای این جریان راهی دیگری هم باقی نمانده است!

مهم‌ترین ابزار موفقیت یک جریان سیاسی در انتخابات ارائه برنامه برای اداره کشور است؛ اما حقیقت آن است که این ابزار برای اصلاح‌طلبان از دست رفته است. اعتراض به عملکرد دولت مورد حمایت این جریان آنقدر بالا گرفته است که حامیان وی نیز از کناره‌گیری رئیس دولت دم می‌زنند! بگذریم که استیضاح رئیس‌جمهور به دلایل متعددی به صلاح کشور و ملت نیست، اما بسیاری از آن ۲۵ میلیون در جرگه پشیمانان قرار گرفته‌اند و منتظرند کار این دولت هر چه زودتر سرآید! علاوه بر این کارنامه مردودی، به میدان آوردن گزینه‌های رادیکال نیز پروژه از پیش شکست خورده است؛ چرا که هم در درون اصلاح‌طلبان مخالفان جدی دارد، هم جامعه دیگر خریدار رادیکالیسم سیاسی نیست و دغدغه اقتصاد و ثبات دارد که نیازمند خردمندی، توانمندی و داشتن برنامه است؛ تحفه ارزشمندی که در سبد رادیکال‌های اصلاح‌طلب یافت نمی‌شود! بدون شک حمایت از نامزدهای اجاره‌ای نیز برای این جریان سناریوی از دست رفته است. حمایت از روحانی آنقدر درس‌ساز و پرهزینه بوده که دیگر رمقی برای تداوم آن در ۱۴۰۰ باقی نمانده است.

تنها یک راه باقی می‌ماند و آن هم به کارگیری شیوه‌های مافیایی در اغواگری و فریب رسانه‌ای و ایجاد خطای محاسباتی در افکار عمومی است که این مهم از طریق «دوقطبی سازی‌های کاذب» ممکن خواهد بود؛ اکنون چشم دوخته‌اند تا اگر بایدن رئیس‌جمهور شود، با حربه صلح و جنگ وارد میدان انتخابات بشوند! تجربه گذشته اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ نیز حاکی است این جریان در به کارگیری این شگردها از توانمندی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. چه آن زمان که با وعده چرخش چرخ اقتصاد کشور از طریق مذاکره پیروزی میدان شد، چه آن زمان که حواس جامعه را از باغ خشکیده و بی‌ثمر برجام به سمت «دیوارکشی در خیابان» پرت کرد! در پایان باید به این نکته توجه کرد که امیدواری به پیروزی بایدن برای مهیا کردن آینده سیاسی یک جریان، توهمی بیش نیست و خیلی زود بی‌اعتباری آن آشکار خواهد شد. به نظر می‌رسد، این جریان بیش از چنین دلخوشی‌هایی باید به بازنگری و بازاندیشی مبنایی در منظومه فکری خود متمسک شود و با عبرت‌آموزی از آنچه گذشته است، روند حرکت خود را در چارچوب تأمین منافع راهبردی این سرزمین طراحی کند، هر چند این فرآیند زمان به جدایی موقتی این جریان از قدرت برای چند صباحی بینجامد.

پیش‌تاز امر به معروف و نهی از منکر

نگاهی به وظایف و کارکردهای ناجا به بهانه پیام فرمانده معظم کل قوا به مناسبت هفته نیروی انتظامی

است و با قاطعیت در مسیر خود حرکت می‌کند، افزود: «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خط اول امر به معروف و نهی از منکر حرکت می‌کند؛ زیرا اصلی‌ترین و مهم‌ترین وجه حکومت اسلامی «امر به معروف و نهی از منکر» است و باید مانند تمامی فرایض واجب آن را جزء واجبات روزانه قرار داد.»

فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه ناجا امروز با اقتدار توأم با مهربانی، عقلانیت و هوشمندی امور خود را پیش می‌برد، گفت: «همان‌گونه که پلیس با سارقان، مجرمان، مفسدان اقتصادی و قاچاقچیان مبارزه می‌کند، با ترویج‌دهندگان بی‌بند و باری و غفلت‌زدایی در جامعه هم مقابله کرده در برابر آنها کوتاه نمی‌آید.» سردار رحیمی با تأکید بر اینکه نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خصوص برخورد با ارادل و اوپاش به خوبی عمل کرده؛ اما نیازمند حمایت و همراهی بیشتر سایر دستگاه‌هاست، تصریح کرد: «پلیس در راستای عمل به وظیفه ذاتی خود و تحقق مطالبات عمومی هیچ‌گاه بر سر تأمین امنیت و آسایش مردم دچار تردید، لرزش و لغزش نمی‌شود و همواره با قوت میدان‌داری کرده و برای حفظ نظم و امنیت با احدی تعارف نخواهد داشت.» وی همچنین با بیسان اینکه ناجا حافظ نظم، امنیت، جان، مال و ناموس مردم است، عنوان کرد: «هر کجا ما مشاهده یا گزارش دریافت کنیم که کسانی مخل نظم و امنیت هستند یا به حقوق حق مردم تعرض و تعدی کرده‌اند، با قدرت وارد صحنه می‌شویم.» فرمانده انتظامی تهران بزرگ با تأکید بر اینکه ناجا برخورد با مخلان نظم و امنیت را تشدید کرده و اثرات آن را همگان مشاهده خواهند کرد، گفت: «خداوند را شاکریم در کشوری قرار داریم که امنیتش مثال‌زدنی است و در مسیر اجرای حفظ این امنیت، همه باید بدانند که نیروی انتظامی هیچ چیزی را به امنیت و آرامش شهروندان ایران اسلامی ترجیح نمی‌دهد.»

و کلام آخر آنکه مردم عزیز ایران اسلامی باید بدانند پلیس تنها بخشی از اجرای قانون در کشور است و برای زودده شدن چهره جامعه و کشور از بزه، باید همه دستگاه‌ها و نهادها وظایف خود را به درستی انجام دهند؛ چرا که پلیس قانوناً اجازه ورود به حوزه اختیارات سایر دستگاه‌ها را ندارد.

است. همچنین در شرایطی که دشمنان خارجی جنگ اقتصادی را بر کشور تحمیل کرده‌اند و شاهد بازی کردن برخی سودجویان داخلی در زمین دشمن هستیم، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ضمن برخورد قاطع با اخلاظران اقتصادی در زمینه ارز، احتکار و گرانفروشی و مقابله مؤثر با قاچاق کالا، تمام توان خود را در راه جهاد اقتصادی به کار گرفته است. نیروی انتظامی امروز به لطف الهی و تدبیر فرماندهان و مسئولان آن، به سازمانی پویا، فعال، دانش‌بنیان، اثرگذار و مردم‌محور تبدیل شده است تا جایی که کارکنان ناجا از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی «مجاهدان فی سبیل‌الله» نامیده شده‌اند و این عنوان سند افتخار بزرگی برای تک‌تک کارکنان این نیروی خدمت است. از سوی دیگر، نتایج بیشتر نظرسنجی‌های داخلی درباره رده اعتماد عمومی به دستگاه‌ها نشان می‌دهد، نیروی انتظامی در رده بالایی از اعتماد عمومی قرار دارد و این در حالی است که جریان‌های خارجی و گاهی داخلی تلاش فراوانی برای اعتبارزدایی از ناجا داشته‌اند.

در همین زمینه سردار «حسین رحیمی» فرمانده انتظامی تهران بزرگ به‌صیح‌صادق گفت: «امروز اعتماد مردم به ناجا در حال ارتقااست و شاهد این ادعا، نظرسنجی‌های صورت گرفته از سوی سازمان‌های بیرونی است.» وی با بیان اینکه امروز نیروی انتظامی برای آسایش مردم در جامعه با اخلاظران نظم و امنیت مقتدرانه برخورد می‌کند، گفت: «نیروی انتظامی هرگز اسیر جوسازی‌ها نشده و به فحاشی‌ها و افتراهای افراد فرصت‌طلب اهمیتی نمی‌دهد.» فرمانده انتظامی تهران بزرگ با بیان اینکه پلیس به عنوان نیروی پیشران نظم و امنیت در تمام جوامع و پناهگاه اجتماعی افراد مظلوم و عامل رعب و وحشت مخلان امنیت و نظم جامعه قلمداد می‌شود، گفت: «حال این پلیس اگر بخواهد در ایران به عنوان کشوری اسلامی و دارای مردمی با فرهنگ غنی وظایف و رسالت‌هایش را محقق کند، باید صلابت، متانت، اخلاق، اقتدار، عطفوت، سرعت عمل و مهربانی را با هم تلفیق کرده و امیدآفرین برای مردم و ناامن‌کننده برای مجرمان باشد.»

سردار رحیمی با تأکید بر اینکه عزم ناجا در انجام مأموریت‌ها و وظایفش جزم‌تر از گذشته

«با هم برای امنیت و سلامت» گرامی داشته شد. در شرایطی که بیش از هشت ماه است مردم کشورمان با ویروس منحوس کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند، نیروی انتظامی تمامی ظرفیت‌های درمانی و بیمارستانی خود را برای ارائه خدمت به مردم در اختیار متولیان امر قرار داده و در زمینه فاصله‌گذاری اجتماعی، کنترل تردها و سفرها و مقابله قاطع با سوداگران و احتکارکنندگان اقلام بهداشتی و درمانی، حضوری فعال در صحنه داشته و شهدایی را نیز در این راه تقدیم کرده است. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران امروز ضمن درک صحیح شرایط و موقعیت حساس کشور، با بسیج همه توان و ظرفیت‌های انسانی، مسادی و معنوی خود و ایثار و از خودگذشتگی مأموران خدمت، در میدان پاسداری از امنیت و آرامش مردم، حضوری فعال یافته و با صلابت، قاطعیت، قدرت و اقتدار در مقابل قانون‌ستیزان، جامعه‌گریزان، هنجارشکنان و عوامل مخل نظم و امنیت جامعه ایستادگی می‌کند. حفاظت و پاسداری از مرزهای کشور، انتظام‌بخشی به عبور و مرور و کاهش تصادفات و جان‌باختگان حوادث رانندگی، مقابله اثریخش با جرایم به ویژه سرقت، رصد مستمر فضای مجازی و صیانت از حریم خصوصی و حقوق شهروندان در فضای مجازی از مهم‌ترین اقدامات ناجا در ارتقای نظم و امنیت در کشور به شمار می‌روند.

سردار اشتری در مراسم صبحگاه مشترک ناجا که روز ۲۶ مهر برگزار شد، اعلام کرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران امروز در سه بخش امنیت اخلاقی و موضوعات آشکار، لایه‌های فساد پنهان و همچنین حوزه فضای مجازی با برنامه ملون وارد عمل شده است. به گفته وی، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران امروز بر روی حرفه‌ای‌گرایی، ارتقای مهارت‌های علمی و تخصصی ناجا و همچنین هوشمندسازی پلیس با رویکرد حرکت از پلیس الکترونیک به سمت پلیس هوشمند، تمرکز ویژه‌ای کرده است. پلیس هوشمند به معنای دقت بالاتر، سرعت بیشتر، اقتدار مثال‌زدنی در مأموریت‌ها و مبارزه مقتدرانه با هرگونه ناامنی، بی‌نظمی و قانون‌گریزی است و آنچه امروز باعث محبوبیت بیش از پیش پلیس نزد مردم شده، صداقت در خدمتگزاری و جانشناسی در مواجهه با خطرات گوناگون

تروریسم دولتی

کمبود دارو نتیجه تحریم‌های ظالمانه است؟

کند. متأسفانه، این روزها اخبار نگران‌کننده‌ای از سطح جامعه و هموطنان نیازمند به دارو به گوش می‌رسد که به شدت نگران‌کننده است. برخی از داروها مانند انسولین و داروهای بیماران قلبی و سرطانی و همچنین بیماری‌های خاص در کشور کمیاب شده یا در بازارسیاه دلالی با مبالغ گزاف فروش می‌رود! دلیل اصلی این اتفاق تحریم‌های غیر انسانی، ظالمانه و غیر قانونی آمریکاست که ملت ایران را هدف قرار گرفته است! این در حالی است که واشنگتن و جریان‌های معاند و ضد انقلاب همراه مدعی هستند تحریم‌ها نظام را هدف قرار گرفته و آنها در کنار آنچه مردم ایران می‌خوانند، ایستاده‌اند. علاوه بر این، نمی‌توان مسئله بی‌تدبیری‌ها به ویژه نبود مدیریت و نظارت در تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی از سوی دولت در ایجاد بازار مکاره دارو را نادیده گرفت. بی‌شک، ایجاد مشکلات عدیده در تأمین نیازهای ضروری مردم با توزیع گسترده و بی‌ضابطه ۱۸ میلیارد دلار از سرمایه کشور در میان افراد خاص برای واردات، آن هم بدون نظارت کافی و شفافیت، قابل پیش‌بینی بود و متأسفانه دولت، اشتباهی را مرتکب شد که بسیاری از کارشناسان درباره تبعات آن هشدار داده بودند. از این رو می‌توان گفت، بازار داروهای خاص که جان تعدادی از هموطنان ما وابسته به آن است، این روزها گروگان دو نوع تحریم است. نخست تحریم خارجی که از جانب دشمنان کشور، ملت و دین به ویژه آمریکا اعمال می‌شود و در پی به شکست کشاندن مقاومت تحسین برانگیز مردم مظلوم و صبور ایران است. همچنین کشور ما به شدت درگیر بی‌تدبیری‌های مدیریتی و تحریم‌های داخلی است. این دو نوع تحریم سبب شده است

شرکت‌های واردکننده محموله‌هایی را به عنوان ذخایر استراتژیک وارد گمرک‌های ما کرده بودند که البته با حمایت تأمین‌کننده‌ها بوده است. البته تا زمانی که این محموله‌ها ارز لازم را نگیرند و به دست توزیع‌کننده نرسند، متعلق به واردکننده است. این شرکت‌های واردکننده چون ارز به موقع و کافی برای این ذخایر استراتژیک درون گمرک‌ها دریافت نکردند، مجبور شدند که سفارش‌های جدیدی نیز از طرف خارجی نداشتند باشند و این مسئله که نوعی بی‌تدبیری بود، مشکلات ما را مضاعف کرد. بنابراین علین کمبود داروهای مهم و حیاتی از جمله انسولین همین مسئله است؛ البته به تازگی به دلیل اعتراضات بجای رسانه‌ها و افتخار عمومی، مقداری ارز تخصیص داده شده و ان‌شاءالله در آبان ماه شاهد توزیع داروهای خاص از جمله انسولین در سطح کشور خواهیم بود و نگرانی مردم تا حدود زیادی رفع خواهد شد.»

بی‌شک این بی‌تدبیری و ضعف مدیریتی دولت تأثیرات عمیق‌تری از تحریم‌های ظالمانه غرب علیه کشورمان دارد؛ چرا که تأثیر آن بر زندگی عادی مردم و بیماران عزیز ایرانی، سریع‌تر است. امید می‌رود تا دولت محترم هر چه سریع‌تر با درک شرایط جنگ اقتصادی و با تدبیر لازم شرایطی را فراهم کند که فشار تأمین دارو بر بیماران نیازمند داروهای خاص کمتر شود. مردم مقاوم ایران بارها نشان داده‌اند که در برابر فشار خارجی به خوبی مقاومت کرده و از کیان مبین و اعتقادات خود دفاع می‌کنند؛ اما نباید با ایجاد تحریم داخلی شرایط را برای هموطنان مقاوم خود سخت‌تر کنیم. بی‌شک با تدبیر و مشورت با دلسوزان، هر مشکلی از جمله تأمین دارو قابل حل خواهد بود.

حسین چخماقی

خبرنگار



«مردم عزیز ما قادران زحمات و تلاش‌های بی‌وقفه خدمتگزاران به خود و کشور هستند و امروز اقتدار و مهربانی را توأم در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران احساس می‌کنند و از ابتکارات ناجا در برخورد با منکرات استقبال می‌کنند.» این جمله بخشی از پیام حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت هفته نیروی انتظامی بود که خطاب به سردار اشتری، فرمانده ناجا ابلاغ شد؛ جمله‌ای که می‌توان آن را آینه تمام‌نمای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران دانست.

زحمتکش بودن، پرتلاش بودن، خدمت بی‌وقفه کردن، اقتدار داشتن، مهربان بودن با مردم و همچنین مبتکر بودن در برخورد با منکرات، شش ویژگی برجسته نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در نگاه رهبر معظم انقلاب است. نام نیروی انتظامی در تاریخ انقلاب اسلامی با شجاعت و ایثارگری غیور مردان و شیرزنانی عجیب شده که خالصانه و بی‌ادعا در راستای خدمتگزاری به مردم و برقراری نظم و امنیت و تداوم آن در جامعه تلاش می‌کنند. تقدیم شهدا و جانبازان حریم نظام مقدس جمهوری اسلامی، شهدا و جانبازان مقابله با اشرا، قاچاقچیان مواد مخدر و سایر مأموریت‌های مرتبط با تأمین نظم و امنیت عمومی، سند افتخارآفرینی کارکنان ناجاست که سبب سربلندی نیروی عظیم انتظامی نزد مردم و مسئولان شده است. هفته نیروی انتظامی فرصت مغتنمی برای بیان جلوه‌های خدمتگزاری مدافعان نظم و امنیت و تجلیل از مجاهدانی است که امنیت، آرامش و اقتدار ایران اسلامی مرهون تلاش‌ها و ایثارگری‌های بی‌وقفه و شبانه‌روزی آنان است. شعار هفته ناجا در آخرین سال قرن، تحت تأثیر همه‌گیری جهانی کرونا قرار گرفت و برای نخستین بار در کنار امنیت، سلامت مردم نیز در این شعار مورد توجه قرار گرفت تا به نوعی نشان‌دهنده عزم پلیس برای جذب مشارکت در جهت ارتقای امنیت و صیانت از سلامت باشد. امسال هفته نیروی انتظامی با شعار

علی اصغر رحمان‌نژاد

خبرنگار



این روزها مردم کشورمان درگیر وضعیت سخت اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه آمریکا و شرکایش هستند. این تحریم‌ها به حدی گسترده و ظالمانه است که بسیاری از کارشناسان اقتصادی این حد از فشار و تحریم علیه یک کشور را در طول تاریخ بشر بی‌سابقه دانسته‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز اقدامات خبیثانه دشمن علیه کشورمان را در جنگ اقتصادی نامیده‌اند. ایشان همچنین بارها به مسئولان کشور پیرامون لزوم مدیریت صحیح اقتصادی و تدبیر در تخصیص صحیح منابع کشور در جهت رفع نیازهای مردم توصیه‌هایی داشته‌اند؛ اما متأسفانه با وجود همه تلاش‌های مسئولان اجرایی کشور، همچنان شاهد گرانی‌ها و کمبودهایی هستیم که موجب آزار مردم و افسار ضعیف جامعه است. بی‌شک در وضعیت فعلی جهانی و شیوع عالمگیر ویروس کرونا که موجب خسارات فراوان انسانی و اقتصادی کشورهای مختلف شده است، آزردهنده‌ترین نوع تحریم‌های ظالمانه علیه یک کشور، ایجاد شرایطی از جانب دشمن است که واردات دارو و وسایل پزشکی را که با سلامت عموم جامعه در ارتباط مستقیم هستند، هدف قرار دهد. در همین راستا، وزارت خزانه‌داری آمریکا به منزله موتور پیشران اعمال تحریم‌ها علیه مردم مظلوم و مقام ایران، همواره در تلاش بوده و هست تا شرایط را برای تبادلات اقتصادی و انتقال پول طرف ایرانی به منظور تهیه مایحتاج کشور دشوارتر

در نشست با حضور دکتر علی دورانی معاون ارتباطات و پیگیری حوزه ریاست مجلس راه‌های پیش روی خانه ملت بررسی شد

تحول در بهارستان



فرهاد کوچکزاده

خبرنگار



مجلس یازدهم در ماه‌های پایانی سال ۹۸ و در شرایطی که مردم از عملکرد مجلس دهم و دولت دوازدهم ناراضی بودند بر سر کار آمد و رأی‌دهندگان امید فراوانی به این مجلس برای تدبیر امور بسته‌اند و عموم جامعه نیز انتظار دارند که مجلس تازه نفس انتظارات را برآورده کند! انتظاراتی که بخش قابل توجهی از آن محصول وعده‌ها و شعارهای منتخبان مردم در بهارستان است، از این رو در نشست در مرکز فرهنگی رسانه‌ای صبا با حضور دکتر علی دورانی، معاون ارتباطات و پیگیری حوزه ریاست مجلس به بررسی مجلس یازدهم و مسیر پیش روی آن پرداختیم که شرح آن در ادامه آمده است.

ارزیابی شما در زمینه عملکرد مجلس یازدهم و برنامه‌های آینده آن چیست؟

مجلس یازدهم به فرصت نیاز دارد تا به درستی در جایگاه مجلس تراز انقلاب اسلامی قرار گیرد. این مجلس با شعار تحول فعالیت خود را آغاز کرد. تحول ابتدا باید در حوزه مجلس و بعد در سطح کشور و دیگر قوا روی دهد. «کارآمدی»، «شفاف‌سازی» و «مردمی‌سازی» سه اصل بنیادین برای تحول در مجلس در نظر گرفته شده است. با وجود این هر دو خواسته با هم در حال مدیریت شدن است؛ یعنی هم به تحول داخلی مجلس و هم به تحول در عرصه کشور توجه می‌شود. با این نگاه تکلیف مجلس مشخص است. تصویب قانون خوب به مقدمه و بستر سازی مناسب نیاز دارد. مشکل اصلی کشور اجرایی‌سازی قانون است و باید شرایطی ایجاد شود تا قوانین عملیاتی و تاکتیکی تر شوند و خروجی بهتری صورت گیرد.

یکی از مهم‌ترین وظایف مجلس قرار گرفتن در جایگاه نظارت است، وظیفه‌ای که در ادوار گذشته در خصوص آن قصور صورت گرفته است. آیا مجلس فعلی برنامه‌ای برای رسیدن به جایگاه واقعی خود دارد؟

مجلس در سه حوزه می‌تواند بر امور نظارت داشته باشد: ۱- نظارت از طریق معاونت نظارت مجلس، ۲- نظارت از سوی نمایندگان؛ ۳- نظارت از طریق مردم (مجلس از طریق طراحی

سامانه جدید در صدد برنامه‌ریزی برای این نوع نظارت است.) اقدامات اخیر دکتر قالیباف تلفیقی از نوع اول و دوم است. هدف این است که کلیه توانمندی‌های نهادی مجلس (دیوان محاسبات، مرکز پژوهش‌ها و کمیسیون‌ها) در اختیار نمایندگان قرار گیرد تا بتوانند با نظارت بر اجرای قانون در حوزه انتخابیه خود بهتر عمل کنند.

شما درباره سفرهای دکتر قالیباف چه نظری دارید؟ هدف از این سفرها چیست؟

سفرهای دکتر قالیباف اگر چه در ظاهر کمتر از یک هفته طول می‌کشد؛ اما با برنامه قبلی انجام می‌شود. یک ماه قبل از آغاز سفر، مجمع نمایندگان استان تشکیل و با برنامه‌ریزی دقیق مشکلات استان مشخص می‌شود، استاندار چند جلسه به تهران فراخوانده و مشکلات با حضور او بررسی می‌شود. قبل از سفر عقب‌ماندگی‌ها و مشکلات استان بررسی و در طول سفر به این مسائل توجه ویژه می‌شود.

بودجه‌های استان، نحوه تخصیص بودجه و انحراف آن مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد. هدف از این سفرها هرگز انتخاباتی و تبلیغ برای آن نیست. ریاست کمیسیون‌ها در این سفرها حضور پیدا می‌کنند، اتفاقی که در سفر می‌افتد خیلی بیشتر از یک سرکشی و نظارت حداقلی است. نکته مهم این است که بعد از سفر کارگروه‌های تخصصی مشکلات را بررسی و راهکار حل مشکل را اعلان می‌کنند. برای نمونه در خوزستان ۲۳ راهکار استخراج شد که کاملاً قانونی و علمی

است. همه این امور در پایگاه مجلس بخش استانی قرار داده شده و راه‌های تأمین بودجه آن نیز معین است.

در حوزه قانون‌گذاری مجلس یازدهم چه برنامه‌هایی دارد؟

موضوع تحول مجلس در حوزه قانون‌گذاری نیز در حال پیگیری است. مجلس یازدهم تلاش دارد در تدوین قانون نظر نخبگان را اعمال کند. بر اساس این طرح کمیسیون‌هایی که در حال تدوین قانون هستند، هم‌زمان می‌توانند از بخش‌های نخبگانی جامعه استفاده کنند تا خرد جمعی وجود داشته باشد. همچنین حضور نمایندگان در یک حوزه انتخابیه و ارتباط مستقیم با وضعیت کشور سبب می‌شود در تصویب قوانین هم نقش مهمی داشته باشد و اولویت‌ها را بهتر تشخیص دهند.

مجلس برای تغییر وضعیت فعلی کشور چه برنامه‌ای دارد؟

در بخش تحول در کشور بسته اقتصادی مردمی یکی از مهم‌ترین برنامه‌هاست. در این زمینه از همان ابتدا از دستگاه‌های مختلف نظر خواهی شده و در کنار این موضوع، مأموریتی ویژه به مرکز پژوهش‌های مجلس داده شده است تا اولویت‌ها را برای کمیسیون‌ها مشخص کند. بسته اقتصادی مردمی از پنج زیرمجموعه تشکیل می‌شود: ۱- اصلاح ساختار بودجه؛ دکتر قالیباف به صورت رسمی به دولت اعلان کرد مجلس روال قبلی بودجه‌ریزی را قبول ندارد و باید اصلاح ساختار بودجه تدوین شود. به همین منظور کمیسیونی به

عنوان اصلاح ساختار بودجه تصویب شد و طرح ۱۴ ماده‌ای را شروع کرد. هدف آنها تغییر در مدل منابع، مدل هزینه‌کردها و مدل اطلاعات است. مادچار نقصان جدی در بخش اطلاعات هستیم. هیچ اطلاع جامعی از دهک‌ها وجود ندارد؛ به همین دلیل اشتباهات زیادی در این خصوص روی داده است. در سال‌های گذشته، مرکز آمار درصد حل این مشکل برآمده بود، اما نتیجه مناسبی حاصل نشد. با این وجود تقویت بانک اطلاعات امری مهم و ضروری است.

۲- اصلاح نظام مالیاتی: قانون مالیات‌گیری باید به دقت اصلاح شود. مأموران مالیاتی با اطلاعات دقیق از این توان برخوردار باشند که از ضعف مالیات‌نگیرند و در مقابل، ثروتمندان توان فرار مالیاتی نداشته باشند. طرح گرفتن مالیات از خانه‌های خالی یک قانون درست در این خصوص است. در حال حاضر، انبوه‌سازی در سطح تهران وجود دارند که بیش از هزار خانه به اسم آنهاست و قصد فروش آن را هم ندارند. ۳- بهبود وضعیت معیشتی مردم: متأسفانه معیشت مردم درگیر اقتصاد سیاسی شده است. وضعیت بورس، ارز، سکه، ماشین و تورم با سیاست دولت فعلی گره خورده است. دولت مردم را تشویق می‌کند که وارد بورس شوند، اما هدف آنها بهره‌برداری در اقتصاد است تا با ابزار بورس به مطامع سیاسی خود برسند. فعالان بازار سرمایه در جلسه‌ای با نمایندگان مجلس می‌گویند وضعیت فعلی بر اساس خواسته دولت شکل گرفته است. ۴ و ۵- رونق تولید و بهبود فضای کسب‌وکار و دیپلماسی اقتصاد.

روزنه

شر مطلق



عباس محمدیان
مسئول بسیج رسانه
خراسان رضوی

فقط دست آمریکا «چدنی» نیست که با دستکش آن را ببوشاند. تمام وجودش چنین است؛ از این رو هر چه می‌کوشد تا با نقاب‌های گوناگون و تن‌پوش‌های متعدد، حقیقت وجودی خود را ببوشاند، باز قطعه‌ای از چدنی پیکرش، از یک جایی بیرون می‌زنند. آنچه می‌کند هم از سر کین است و هم از این روست که اقتضای طبیعتش این است؛ پس باید هوشیاری را در برابر هر دوگانه ملعونی که بسا خود دارد، افزون کرد. بزرگ‌های گاه به گاه، مانند لاک زدن پنجه گرگ است و تلاش برای زیبا نمایی‌اش مانند مسواک کشیدن به دندان گرگ که در واقع نه بهداشتی می‌شود و نه زیبا! فقط کافی است گرگ از جا برخیزد تا باز دندان و پنجه در جان دیگری زند و تلاش مسواک‌کشان و لاک‌زنان را یک جا به باد دهد. نمونه دم دستنی و تازه شده آن همین «کمبود انسولین» است. داری حیاتی برای بیماران خاص که خصومت آمریکایی با تحریم جلوی ورود آن را گرفته است. می‌گویند دارو را تحریم نکرده‌ایم؛ اما نمی‌گویند وقتی شبکه بانکی تحریم، پول‌های ما بلوکه شده و حتی امکان ثبت سفارش نیست و راه‌داد و سست را سد کرده‌اند و پولی نمی‌توانیم جابه‌جا کنیم، چطور می‌توان دارو خرید؟ و خیلی پرسش‌های دیگر که پرداختن به هر کدام فرصتی دیگر می‌طلبد.

مهم نیست که در سیاهه تحریم‌ها اسم دارو را تصریح کرده باشند یا نه؛ اما همین که راه‌ها را بسته‌اند عملاً جز تحریم دارو معنایی ندارد. نتیجه هم روشن است و صدایش از کلماتی شنیدنی است که از حقیقت مظلومیت و غربت یک ملت در فضای مجازی بلند شده است؛ چنانکه پایگاه خبری «انتخاب» هم در این باره نوشته است: «شمار زیادی از کاربران تویتر چند روزی است با هشتگ #انسولین- نیست در حال بیان مشکلات بیماران دیابتی هستند؛ بیماری که مدتی است دسترسی آنها به انسولین بسیار دشوار شده است. آن هم انسولینی که برای آنها حکم اکسیژن برای نفس کشیدن را دارد. «انسولین نیست» یک واقعیت است که طعم تلخ و دردناک آنها را این دسته از بیماران حس می‌کنند. اگر هم در گوشه و کنار بازار، از راه‌های رسمی و غیررسمی، انسولینی پیدا شود، آنقدر گران است که بیشتر بیماران قدرت خریدش را ندارند.» این قبل از هر چیز نتیجه تحریم‌هایی است که نه علیه یک دولت، که برای زمین زدن یک ملت طراحی شده است. ملتی که هیچ گناهی ندارد و بسیاری از بیماران، حتی نمی‌دانند سیاست را با سین می‌نویسند یا صاد؛ اما دارند قربانی «جنایت‌های آمریکا» می‌شوند. یعنی آن چند پنهان باز عریان می‌شود، طعم مرگ می‌گیرد و زشتی آنان را آشکار می‌کند؛ اما چدن تحمل فولاد را ندارد، شکستی است و قطعاً این پنجه شوم که شیشه زندگی خیلی‌ها را شکسته است، خواهد شکست؛ خواهد شکست آنکه معاهدات انسان‌دوستانه و بین‌المللی را به هیچ گرفته است. خواهد شکست دستی که گرمای عهد و پیمان ندارد و دور نیست آن روز که صدای شکستن این دست چدنی، دنیا را خوشحال کند...

عکس و مکت



گشوده شدن درهای مسجدالحرام به روی نمازگزاران، بعد از ۷ ماه تعلیق اقامه نماز در مسجدالحرام درهای مسجدالحرام را به روی نمازگزاران باز کرد و زائران می‌توانند با رعایت شیوه‌نامه‌های سختگیرانه در این مکان مقدس عبادت کنند. با شیوع کرونا بسیاری از مکان‌های زیارتی در سراسر دنیا با محدودیت‌هایی روبه‌رو شدند و امیدواریم این ویروس منحوس از بین برود و دوباره با خیالی راحت به زیارت برویم. ان‌شا، الله



یک تولد نتانیاها! / چند نفر از معترضان در سرزمین‌های اشغالی با ساخت ماکتی از کیک تولد، آن را به محل اقامت نتانیاها برده‌اند. اعتراض‌ها به نتانیاها و درگیری‌های شبانه در سرزمین‌های اشغالی هفته‌هاست که به دغدغه سران رژیم غاصب صهیونیستی تبدیل شده است و روز به روز جایگاه این رژیم در میان شهروندان صهیونیستی متزلزل‌تر می‌شود.



شهید امر به معروف و نهی از منکر، پاسدار بسیجی محمد محمدی، از بسیجیان پایگاه مقاومت بسیج انصارالامام تهران، شب ۲۷ بهرامه حین درگیری با هفت نفر از ارادل و اوباش نهرانیارس، در حالی که قصد دفاع از ناموس مردم را داشت، مورد ضرب و جرح با چاقو قرار گرفت و به شهادت رسید. شهید محمدی دو سال قبل کارت اهدای عضو دریافت کرده بود و هفت عضو از اعضای پیکرش با رضایت خانواده او اهدا شد.



جریمه یا تشویق؟ کدام اثرگذارتر است؟ / پرسنل نیروی انتظامی تهران بزرگ با حضور سردار حسین رحیمی، فرمانده فاتب هم‌زمان با آغاز هفته نیروی انتظامی در میدان ولی‌عصر(عج) تهران به مردم ماسک و گل اهدا کردند. با وجود اینکه اخباری مبنی بر جریمه افرادی که در خیابان ماسک نمی‌زنند، منتشر شده است؛ اما این رفتار نیروی انتظامی و تشویق این گونه مردم به رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی، به مراتب اثرگذارتری بیشتری دارد.

انعکاس

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

آمریکا بعد از انتخابات

ثمانه اکوان

کارشناس بین‌الملل



واقعاً مشخص نیست کدام نامزد انتخاباتی ۲۰۲۰ پیروز میدان خواهد بود، اما آنچه این روزها بحث‌های فراوانی درباره آن است فضای پس از انتخابات سوم نوامبر است:

۱- پیروزی ترامپ: در این سناریو، به احتمال زیاد پیروزی ترامپ با توسل به آرای اکثریت صورت می‌گیرد و او آرای مردمی را از دست خواهد داد. پیش‌بینی می‌شود تفاوت در آرای مردمی بسیار زیاد باشد و در شرایطی که کلینتون در سال ۲۰۱۶ حدود ۳ میلیون رأی مردمی بیشتری داشت. همین مسئله موجب می‌شود دموکرات‌ها سخت‌تر بتوانند نتیجه انتخابات را بپذیرند و در عین حال ترامپ نیز برای دومین دوره ریاست جمهوری اش جنگ شدیدی با مطبوعات، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که از هم‌اکنون حمایت شدیدی از نامزد دموکرات کرده‌اند، به راه بیندازد. در نهایت ممکن است کار به شکایت کشیده شود و دیوان عالی آمریکا بخواهد در این زمینه حکم دهد. با توجه به اکثریت بودن جمهوری خواهان در این دیوان، به نظر نمی‌رسد این شکایت راه به‌جایی برسد. اگر در انتخابات کنگره، مجلس سنا نیز به دست دموکرات‌ها بیفتد، دیگر کار برای ترامپ بسیار سخت خواهد شد.

۲- پیروزی بایدن: معلوم نیست که ترامپ نتایج انتخابات را قبول کند و از قدرت کنار رود. او اعلام کرده است به‌اندازه‌ای که به پیروزی خود در این انتخابات باور دارد که اصلاً گمان نمی‌کند کار به اینجا یا شکایت به دیوان عالی این کشور برسد. او گفته است اگر ببازد، در واقع از بدترین نامزد ریاست جمهوری تاریخ آمریکا باخته و باید کشور را ترک کند. البته به نظر نمی‌رسد ترامپ در این کار چندان هم مصمم باشد؛ چرا که از چند سال قبل شرایط برای بردن اموال و دفاتر خود از نیویورک به فلوریدا را فراهم کرده و گفته است قصد دارد بعد از دوران ریاست جمهوری در این ایالت بماند. اما اگر ترامپ نتایج انتخابات را نپذیرد، باید دید با چه میزان رأی از نامزد دموکرات‌ها عقب مانده است. اگر آرای مردمی و اکثریت بایدن فاصله معناداری با ترامپ داشته باشد، احتمالاً دیوان عالی جمهوری خواه نیز نمی‌تواند رأی علیه خواست مردمی و اکثریت‌ها بدهد و مجبور است پیروزی بایدن را اعلام کند. در این حالت این هم‌راهان و هم‌حزبی‌های ترامپ هستند که مشخص می‌کنند او چگونه باید کاخ سفید را به بایدن تحویل دهد. ممکن است او در برابر این کار از خود مقاومت نشان دهد؛ در این صورت تنها راهی که می‌تواند او را از این لجن‌بازی کودکانه منصرف کند، نوع رفتار بزرگان حزب جمهوری خواه و هوادارانش است. اگر اعضای اصلی حزب از این کار استقبال نکرده و پشت او را خالی کنند، او نمی‌تواند مانند یک دیکتاتور همچنان جایگاه خود در کاخ سفید را حفظ کند؛ حتی اگر فرمانده کل قوا باشد، نمی‌تواند پنتاگون را مجبور کند که سبب روی کار آمدن یک دیکتاتور در ایالات متحده شوند؛ اما اگر جمهوری خواهان نیز از او حمایت کنند، به احتمال زیاد می‌تواند در دیوان عالی کار خود را پیش ببرد و با اعمال فشار بر قضات دیوان که حالا اکثریت‌شان را جمهوری خواهان تشکیل می‌دهند، همچنان در کاخ سفید باقی بماند. و احتمال رویارویی دو حزب اصلی آمریکا به شدت وجود دارد.



انتخابات آمریکا و راهبردهای ما

نخستین، بلکه از نگاه ناظران داخلی و بین‌المللی به کلاف سردرگم تبدیل شده است. شرایط به گونه‌ای است که حزب دموکرات رقیب، قادر نیست این ریل‌گذاری را با تغییر زیادی در روش و مدل رفتاری در سیاست خارجی مواجه کند. چیزی که برای دیگر قدرت‌های رقیب یا کشورهای مستقل در انتخابات آمریکا حائز اهمیت است اینکه با آمدن بایدن به ساختار قدرت، همه فرصت‌های خودزنی ترامپ در سیاست و روابط بین‌المللی را از دست خواهند داد و چالش‌های شان نیز با گشایش رویه‌رو نمی‌شود. در مسئله ایران نیز، آن‌گونه که مشاوران بایدن اعلام رسمی کرده‌اند، تمامی رویکردهای ترامپ علیه ایران باقی می‌ماند؛ ولی با بازگشت به برجام که به عنوان یک کارت بازی به طرف ایران فروخته می‌شود، فرصت اجماع‌سازی اروپایی و متزلزل کردن یا محتاط کردن رویکردهای روسی و چینی را کسب می‌کند. حاصل اینکه همان مطالبات ترامپ برای ادامه فشار به ایران و دستور کارهای موشکی و منطقه‌ای و حقوق بشری و دائمی کردن محرومیت هسته‌ای حفظ شده و فرصت‌های ایززای آمریکا علیه ایران افزایش می‌یابد. نکته‌ای که نخبان و برخی مقامات سابق به آن اعتراف می‌کنند، این است که سازوکارهای فشار به ایران، به وضعیت روزهای پایانی دوره اوباما رسیده و فرسوده شده و قادر به کارکرد مؤثر نخواهند بود و لذا باید با شعار مذاکره، سیاست‌های خود را نجات دهند و هیچ چاره دیگری ندارند. اینجاست که نقش جریان غربگرای داخلی پررنگ می‌شود. این جریان در داخل ایران،

آن‌گونه نیست که تکیه بر منافع و امنیت ملی ایران داشته باشد و کاملاً با رویکرد و مطالبات آمریکایی و غربی همسو است و همان را تکرار یا تسهیل می‌کند. این جریان اساساً اعتقادی به توان هسته‌ای ایران نداشت و آن را ویال کردن ایران توصیف می‌کرد و لذا برجام را با محتوایی تقریباً هیچ با طرف آمریکا امضا کرد. اکنون نیز با صراحت بیان می‌کنند که نفوذ منطقه‌ای و توان موشکی برای ایران مضر است و باید آن را واگذار کنیم. البته با قاطعیت باید گفت، ترامپ و ساختارهای رسمی آن پس از شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی خوشحال بودند و جریان داخلی متمایل به غرب هم در یک سال گذشته، تمامی خواسته‌های آمریکایی‌ها در کاستن از نفوذ منطقه‌ای را در عراق، افغانستان، سوریه و اخیراً در بحران قریب‌مدت دریای مدیترانه و در برخی موارد به تسهیل کننده و همراه آمریکا در عراق، افغانستان و قفقاز تبدیل شده‌اند. حاصل رویکرد جریان غربزده در داخل ایران این است که همه توانمندی‌هایی که یا در بازدارندگی و حفظ امنیت ملی و منافع ملی نقش دارند یا نقش و جایگاه منطقه‌ای و جهانی برای ایران تولید می‌کنند را باید به مذاکره (بخوانید واگذار کردن و تحویل دادن) گذاشت. از منظر بسیاری از تحلیل‌گران حرکت دولت معتقد به تعامل با غرب نیز در مسیر استراتژی مطلوب آمریکا بوده و به عنوان یک دستگاه مسئول برای حل مشکلات مردم و کشور عملکرد ضعیفی داشته است و کمتر در مقابل فشارها و چالش‌سازی‌های دشمن ظهور و بروز

داشته است. هم‌اکنون نیز در رسانه‌های شان بی‌میل به پیگیری خط مذکره نیستند. از این رو در برآورد از این دو پدیده خارجی و داخلی، اولویت با مهار و مدیریت جریان غربزده داخلی است، چرا که رخداد انتخاباتی آمریکا در خارج، صرفاً زمانی قادر است عمر ابزارهای فشار خود را که فرسوده و ناتوان از تحقق هدف اصلی است، طولانی کند که غربزده‌های داخل نقش غضنفر و گل به خودی را به خوبی اجرا کنند. حیات این جریان برای آمریکا و متحدان آن بسیار مهم است و شاید با شکلات و متحمل آن به مقدماتی مانند برجام با ۱۷ میلیارد دلار را تکرار کرده و هم اینکه برای خیمه‌شب‌بازی غربزده‌ها و فریب مجدد مردم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایران، ابزاری فراهم کنند و هم جلوی مسرگ این گفت‌وگو بی‌جان و مشکوک را بگیرند. لذا در سیاست خارجی باید ضمن حفظ و گسترش ریزنی و پیوند با روسیه و چین، عقبه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی سامان یافته و در تعامل و ریزنی با اروپا، هزینه‌های فزاینده در همراهی و اجماع با دولت جدید آمریکا، به عنوان راهبرد روشن دنبال شود. در محیط داخلی مطالبه عمومی کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و فشار ساختاری و نظارتی برای پاسخگو کردن و هدایت سیاست‌های اقتصادی به مجاری مطلوب‌تر و روشن‌نگری در ماهیت باتلاق گونه‌ها مژگانه مذاکره و به ویژه ماهیت تجربه شده غربزده‌های برجامی، فرصت‌های ملی را احیا و فرصت پاس گل به غرب با طریق غربزده‌ها را به صفر برسانیم.

هادی محمدی

تحلیلگر ارشد بین‌الملل



انتخابات ریاست جمهوری آمریکا همواره این‌گونه نمایش داده شده که برای کشورهای مختلف حائز اهمیت است؛ ولی دلیل آن این است که کشورها و قدرت‌ها همواره با تاکتیک و روش‌های اجرای سیاست خارجی آمریکا نوعی همزیستی را نشان داده و یکی را بر دیگری ترجیح داده‌اند. نکته اصلی این است که استراتژی‌های بزرگ آمریکا در قبال رخدادها و روندهای جهانی ثابت و واحد هستند. شرایط ویژه‌ای که بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی جهان با آن رویه‌روست، موجب شده تا روش و تاکتیک‌های دو حزب رقیب، فاصله و تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته باشند. برای نمونه، منافع استکباری آمریکا در جهان امری ثابت و تهدیدات و سطوح آن دارای یک برآورد است. کنترل منبع ثروت و قدرت در جهان و ابزارهای مهار دیگران در نقاط مختلف باید در اختیار آمریکا باشند تا سلطه و هژمونی آمریکا استمرار یابد و برتری و اقتدار ایالات متحده تضمین شود. مسئله خاورمیانه و غرب آسیا و ایران، یکی از سرفصل‌های ثابت برای آمریکاست، همان‌گونه که نوع تعامل با چین و روسیه، در صدر اولویت‌های آمریکا قرار دارند. دوره ترامپ با تمامی اشکال نامتقارن و غیرعادی در رویکرد و روش‌هایش در جهان به سرآمده و شرایط آمریکا را نه تنها بهبود

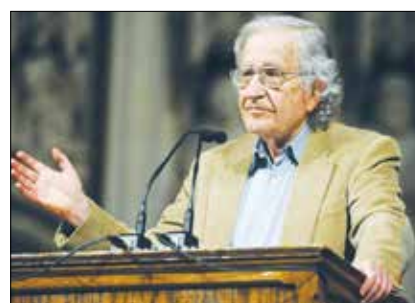
ادعای تکراری

«جانان آلن» نماینده انگلیس در سازمان ملل در نشست اخیر شورای امنیت با موضوع امنیت در منطقه خلیج فارس، طی اظهاراتی گفت: «کشورش قاطعانه متعهد به حفظ توافق هسته‌ای برجام است.» وی در ادامه اظهارات خود با تکرار ادعاهای گذشته علیه ایران، مدعی شد: «تسلیمات هسته‌ای ایران، پیامدهای فاجعه‌باری بر امنیت منطقه و فراتر از آن خواهد داشت و برجام تنها وسیله موجود برای جلوگیری از این پیامدهاست.» گفتنی است، این اظهارات در حالی برای چندمین بار تکرار می‌شود که اروپایی‌ها هرگز به تعهدات‌شان پایبند نبوده و نیستند و تنها با لفاظی سعی در حفظ برجام دارند!



دولت یاغی!

«نوام جامسکی» فیلسوف و تاریخ‌دان برجسته آمریکایی با اشاره به ترور «سردار سلیمانی» به دست دولت آمریکا، گفت: «این اقدامی بسیار خطرناک بود، چنین چیزی در خلال جنگ جهانی دوم و حتی جنگ سرد نیز رخ نداد و مانند این بود که ایران تصمیم می‌گرفت مایک پمپو را در فرودگاه بین‌المللی مکزیکوسیتی به قتل برساند. این همان اتفاقی است که در این خصوص رخ داد؛ ولی در اینجا (آمریکا) مورد تحسین قرار گرفت که واقعاً شوکه‌کننده است و نشان داد آمریکایی‌ها تا چه حد افراطی هستند و آمریکا یک کشور یاغی است که نسبت به تعهدات بین‌المللی بی‌تفاوت است.»



اتحاد با اشغالگر

یک پژوهشگر و نویسنده فلسطینی فاش کرد، امارات عربی متحده حمایت مالی از پروژه‌های صهیونیستی در قدس اشغالی را بر عهده خواهد داشت؛ پروژه‌ای که به یهودی‌سازی قدس شدت می‌دهد و به رژیم اشغالگر در تسلط بر اراضی فلسطینی کمک می‌کند. «عبیدات» گفت، این پروژه ششصد میلیون دلاری است و به دنبال ایجاد زیرساخت‌هایی برای اهداف تجاری، اقتصادی، گردشگری، هتل و... است که قرار است در مساحت ۲۵۰ هزار متر مربع ساخته شود. همچنین، منابع صهیونیستی گزارش دادند، امارات رسماً درخواستی برای افتتاح سفارت این کشور به وزیر خارجه رژیم صهیونیستی تحویل داده است.



پروژه انتخاباتی

امکان سنجی خروج آمریکا از افغانستان



محسن باقری

کارشناس مسائل افغانستان

و اساساً بین‌الافغانی واقعی در کار نیست؛ به گونه‌ای که هیئت مذاکره‌کنندگان طالبان نیز اذعان کرده‌اند در این مذاکرات باید رهبران تاجیک و ازبک از جمله «صلاح‌الدین ربانی» و «مازشال دوستم» نیز حضور داشته باشند. شاید مهم‌ترین نکته‌ای که به نوعی مذاکرات میان افغانی را با چالش‌های اساسی روبرو کرده است، سیاست دوگانه آمریکایی‌ها در خروج از افغانستان و واگذاری (معامله) آن به طالبان است. فشار زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه آمریکا در امور صلح به اشراف غنی در دوحه و فشار به دولت کابل برای آزادی ۵ هزار زندانی طالبان و چراغ سبز آمریکا برای حمله به حاشیه شهرهای بزرگ و تصرف برخی شهرها، به خوبی نشان‌دهنده آن است صلح بین‌الافغانی، یک مسیر آمریکایی، نمادین و فرمایشی را طی می‌کند، موضوعی که رحمت‌الله نبیل، رئیس سابق شورای امنیت ملی افغانستان نیز بر آن تأکید می‌کند.

واقعیت این است که در مذاکرات بین‌الافغانی، به منافع، مصالح و مطالبات مردم و جامعه افغانستان توجهی نشده است. در واقع مذاکره‌ای که از منافع و خواسته‌های مردم صیانت شده باشد، دیده نمی‌شود و بدون هیچ شکی این مسئله در مذاکرات مستقیم آمریکا و طالبان، رعایت نشده است. در مقابل امتیازات فراوانی بین دو طرف رد و بدل شده است که باید از این مسئله به مثابه «معامله» یاد کرد نه مذاکره؛ چرا که آمریکایی‌ها دنبال بهره‌برداری و درست کردن کلاهی از نمذ مذاکره هستند و اساساً امنیت و صلح واقعی افغانستان و خروج از آن مدنظر آمریکایی‌ها نیست و رهبران طالبان نیز تنها به دنبال عملیاتی کردن خواسته‌های خود هستند و حاضر نیستند در یک وضعیت مساوی با رهبران سایر جریان‌های سیاسی مذاکره کرده و از برخی خواسته‌های تدریجانه خود کوتاه بیایند. با توجه به مطالب فوق، باید گفت ساده‌انگاری و خوش‌بینی است اگر باور کنیم آمریکا به دنبال خروج از افغانستان و تخلیه کامل پایگاه نظامی بگرام یا شنیدن هرات و... است.

ترامپ حدود سه هفته پیش توییت کرد که نیروهای آمریکایی تا کریمس به خانه باز خواهند گشت و تعداد نیروها در افغانستان از ۱۲ هزار نفر به ۴ هزار و ۵۰۰ نفر کاهش خواهد یافت. با وجود این باید تأکید کرد، خروج کامل از افغانستان، سیاست نهایی آمریکا نیست. آمریکا به این دلیل افغانستان را به‌طور کامل رها نخواهد کرد که رقیب استراتژیک آن، یعنی چین در شرق افغانستان واقع شده است و مهار روسیه و ایجاد مزاحمت امنیتی برای ایران، از اهداف آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن است. خروج یا کاهش نیروهای آمریکایی، روش دونالد ترامپ است تا از مذاکرات بین‌الافغانی، بهره‌برداری انتخاباتی بکند. ترامپ بارها تأکید کرده است، این شرایط و تحولات افغانستان است که مشخص خواهد کرد از این کشور خارج شویم یا نه. دستگاه حاکمه آمریکا فارغ از اینکه ترامپ در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ پیروز شود یا جو بایدن، بخشی از نیروهایش را در افغانستان حفظ خواهد کرد. در همین راستا، «تونی بلنکین» مشاور ارشد جو بایدن، نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گفته است در صورت پیروزی بایدن در انتخابات، او تعداد کمی از نیروهای آمریکایی را در افغانستان حفظ خواهد کرد. اما نکته اساسی این است که بحث خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان زمانی قوت بیشتری گرفت که توافق نامه دوحه در ۱۰ اسفند و پس از ۱۱ دور مذاکرات مستقیم بین آمریکا و گروه طالبان در قطر به امضا رسید. طبق این توافق نامه، قرار شد طالبان در ازای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، مذاکرات بین‌الافغانی را آغاز کند و از حملات خود بکاهد؛ اما از زمان امضای توافق دوحه تاکنون که نزدیک به هشت ماه می‌گذرد، نه تنها حملات طالبان و ناامنی‌های ناشی از آن تشدید شده است، بلکه مذاکرات بین‌الافغانی نیز به معنای واقعی در مسیر صحیح خود قرار نگرفته

جنگ قدرت در واشنگتن

ذوق‌زدگی متوهمانه از پیروزی بایدن در تهران



حمید خوش‌آیند

کارشناس بین‌الملل

روانی است، می‌تواند بر فضای اقتصاد ایران به ویژه در ابعاد روانی اثرگذار باشد، اما این تأثیر «کوتاه‌مدت» و «گذرا» خواهد بود و بیشتر از چند ماه دوام نخواهد آورد. بایدن تاکنون حتی یک جمله هم درباره «سرنوشت تحریم‌هایی» که ترامپ پس از خروج از خرسوج از برجام اعمال کرد، نگفته است. با اینکه چند بار تأکید کرده به برجام باز خواهد گشت، اما عمداً درباره سرنوشت تحریم‌های کنونی هیچ حرفی نزده و وعده‌ای نداده است. همان‌گونه که ترامپ سیاست خصمانه خود علیه ایران را بر پایه سیاست تحریمی اوپاما بنیان نهاد، لذا بعید است بایدن در صورت پیروزی، بنای تحریمی را که از دولت ترامپ به ارث می‌برد به رایگان ویران کند. اینکه رقیب دموکراتش را تحمل کند! از این نقطه‌نظر فردای انتخابات آمریکا حداقل برای شخص ترامپ، نباید از این دو حالت خارج باشد: یا پیروزی و استقرار مجدد در کاخ سفید، یا توسل به سازوکارهای نامتعارف و خشن برای بقا در قدرت! تحقق چنین سناریویی با توجه به شناختی که از مختصات رفتاری و شخصیتی ترامپ وجود دارد، اصلاً دور از انتظار نیست؛ به ویژه در کشوری مانند آمریکا که سیاست‌ورزی در آن فاقد مؤلفه‌های «اخلاق مدارانه» بوده‌بی‌اخلاق‌ترین سیاستمداران جهان بر آن حکمرانی می‌کنند. اما نکته مهمی که درباره انتخابات آمریکا وجود دارد، مربوط به تأثیری است که نتایج آن می‌تواند در ایران داشته باشد. هم‌اکنون این فرض در کشور و از سوی جریان‌های خاص در حال تفسیر است که پیروزی بایدن به معنای پایان دوران دشوار اقتصادی ایران است که «خوش‌بینی مضاعفی» بیش نیست. در اینکه نتایج انتخابات آمریکا و جهت‌گیری رؤسای جمهوری آن با توجه به جایگاهی که این کشور در اقتصاد جهانی دارد، در اقتصاد بین‌الملل تأثیرگذار است، شکی وجود ندارد. جمهوری اسلامی نیز با توجه به اینکه جزئی از نظام بین‌الملل است، از این قاعده مستثنا نیست. آثار پیروزی بایدن در انتخابات، با توجه به اینکه اقتصاد ایران هم، مانند سایر اقتصادهای جهان در مواردی متأثر از انتظارات

آرامی نسبت به چشم‌انداز حضور در ایران ندارد. چرا که از زمان طرح موضوع توافق تجاری و سرمایه‌گذاری سنگین چینی‌ها در بنادر ایران این احتمال مطرح شده است که حضور هندی‌ها در پروژه‌های ایران به خصوص بندر چابهار که برای هند مهم است، تحت تأثیر این مسئله قرار بگیرد.

لایه‌های آذری و ارمنی

ریسپانسیبلی استیت کرافت: لایه‌های آذری و ارمنی میلیون‌ها دلار هزینه می‌کنند تا مطمئن شوند حمایت آمریکا را پشت سر خود دارند. بیشتر آمریکایی‌ها اطلاعات کمی درباره درگیری بین دو جمهوری استقلال یافته پس از اتحاد جماهیر شوروی دارند، اما یک لایه آذربایجانی ثروتمند در برابر یک دیاسپورای ارمنی کاملاً سازمان یافته در آمریکا هستند که سعی دارند واشنگتن را به سمت کشور خودشان بکشانند. نبرد این دو گروه سبب تناقض در سیاست‌های آمریکا شده است؛ طوری که کنگره به حمایت از ارمنستان تمایل دارد، در حالی که دولت همچنان صدها میلیون دلار کمک نظامی به آذربایجان ارائه می‌دهد.



جهان

شماره ۹۷۳ | دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

چشم‌انداز مناقشه قره‌باغ

علی مهر دوست

کارشناس مسائل غرب آسیا

درگیری‌ها در قره‌باغ وارد چهارمین هفته خود شده و تاکنون تلاش‌های مسکو برای برقراری آتش‌بس بی‌نتیجه بوده است. از یک طرف آذربایجان که با حمایت‌های آشکار ترکیه و پنهان رژیم صهیونیستی موفقیت بی‌سابقه‌ای در پیشروی میدانی کسب کرده است، به دنبال کسب اعتماد به نفس، با بی‌نتیجه بودن مذاکرات سیاسی و تداوم حمایت‌های بین‌المللی از ارمنستان، تنها راه آزادسازی خاک اشغال شده‌اش را تداوم عملیات نظامی قلمداد می‌کند؛ از سوی دیگر رئیس‌جمهور ارمنستان که سیاست همگرایی با غرب و اعمال محدودیت برای روس‌گرایان در این کشور را پیش گرفته، بزرگ‌ترین بازنده تحولات اخیر لقب گرفته است؛ چرا که نه غربی‌ها حمایت جدی از او در مقابل آذربایجان انجام داده‌اند و نه روسیه که همواره حامی ارمنستان بوده است. پوتین در راستای تثبیت پاشینیان از دخالت فوری برای برقراری آتش‌بس خودداری کرده تا دولت ارمنستان متوجه خطای راهبردی خود در گرایش به غرب شود. از آنجا که طولانی شدن درگیری‌ها امنیت ملی و منافع روسیه در قفقاز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پای سایر بازیگران را در منطقه مستحکم می‌کند، مذاکرات آتش‌بس میان طرفین با میانجی‌گری روس‌ها آغاز شده که با وجود توافق طرفین در دو مرحله، آتش‌بس برقرار نشد و حملات نظامی تداوم یافت. بی‌توجهی طرف‌های درگیر به توافق آتش‌بس پیام‌های گوناگونی را به دنبال داشت: از یک سو نشان داد که سسطره سابق روس‌ها بر قفقاز کاهش یافته و ارمنستان و آذربایجان از این کشور حرف شنوی لازم را ندارند و از سوی دیگر افزایش نقش بازیگران ثالث از جمله ترکیه را نشان داد. مواضع مقامات سیاسی و نظامی ترکیه در مخالفت با برقراری آتش‌بس در قره‌باغ به مراتب تندتر از مواضع مقامات باکو بوده و آنها ضمن بی‌نتیجه بودن مذاکرات گروه مینسک و حمایت‌های تسلیحاتی اعضای آن گروه از ارمنستان بر آزادسازی قره‌باغ از طریق نظامی تأکید دارند. اگرچه پوتین با دعوت از رؤسای جمهور دو کشور درگیر برای سفر به مسکو و مذاکره برای برقراری آتش‌بس تلاش می‌کند از طولانی شدن درگیری‌ها جلوگیری کند و وزیر خارجه ارمنستان هم قبل از سفر پاشینیان راهی مسکو شد، اما به نظر می‌رسد دخالت‌های مستقیم ترکیه در مناقشه که هم در چارچوب نیابت از غرب و ناتو قابل تحلیل است و هم در قالب سیاست‌های توسعه سرزمینی خود مانع برقراری آتش‌بس پایدار در این منطقه خواهد شد و ترک‌ها تا زمانی که جای پای میز مذاکرات برای خود باز نکنند، از برافروختن آتش در قره‌باغ خودداری نخواهند کرد. در حال حاضر، یکی از مطالبات جدی ترکیه حضور در مذاکرات قره‌باغ است که آذری‌ها هم حمایت می‌کنند. حضور ترکیه در مذاکرات به معنای تثبیت حضور آنها در منطقه خواهد بود. انتظار این است که در مناقشه اخیر انفعال دستگاه دیپلماسی کشورمان با توجه به پیوندهای تاریخی و اشتراکات فراوان و ظرفیت‌های بالای کشور در قفقاز رویکرد فعالی در پیش بگیرد و مانع از آن بشود که بازیگران فرامنطقه‌ای، رژیم صهیونیستی و یا نیروهای نیابتی از تل‌آویو در منطقه زمینه‌ساز افزایش درگیری‌ها و ایجاد بدعت‌های ناگوار شوند.

رصد

جو بایدن و آرزوی صهیونیست بودن!

که این محور، بایدن را هم طرفدار صهیونیست‌ها می‌داند که البته این طرفداری، کاملاً اقلانه صورت می‌گیرد. کسی نمی‌تواند در رابطه بایدن با رژیم صهیونیستی تردید کند، رابطه‌ای مستحکم که چند دهه طول کشیده است. در سال ۱۹۸۶، زمانی که بایدن عضو کنگره بود، تصریح کرد در صورتی که اسرائیل وجود نداشته باشد، آمریکا مجبور به اختراع اسرائیل دیگری می‌شود تا از منافع خود حمایت کند. یک بار دیگر هم از بایدن نقل شد: «اگر یهودی بودم، قطعاً صهیونیست می‌شدم. اسرائیل برای امنیت یهود در جهان، ضروری است.»

نگرانی هند

المانیور: دهلی نو مدت‌هاست که برای توسعه بندر چابهار و تبدیل کردن آن به یک موفقیت اقتصادی رابطه تنگاتنگی با تهران برقرار کرده است. بندر چابهار در فاصله کمتر از ۹۰۰ مایلی بمبئی واقع شده است و می‌تواند دروازه بسیار مهمی برای دهلی نو در رسیدن به آسیای میانه و افغانستان باشد. برای همین از زمانی که بحث توافق تجاری ۲۵ ساله بین ایران و چین جدی شده است، به نظر می‌رسد، کابینه هند خیال

سکوت عجیب!

نشنال اینترست: ترور ژنرال سلیمانی هیچ نتیجه‌ای در جهت منافع آمریکا نداشت و تنها دیدگاه جهانی به این کشور را خدشه‌دار کرد. با این حال، به نظر می‌رسد که حزب مخالف درباره جزئیات اتفاقاتی که به ترور انجامید و به‌طور کلی درباره نقش آمریکا در خاورمیانه، به‌طور عجیبی سکوت همراه با انتقاد کرده است. با توجه به اظهارات هریس، معاون جو بایدن و بسیاری از دیگر افراد در حزب دموکرات در زمینه سیاست خارجی که به «لیبرالیسم زوری» اشاره دارد، می‌توان گفت این انتقاد نکردن عمده بوده است.

اختراع اشغالگر دیگر!

عربی ۲۱: محور ضد ایرانی در منطقه خواهان پیروزی ترامپ است و اعتقاد دارد که وی به فشارهای خود بر ایران ادامه می‌دهد و تشویق وی از سوی صهیونیست‌ها، علیه ترکیه دشوار نیست. اما این محور، هم‌زمان تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد ترامپ نمی‌گذارد و سعی دارد با صهیونیست‌ها و لابی‌های وابسته به آنها در ایالات متحده در خصوص رأی دادن به بایدن، مذاکره کند؛ چرا

یادداشت

پیامدها و دلایل
افزایش پایه پولی

روح‌الله صنعتکار

کارشناس اقتصادی



منابعی که بانک مرکزی منتشر می‌کند و در چرخه اقتصاد کشور در اختیار بانک‌های تجاری قرار می‌گیرد و بانک‌ها می‌توانند از طریق خلق پول بانکی به گسترش حجم پول بپردازند، موجب افزایش پایه پولی می‌شود. تغییرات پایه پولی در اقتصاد را می‌توان تابعی از تغییرات دارایی‌های مالی بانک مرکزی به شمار آورد. بانک مرکزی در کشورها در کنار وظایف متعددی که بر عهده دارد، وظیفه انتشار اسکناس را نیز بر عهده دارد. این بانک از ذخایر ارزی، ذخایر طلا، مطالبات از دولت و مطالبات از بانک‌ها به عنوان پشتوانه برای چاپ اسکناس استفاده می‌کند. بدهی بانک مرکزی نیز همان اسکناس و مسکوکات در دست مردم، ذخایر قانونی، اضافی و احتیاطی بانک‌های تجاری است. هرگونه افزایش در پایه پولی سبب افزایش چند برابری در کل عرضه پول می‌شود. در قدیم عموماً معادل طلایی که در خزانه بود، اسکناس چاپ می‌شد؛ اما این رویه با ایجاد و گسترش بانک‌های تجاری دستخوش تغییراتی شده است. به تدریج و با گذشت زمان دولت‌ها در یافتن که می‌توانند بیش از حجم طلای در اختیار خود، اسکناس منتشر کنند و کسی نیز برخوردی با آنها نکند. از آن زمان به بعد، صرفاً معادل در صدی از اسکناس منتشره، طلا نگهداری می‌کردند. با گذشت این شرایط، موارد دیگری هم جای طلا به منزله پشتوانه پول نگهداری شدند که از جمله آن می‌توان به ۱- طلب‌های بانک مرکزی از دولت، ۲- ذخایر ارزی بانک مرکزی، ۳- طلب‌های بانک مرکزی از بانک‌های تجاری و ۴- دارایی‌های فیزیکی بانک مرکزی اشاره کرد. این چهار مورد همان چهار موردی هستند که در قسمت دارایی‌های ترازنامه بانک مرکزی دیده می‌شوند و پول بر قدرت پولی است که بانک مرکزی از این چهار طریق ایجاد می‌کند.

سه دلیل مهم نیز برای افزایش پایه پولی در کشور وجود دارد که عبارتند از: افزایش خالص بدهی‌های دولت، افزایش خالص دارایی‌های خارجی و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی. به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۱، یعنی دولت‌های سازندگی و اصلاحات افزایش خالص بدهی دولت دلیل اصلی رشد پایه پولی در کشور بوده است؛ اما از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲، یعنی از اواخر دولت اصلاحات تا پایان دولت دهم افزایش خالص دارایی‌های خارجی را می‌توان دلیل عمده رشد پایه پولی دانست. اما در دولت یازدهم و دوازدهم عمده‌تاً افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی سبب رشد پایه پولی شده است. باید اذعان کرد که در کشورهایی مانند ایران که تحریم بوده و نمی‌توانند از منابع خارجی استفاده کنند یا واردات را به شکل منطقی افزایش دهند، این موضوع سبب افزایش تقاضای پول می‌شود که با توجه به کند بودن نرخ رشد تولید، در نهایت قدرت و ارزش پول ملی کاهش می‌یابد. زمانی که دولت نمی‌تواند از طریق راه‌های منطقی، مانند کاهش هزینه‌ها یا نرخ عملیات بازار یا فروش اوراق مشارکت و قرضه منابع مورد نیاز خود را تأمین کند، متأسفانه بانک مرکزی را وادار به چاپ پول بدون پشتوانه می‌کند و این پدیده موجب رشد پایه پولی و نقدینگی می‌شود.

حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با صبح صادق

سرمایه‌گذاری در بورس بلندمدت است

شاید مهم‌ترین اتفاقات اقتصادی رخ داده در شش ماهه اول سال ۱۳۹۹ را بتوان جهش شدید نرخ ارز و تأثیر آن بر قیمت کالاهای اساسی و رشد بی‌سابقه و سپس روند نزولی شاخص بورس دانست. موضوعاتی که سال ۱۳۹۹ را به سال رکوردهای جدیدی در اقتصاد ایران تبدیل کرد. عبور نرخ ارز از رقم ۳۰ هزار تومان و رشد شاخص بورس از دو میلیون واحد با وجود تعدیل‌هایی که در روزها و هفته‌های گذشته رخ داده، نشان‌دهنده ورود اقتصاد ایران به دوره جدیدی از حیات اقتصادی خود است. صبح صادق در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نوسانات نرخ ارز، وضعیت بازار سرمایه و عملکرد بانک مرکزی را بررسی کرده است.

میثم مهرپور

دبیر گروه اقتصاد

تحلیل تان را درباره دلایل نوسانات
نرخ ارز در ماه‌های اخیر بفرمایید؛
به هر حال موضوع نرخ ارز، تأثیر
مستقیمی بر معیشت مردم دارد.

واقعیت این است که میزان ارز قابل دسترسی برای کشور، در حال حاضر نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است. به هر حال هم مقدار صادرات نفت ما کاهش یافته و هم تحریم‌ها سبب شده است تا نتوانیم به ارزهای خود در خارج از کشور دسترسی پیدا کنیم. ما امروز از کشورهایی، مانند هند، کره جنوبی، ژاپن و چین طلب عمدتاً میلیارد دلاری داریم؛ اما به دلیل تحریم‌های موجود، امکان جابه‌جایی ارز وجود ندارد. وقتی امکان جابه‌جایی ارز برای ما محدود شود؛ پس عرضه ارز در بازار مبادلات ارزی نیز کاهش پیدا می‌کند. در حالی که عرضه ارز با محدودیت مواجه است، این محدودیت برای تقاضای ارز وجود ندارد. تقاضای ارز عمدتاً چند قسم است: تقاضای واردات، تقاضای ارز مسافرتی، تقاضای تبدیل ریال به ارز و نگهداری آن، تقاضای انتقال سرمایه از ایران به خارج از کشور برای خرید مسکن و... که هیچ‌یک وجه اقتصادی نیز ندارد. کدام کشوری در شرایطی مانند امروز قبول می‌کند که چنین تقاضایی در کشور وجود داشته باشد؟ در واقع در اقتصاد امروز ما تقاضای ارز بالا و عرضه ارز محدود است. مادر گام اول باید تقاضا را مدیریت کنیم، تقاضای ارز برای واردات کالاهای ضروری مردم و مواد اولیه کارخانه‌ها قابل قبول است؛ اگر چه باید تلاش کنیم آنچه امکان تولید آن در داخل کشور وجود دارد، در داخل تولید شود. از طرفی معاملات خودمان با طرف‌های تجاری را به صورت تهراتی انجام دهیم؛ یعنی برای نمونه در مقابل آنچه به هند یا چین صادر می‌کنیم، کالا بگیریم یا مبادلاتمان را با پول دو کشور انجام دهیم، شرایطی که بعضی از کشورها نیز آن را قبول دارند؛ یعنی موافقت که ما روی ریال خودمان و آنها هم روی ارز خودشان با ما مبادله کنند. انجام این کارها می‌تواند نیاز ما به ارز را محدود کند و تقاضای ارز را کاهش دهد.

حجم نقدینگی در حال رسیدن به سه
هزار هزار میلیارد تومان است. نرخ ارز
هم که جای خود را دارد. نظراتان درباره
عملکرد بانک مرکزی در دوران ریاست
همتی چیست؟

آقای همتی وقتی بعد از آقای سیف مسئولیت بانک مرکزی را بر عهده گرفت، ورود خیلی خوبی داشت و توانست قیمت دلار را کنترل کرده و به



حدود ۱۰ تا ۱۱ هزار تومان برسند؛ اما خوب بعد از مدتی اتفاقات دیگری افتاد. به نظر من باید دید این اتفاقات معلول چیست؟ آیا رئیس کل بانک مرکزی مقصر است یا نه؟ در طی مدتی که همتی مسئولیت بانک مرکزی را بر عهده داشته، یک بار ۸ میلیارد یورو، و یک بار هم یک و نیم میلیارد یورو از سوی دولت از صندوق توسعه ملی استقراض شده است. نتیجه این استقراض‌ها، پمپاژ نقدینگی بوده است؛ چرا که ارزهای صندوق توسعه ملی در اختیار بانک مرکزی نیست تا بخواهد آن را به بازار عرضه و معادل پولش را دریافت کند. کاری که انجام می‌شود، این است که چون این ارزها در حساب‌های خارجی بانک مرکزی است، از حساب صندوق توسعه ملی برداشته و به حساب دارایی خودشان در حساب‌های خارجی بانک مرکزی واریز می‌کند. در واقع نه منبع و نه مقصد آن قابل دسترسی نیست. به گونه‌ای که شاهدیم هر روز میزان دو هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی کشور اضافه می‌شود. استقراض سادترین و راحت‌ترین کاری است که دولت می‌تواند از این طریق، نقدینگی مورد نیاز خودش را تأمین کند.

نظراتان درباره نوسانات اخیر بورس
چیست؟ اینکه عده‌ای می‌گویند دولت
صرفاً به دنبال درآمدزایی از بورس بوده
است و حالا مدتی است عملاً بازار را
رها کرده، صحیح است؟

اینکه دولت به دنبال عرضه سهام خودش در بازار سرمایه بوده و هست، شکی نیست. ضمن اینکه با توجه به اقبال مردم به بورس و رشد شاخص در مقطعی، استفاده از این شرایط از سوی دولت هم بلامانع بوده و ایرادی ندارد. اما اینکه شاخص بورس یکباره بالا رفت، به دلیل اقبال ۱۵ میلیونی مردم از بورس بود، این اقبال سبب شد نوعی مسابقه در خرید ایجاد شود و در پی آن قیمت‌ها افزایش یابد. این است که بخش قابل توجهی از کسانی مسئله این است که بخش قابل توجهی از کسانی که طی یک سال اخیر وارد بازار سرمایه شده‌اند با این بازار آشنا نبوده‌اند و نمی‌دانند اگر قیمت سهمی احياناً افت کرد، این افت جای نگرانی ندارد و طبیعی است؛ اما چون اطلاع کافی ندارند تا قیمت تعدادی از سهام‌های آنها افت می‌کند، دست‌پاچه می‌شوند و به صف فروش می‌روند. وقتی هم صف فروش شکل گرفت، اثر منفی روی شاخص می‌گذارد. مثالی هست که می‌گویند در زمین فوتبال تماشاگران پشت سر هم روی صندلی‌ها نشسته‌اند اگر ردیف اولی‌ها بایستند و

بخواهند بازی را ایستاده تماشا کنند؛ چون ردیف دومی‌ها نمی‌توانند بازی را ببینند آنها هم باید بایستند. به این ترتیب همین طور تا ردیف آخر خواهند ایستاد. در واقع اگر بنا شد عده‌ای بایستند و در صف فروش قرار بگیرند، این کار به معنای تشویق دیگران برای حضور در صف فروش است. طبیعتاً وقتی همه در صف فروش باشند قیمت‌ها نیز سقوط می‌کند. این موضوع ناشی از ناشی‌گری سهامداران است. ورود به بازار سرمایه باید کاملاً عالمانه باشد، کسانی که با این بازار آشنا هستند می‌توانند مستقیم به بازار ورود کنند؛ اما افراد غیر آشنا باید با واسطه حضور پیدا کنند یا از صندوق‌های بدون ریسک سهام بخرند. طرف دیگر مسئله عملکرد دولت است. اگر دولت به شرکت‌های حقوقی اجازه دهد وارد بازار شوند و نوسان‌گیری کنند، این نوسان‌گیری کردن به نفع حقوقی‌ها و زیان حقیقی‌ها و عامه‌کسانی که در بازار حضور دارند، خواهد بود. نکته دیگر این است که تا پیش از این تحولات، نوسانات قیمت سهم در بازار سرمایه می‌توانست مثبت و منفی دو درصد در روز باشد که این عدد به ۵ درصد افزایش یافت. خود این افزایش نوسان به ۵ درصد می‌توانست موجب کاهش و افزایش قیمت‌ها با شتاب بیشتری شود.

به نظراتان سرانجام بورس چه خواهد
داشت؟ این موضوع خیلی برای
مردم مهم است؛ زیرا همان طور که
جناب عالی هم اشاره کردید حدود
۱۵ میلیون ایرانی در حال حاضر عضو
بورس هستند. این تعداد به گونه‌ای
است که برخی از کارشناسان معتقدند
تبعات ریزش بورس صرفاً اقتصادی
نخواهد بود. به نظراتان بورس در آینده
به چه سمتی می‌رود؟

بورس را باید بلندمدت دید. اصلاً مفهوم سرمایه‌گذاری در بورس یک سرمایه‌گذاری بلندمدت است؛ برعکس بازار پول که یک بازار کوتاه‌مدت است، بورس این طور نیست. بازار پول، یعنی یک بازار سه ماهه و شش ماهه اما بازار سرمایه را حداقل باید یک ساله دید. پس کسی اگر در بازار سرمایه سرمایه‌گذاری کرده؛ باید حداقل یک سال صبر کند در این صورت حتماً سود خواهد کرد و این سود هم حتماً بالاتر از نرخ سود پرداختی بانک‌ها خواهد بود؛ اما اگر سهامداران بخواهند با هر ریزشی از بازار خارج شوند، مطمئن باشند که باختند.

افزوده

مالیات بر محصول

مالیات تعلق گرفته بر مبادله یک واحد کالا یا خدمت است که به صورت مبلغ مشخصی برای هر واحد یا درصد مشخصی از قیمت آن کالا یا خدمت تعیین می‌شود. انواع آن: مالیات بر ارزش افزوده که عبارت است از مالیات تعلق گرفته بر کالاها و خدمات است که در مراحل مختلف از طریق نگاه‌های اقتصادی اخذ می‌شود؛ ولی در نهایت، کل آن از طریق خریدار نهایی پرداخت می‌شود. مالیات و حقوق گمرکی بر واردات که عبارت است از مالیات که هنگام عبور کالا از مرزهای گمرکی یا مرزهای اقتصادی پرداخت می‌شود. مالیات بر صادرات که عبارت است از مالیات تعلق گرفته بر کالاهایی است که از یک قلمرو و اقتصادی خارج می‌شود.



شاخص

منفی ۴/۴ درصد

به گزارش «ااشاتودی»، صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد، به دلیل شیوع ویروس کرونا بسیاری از اقتصادهای جهان درگیر رکود اقتصادی عمیقی شده و «چین» تنها اقتصاد بزرگی است که از این بحران خارج شده و رشد مثبت داشته باشد. این صندوق اعلام کرد، با وجود از سرگیری بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی و لغو محدودیت‌ها، پیش‌بینی می‌شود اقتصاد جهانی برای سال جاری رشد منفی ۴/۴ درصدی را ثبت کند. هر چند پیش‌بینی کنونی از منفی ۵/۲ درصد به منفی ۴/۴ درصد بهبود پیدا کرده؛ اما همچنان سال ۲۰۲۰ بدترین سالی است که اقتصاد جهانی از دهه ۱۹۳۰ تاکنون تجربه کرده است.



منهای نفت

نیروی محرکه

ساخت داخلی تجهیزات و ماشین‌آلات مورد نیاز صنعت نفت در فرآیند تحقق اقتصاد بدون نفت نقش اساسی داشته و نه تنها صنعت را به حرکت واری می‌دارد، بلکه صنعتگران را به تحول اساسی در این صنعت وادار خواهد کرد تا با ابداع و ابتکار، نیازهای این صنعت را نه تنها در کنار دیگر تولیدات صنعتی، بلکه با اولویت بیشتر تأمین کرده و زمینه صادرات این قبیل تولیدات را فراهم کند. نفت کشور به جای تبدیل به نیازهای مصرفی، می‌تواند به صورت یک نیروی محرکه قوی، صنعت و اقتصاد کشور را به حرکت درآورده و آینده کشور را تضمین کند.



عجز بشر از ادراک مقام پیامبر اعظم (ص)

گفتاری از آیت الله حسین وحیدخراسانی



ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ، جبرئیلی که بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ، جبرئیلی که تمام مدائن قوم لوط را بر یک پر از بال خودش گرفت و سرنگون کرد، متوقف شد، فرمود: «چرا مرا تنها می‌گذاری؟» گفت: «برو که در اینجا نه ملک مقربی، نه پیغمبر مرسلی می‌تواند قسم یاد کند» آن کاری که خدا در این سوره (پس) کرده که با احدی از انبیاء نکرده، این است: موسی را فرستاد با تورات، عیسی را فرستاد با انجیل، ابراهیم را فرستاد با صحف، ولی به کتاب احدی از انبیاء قسم یاد نکرد. به اینجا که رسید، فرمود: «پس، وَالْقُرْآنَ الْحَکِیمِ»؛ قسم به قرآن حکیم! تو مرسل مایی. این رسالت چه رسالتی است؟ این گوهر شناخته چه گوهری است؟ معرف باید اجلا باشد از معرف یا مساری، لذا تعریف او غلط است الا از دو مقام: یکی ذات قدوس پروردگار؛ یکی هم آن کسی که در خود قرآن

در قرآن اسمایی برای پیامبر اکرم (ص) وجود دارد؛ اسم زمینی «محمد» را وقتی ذکر کرده باز توأم کرده با یک مقامی که کلی منحصر به فرد است. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِیِّینَ»؛ اسم آسمانی را ذکر کرده؛ آن اسم آسمانی را هم وقتی بیان کرده... نکته مهم این است که اسم عیسی را آورده و مسیح را مقدمه کرده؛ عیسی بن مریم کلمة الله، روح الله، با آن همه مقام: محیی موتی، مبره اگمه و ابرص، ولی در عین حال منصبش این است: اِنِّی مَبَشِّرٌ... اِنِّی مَبَشِّرٌ، مورد بشارت چیست؟ «رَسُولٌ یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اِسْمُهُ اَحْمَدُ»؛ این سیر بحث نشان می‌دهد، مقام مقامی است که نه عقلی قدرت درک دارد، نه احدی از جن و انس و ملک می‌تواند بفهمد. وقتی رفت در مقام عروج این مطالب ظاهری دارد [و] باطنی- جبرئیلی که شَدِیدُ الْقُوَىٰ،

وجود تنزلی اوست. به اتفاق عامه و خاصه: «وَأَنْفَسَنَا وَأَنْفَسَكُمُ» اما خدا چه فرموده؟ مطالبی است که ذات قدوس حق در وصف او گفته، فقط به یک کلمه اکتفا می‌کنیم. یک سوره نازل کرده به اسم سوره شمس، یک سوره نازل کرده به اسم سوره ضحی و مهم این است که در یک سوره قسم خورده به خود آن خورشید و به ضحی و نوری که از او در عالم پخش شده، باز در یک سوره دیگر بالنسبه به نوری که از او منتشر شده، قسم مستقلی یاد کرده است. در این سوره فرموده است: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» منظومه دو منظومه است: یکی منظومه مُلک، یکی منظومه ملکوت. قرآن مجید ظاهرش ناظر به مُلک است، باطنش ناظر به ملکوت است.

اعطای «شرح صدر» به پیامبر (ص)



محمدرضا قصابی
کارشناس علوم اسلامی

خداوند متعال در قرآن از «شرح صدر» پیامبر اعظم (ص) به منزله موهبت بزرگ یاد کرده و می‌گوید: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»؛ آیا سینه تو را وسیع و گشاده نساختیم؟! (انشراح/ ۱) لام در «لک» یا برای تعلیل است یا برای انتفاع؛ در صورت اول، مفاد آیه این است که آیا برای خودت به تو شرح صدر ندادیم و این تعبیر دلالت دارد که شخصیت حضرت، علتی کافی برای اعطای شرح صدر بود. در صورت دوم، نشانه ارجمندی آن حضرت است که خداوند در جهت منافع پیامبر (ص) نعمت شرح صدر را در اختیارش نهاد. علامه طباطبایی می‌گوید: «مراد از شرح صدر رسول خدا (ص) گستردگی و وسعت نظر وی است؛ به طوری که ظرفیت تلقی وحی و نیز نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملامتاتی را که در این راه می‌بیند، داشته باشد و به عبارتی دیگر نفس شریف آن بزرگوار را طوری نیرومند کند که نهایت درجه استعداد را برای قبول افاضات الهی پیدا کند.» (المیزان، ج ۷، ص ۴۷۱) این قدرت معنوی راهگشای پیامبر (ص) در همه امور بود که به اقتضای تلاش حضرت در عبادت و بندگی به ایشان اعطا شد: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَانصَبْ»؛ شرح صدر لازمه پیامبران و اولیای خداست؛ حضرت موسی (ع) در وادی مقدس شرح صدر را از خدای سبحان درخواست می‌کند و می‌گوید: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»؛ پروردگار! سینه‌ام را گشاده کن... (طه/ ۲۵) آنچه حضرت موسی (ع) از خداوند درخواست کرد، شرح صدر، آسان شدن کارها، قابل فهم بودن بیانات چه از نظر ادراکی و چه از نظر تلفظی (با همراهی برادرش هارون) بود؛ اما مهم‌تر از این، ابزار به‌کارگیری آن است. رسول خدا (ص) به واسطه شرح صدرشان شونده خوبی بودند که سخنان و درد دل‌های مردم را می‌شنیدند. این خوب شنیدن می‌توانست به مردم کمک کرده و آنها را از مشکلات رهایی بخشد. البته منافقان این ویژگی پیامبر (ص) را نقطه ضعف می‌دیدند و ایشان را زودباور می‌پنداشتند، اما حقیقت آن است که پیامبر (ص) در این شنیدن هم قوت قلب مردم بودند، هم ناتوانی و نادانی آنها را تحمل می‌فرمودند و هم باعث تسکین دل مردم می‌شدند. خداوند در آیه ۶۱ سوره توبه این ویژگی پیامبر (ص) را تحسین می‌فرماید و آن را رحمت برای مؤمنان، خیرخواهی برای مردم و عذاب برای منافقان می‌داند. خوب گوش دادن و عجله نکردن در پاسخگویی و احترام به کسانی که از سر علاقه به سمت ایشان می‌رفتند، نشان از اطمینان خاطر و ایمانی بود که رسول خدا (ص) به رسالت خود داشتند. صاحب «مجمع البیان» می‌نویسد، وقتی آیه ۱۲۵ سوره انعام (فَمَنْ يَسِر اللّٰهُ اَنْ يَهْدِيَهٗ يَشْرَحْ صَدْرَهٗ لِلْاِسْلَامِ...) نازل شد، از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: منظور از شرح صدر چیست؟ فرمود: «نوری است که خدا در دل مؤمن می‌افکند و سینه‌اش را به وسیله آن گشایش و روشنی می‌بخشد». پرسیدند: آیا این نور نشانه‌ای دارد؟ فرمود: «آری، (نشانه آن) توجه به‌سرای جاویدان و دامن برچیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ است پیش از آنکه فرارسد.»

رحمت خدا پاداش مهربانی با مردم

به مناسبت میلاد نورانی پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی (ص)



سیدحسین خاتمی خوانساری
دبیر گروه معارف

مهربانان است. لحظه‌ای که ایشان مردم را در خوف از انتقام دیدند و حس کردند مسلمانان آمده‌اند تا خون‌ریزی راه بیندازند، فرمودند: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَوْجِئَةِ»؛ یعنی امروز روز رحمت و محبت است و سپس فرمودند: «شما همشهریان خوبی برای من نبودید، شما مرا دروغ‌گو خوانده، از خانه‌ام بیرون کردید و به آن شهری که پناهنده شدم حمله نمودید، اما من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم.» آنگاه جمله معروفش را فرمود: «إِذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الْبٰطِلُونَ»؛ به دنبال ادامه زندگی تان بروید که همه شما آزاد شده‌گانیید. (بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۲) این سخنان پیامبر (ص) را نباید یک شعار یا سیاست‌ورزی دانست. بیانات شریف ایشان برخاسته از وجود پر از مهر ایشان است و سرمشقی برای همه عالمیان در ایجاد مهر و محبت در میان مردم است. اسلام از روز نخست بر محور بخشش و رحمت پایه‌گذاری شد و هر رفتاری غیر از این موضوع رابطه‌ای با اسلام ندارد. سختی‌ها و رنج‌هایی که پیامبر (ص) تحمل فرمودند، برای نجات همه انسان‌ها تا قیامت بود تا هیچ درد و رنجی بر انسان‌ها تحمیل نشود. مردم هر زمانه در مواجهه با خصوصیات زندگی رسول خدا (ص) علاقه و عشق شدیدی به ایشان پیدا می‌کنند که این یعنی محبت و لطف پیامبر (ص) تمام اعصاب را در نور دیده و در قلوب همه انسان‌ها جای گرفته است. امیر مؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ

خداوند پیامبر (ص) را پیامبر رحمت معرفی فرموده است. رفتار پیامبر اسلام (ص) چه قبل از بعثت و چه بعد از آن منطبق بر همین موضع بوده است. در هر مصیبت و رنجی که به انسان‌ها می‌رسد، ایشان رنجیده می‌شوند و در هر شادی و خوشبختی برای انسان‌ها رسول خدا (ص) شادمان می‌شوند. سیره رسول خدا (ص) پر است از محبت و رحمت برای بندگان خدا که با نگاه به زندگی ایشان می‌توان به رحمت بی‌انتهای این رسول گرامی پی برد. هنگام ورود به مکه در سال هشتم هجری وقتی فردی شعار می‌داد: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَلْحَمَةِ الْيَوْمَ تُسْبَى الْحَرَمَةُ»؛ امروز روز جنگ و خونریزی و اسارت است. (شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدی، ج ۱۷، ص ۲۷۲) پیامبر خدا (ص) شدیداً غمگین شدند و فرمودند: «من آنچه را بر برادرم یوسف در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم: «لَا تُؤْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ تَعْفُرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّحِیْمِ» (یوسف/ ۹۲) یعنی امروز ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خداوند گناهان شما را می‌بخشد و او مهربان‌ترین

تَأَلَّفَ النَّاسَ أَحَبُّهُ»؛ کسی که با مردم انس و الفت داشته باشد، مردم دوستش خواهند داشت. (۱۴) محبت مردم به رسول خدا (ص) قابل انکار نیست و اگر نبودند بدخواهان و بدعت‌گران رحمت بی‌انتهای پیامبر (ص) هر گناهی را ذوب می‌کرد و عشق خداوند به واسطه عشق رسولش در قلوب تمام انسان‌ها تا قیامت جای می‌گرفت. همیشه از خود سؤال کردیم چه شد که آواز رحمت پیامبر (ص) در تمام زمان‌ها و عصرها پیچید؛ ولی دشمنانش هیچ جایگاهی ندارند و حتی با فشار و ارعاب دشمنان عشق آنها در دل مردم جای نگرفت؟ پاسخ روشن است، خودکامگی و خشم دشمنان دین مردم را از آنها بیزار کرده است. امام هادی (ع) فرمود: «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخَطُونَ»؛ (۱۵) هر کسی که خودپسند باشد، خشمگینان [از او] بسیار خواهند بود. استاد مطهری به نقل از ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: «کسی سخن رسول خدا (ص) را نمی‌شنید، مگر اینکه محبت او در دلش جای می‌گرفت و به او تمایل می‌شد. لهذا قریش مسلمانان را در دوران مکه «صُباة» (شیفتگان و دلباختگان) می‌نامیدند و می‌گفتند: «نَحْنُ اَنْ يَصْبُوَ الْوَلِيدُ بِنَسْلِ الْمُعْتَبِرَةِ اِلَى دِينِ مُحَمَّدٍ»؛ بیم آن داریم که ولیدین مغیره دل به دین محمد [ص] بدهد. یعنی اگر ولید که کل سرسبب قریش است دل بدهد، تمام قریش به او دل خواهند سپرد. (۱۸) قریش

مبارزه همزمان با جاعلان دین، مذهب و خلافت



سید مرتضی رضایی
کارشناس علوم اسلامی

صادق (ع) در چند موضع مشغول فعالیت بودند. اول در مباحث علمی وارد شدند، دوم با حکومت طاغوت مبارزه فرمودند، سوم اقدام به شبکه‌سازی در میان مسلمانان فرمودند و چهارم با فرقه‌سازان و مکتب‌سازان دروغین می‌جنگیدند. شاید بتوان گفت آتقدر که امام (ع) با جاعلان مذهب و مکتب و فرقه‌سازان مبارزه کرد با اهل حکومت بجنگید. مناظرات متعدد، مباحثات علمی، آگاه‌سازی و افشاگری علیه جاعلان و... مسیری بود که امام (ع) در آن قدم گذاشت. هر چند بسیاری از مردم نتوانستند خود را با دستورات و خواسته‌های امام صادق (ع) هماهنگ کنند. از جمله مناظرات امام (ع)، مناظره با دانشمند شامی، مناظره با دانشمند مصری و مناظره با ابوحنیفه بود. امام صادق (ع) با ادله‌هایی ساده و روان با مخالفان یا جویندگان حقیقت‌برخورد می‌فرمود. برای نمونه، «عبدالله دیصانی» از دانشمندان آن زمان را که به وجود خدا اعتقاد نداشت، با یک تخم مرغ مسلمان کرد. ایشان ابتدا ماهیت تخم مرغ را توضیح داد و از دیصانی پرسید: «آیا به نظر تو چنین تشکیلات

اصام صادق (ع) در هفده ربیع‌الاول سال ۸۰ یا ۸۳ قمری چشم به جهان گشود و در سال ۱۱۴ هجری به امامت رسید. حیات ایشان با خلافت ده خلیفه آخر بنی‌امیه و دو خلیفه نخست عباسی، سَفَّاح و منصور دوانیقی همزمان بود. امام صادق (ع) همانند پدرشان سعی در تحکیم بنیان‌های علمی و فرهنگی مسلمانان داشتند و از فرصت اختلافات میان بنی‌امیه و بنی‌عباس استفاده کردند. هر چند آنها از امام (ع) در بدترین شرایط چشم برنمی‌داشتند. حیات علمی امام صادق (ع) زیان‌زد جویندگان علم است و از ایشان در محافل علمی دنیا یاد می‌شود؛ اما همانطور که ابواب علم به دست ایشان باز می‌شد، افرادی هم بودند که از فرصت اباحت علمی استفاده کرده و مکتب‌هایی برای خود جعل کردند. امام

ظرفی دارای تدبیرکننده‌ای نیست؟! دیصانی از پاسخ در ماند و فهمید در شناخت خداوند دچار خطا شده است. «ابوشاکر دیصانی» یکی دیگر از دانشمندان عصر امام (ع) وقتی با هشام‌بن حکم شاگرد بر جسته امام صادق (ع) کمی بحث کرد، در هنگام در ماندگی گفت: «هَذِهِ تَقَلَّتْ مِنْ الْحِجَابِ» این پاسخ را از حجاز «از حضور امام صادق (ع)» آورده‌ای. اما یکی از مهم‌ترین مناظرات ایشان با مذهب‌سازان بود. ابن ابی‌لیلی، قاضی معروف کوفه روزی همراه ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی به محضر امام صادق (ع) آمدند. امام صادق (ع) به وی فرمود: «این مرد کیست؟» ابن ابی‌لیلی گفت: این مرد از اهالی کوفه است که صاحب نظر و فتوا و نفوذ در کوفه است. امام (ع) او را اهل قیاس دانست و در یک مناظره مفصل اندیشه و جایگاه او را زیر سؤال برد. امام جعفر صادق (ع) با این مناظرات به همه عالمان عصر خود ثابت کرد در برابر درک حقایق عالم عاجزند و نباید با اطلاعات و علم کم‌شان فرقه‌سازی و مکتب‌سازی کنند. از طرفی به پیروان این افراد نیز که بعدها دین

وهابیت را شکل دادند، ثابت فرمود که در چاه جهالت و ظلمت بی‌دینی گرفتار شده‌اید، مگر آنکه دست به سوی علم حقیقی و اسلام ناب دراز کنید. امام صادق (ع) با خلفای خود ساخته عصر خود نیز محکم بود و آنان را با چند جمله ساده محکوم می‌فرمود. روزی منصور دوانیقی در ضمن نامه‌ای به امام (ع) نوشت: «چرا مانند سایر مردم به مجلس ما نمی‌آیی و در اطراف ما حاضر نمی‌گرددی؟» امام صادق (ع) در پاسخ او نوشت: «نزد ما (از نظر مادی) چیزی نیست که برای آن از تو بترسیم، و نه نزد تو از نظر معنوی و اخروی چیزی نیست که به خاطر آن به تو امیدوار باشیم، در نزد تو نه نعمتی وجود دارد که ببایم و به خاطر آن به تو تریب بگوییم و نه تو خود را در بلا و مصیبت می‌بینی، که ببایم و به خاطر آن، به تو تسلیت بگوییم، پس برای چه نزد تو آییم؟» منصور دوانیقی پس از دریافت این چند پاسخ کوبنده از امام (ع) گفت: «سورگند به خدا، او با این جواب، دنیاخواهان را از آخرت خواهان، مشخص کرد...»

انحطاط دموکراسی

نگاهی به فرایند انتخابات آمریکا و نقش مردم این کشور در آن

پیش درآمد

رئیس کاخ سفید از چه کسی دستور میگیرد؟



عباس مقتدایی، نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

معمولاً در محاسبات و مناسباتی که ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران داریم، آمریکا را یک کشور خط مقدم نظام سلطه می‌دانیم که ریاست‌های آنها همیشه به ضرر کشورهای مستقل و شورهایی است که می‌خواهند مشی و مرام مستقلانه داشته باشند؛ اما واقعیت آن است که ایالات متحده آمریکا در طول سالیان گذشته به گونه‌ای عمل کرده است که با اعمال نفوذ در کشورها و دولت‌ها به ویژه دولت‌های دست‌نشانده، اهداف و منافع خاص خود را در سطح بین‌المللی دنبال می‌کنند.

بنابراین از یک منظر هیچ تفاوتی نمی‌کند که در انتخابات ریاست‌جمهوری، چه کسی در آمریکا به قدرت برسد؛ زیرا هر شخصی که به قدرت برسد، دنباله‌روی از لایه صهیونیسم و تداوم خوی سلطه‌گری است و به فروش رساندن اسلحه و نابود کردن منابع سایر کشورها به نفع آمریکا را دنبال می‌کند. حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه هر دو در ارتباط با سایر کشورها مانند دوله قبیچی عمل می‌کنند و همچنان با همدستی همدیگر غارت منابع را که سالیان گذشته با قتل و غارت انجام می‌دادند و امروز این روند که با بهره‌گیری از نظامات پولی و بانکی در قدرت نرم انجام می‌دهند، تداوم خواهد داشت.

اما هر یک از اینها از روش‌های خاصی استفاده می‌کنند، یکی با دست چدنی آشکار و دیگری با دست چدنی مخملین این‌ کار را انجام می‌دهند. الان استفاده از ابزارهای گوناگون و مفاهیم متعددی اعم از صهیونیست، رویکردهای نژادپرستانه، توجه ویژه به سفیدپوست‌های ایالت‌های مختلف، نحوه استفاده از محیط زیست و مسائلی نظیر آن در مطالبات یا مناظرها مطرح می‌شود.

اما واقعیت این است که امروز آمریکا اسیر زر و زوری شده است که در سطوح بالا یا در مراکز نظیر قمارخانه‌ها و قمار بر سر اینکه چه کسی رأی می‌آورد و چه کسی رأی نمی‌آورد، در مراکز قدرت سیاسی لابی صهیونیست، چگونگی حکومت در آمریکا مشخص می‌شود. مردم آمریکا کمتر در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و آن بخش از مردم هم که پای صندوق‌ها می‌آیند، عملاً گرفتار فضا‌های رسانه‌ای و تأثیراتی که آنها بر افکار عمومی می‌گذارند، شده‌اند و به نوعی می‌توان گفت انحطاط دموکراسی در جریان انتخابات آمریکا به اوج رسیده است.

دبیر گروه پرونده: متین محبوب مصاحبه و گزارش: زهرا ظهورند

غیردموکراتیک‌ترین انتخابات جهان



حسن عابدینی

کارشناس مسائل بین‌الملل

نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا مربوط به حدود ۳۰۰ سال قبل است؛ بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان سیاسی معتقد هستند این نظام انتخاباتی مبتنی بر مردم‌سالاری نیست، یعنی به صورت غیرمستقیم رئیس‌جمهور انتخاب می‌شود. اگر بخواهیم به صورت مشخص در مورد پنجاه‌نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که ۳ نوامبر یا ۱۳ آبان ماه برگزار می‌شود، صحبت کنیم، باید یکسری واقعیت‌ها را دربارہ آن بیان کرد:

اول اینکه دو نامزدی که انتخاب می‌شوند از بین دو حزبی هستند که ده‌ها سال است قدرت به صورت چرخشی بین آنها می‌چرخد که یکی حزب جمهوری‌خواه به رنگ قرمز و نماد آن فیل و دیگری حزب دموکرات به رنگ آبی و نماد آن الاغ است. در نظام انتخاباتی آمریکا یک شیوه خاصی از انتخابات به عنوان «الکترال کالج»ها یا مجمع برگزیدگان وجود دارد؛ یعنی اینها هستند که تعیین می‌کنند چه کسی باید وارد کاخ سفید شود. تفاوت این نظام با نظام‌های انتخاباتی دیگر این است که در دنیا معمولاً مردم به صورت مستقیم به رئیس‌جمهور رأی می‌دهند و هر فردی که رأی بیشتری کسب کرد، رئیس‌جمهور می‌شود؛ اما در ایالات متحده آمریکا مردم علاوه بر اینکه به فرد رأی می‌دهند، به اعضای کالج الکترال یا همان الکتورها رأی می‌دهند که معمولاً از سوی دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات انتخاب می‌شوند. تنها شرط برای اینکه الکتورها انتخاب شوند، این است که نباید مقام دولتی داشته باشند. تعداد اینها بر اساس جمعیت هر ایالت است، یعنی هرچه ایالت پرجمعیت‌تر باشد، اعضای کالج الکترال هم بیشتر می‌شود. در کل برای آمریکا ۵۳۸ الکترال کالج وجود دارد که اگر یک نامزدی بتواند ۲۷۰ رأی را از بین این الکترال کالج‌ها کسب کند، می‌تواند رئیس‌جمهور آمریکا شود. نکته جالب اینجاست که در آمریکا ۱۱ ایالت پرجمعیت داریم؛ از جمله کالیفرنیا، نیویورک، تگزاس، فلوریدا، پنسیلوانیا، اوهایو، میشیگان، نیوجرسی، جورجیا و کارولینای شمالی. اگر یکی از نامزدها بتواند الکترال کالج‌های این ۱۱ ایالت پرجمعیت را به دست آورد، رأی بیش از ۲۷۰ الکترال کالج را به دست می‌آورد، بنابراین حتی اگر در سایر ایالت‌ها، یعنی در ۳۹ ایالت دیگر هم هیچ رأیی به دست نیآورد، حد نصاب آن ۲۷۰ رأی را می‌آورد و می‌تواند رئیس‌جمهور شود. به این ترتیب چون جمعیت ساکنان آن ۳۹ ایالت، از مجموع شهروندان این ۱۱ ایالت بیشتر است، این نامزد برنده بدون اینکه اکثریت رأی مردم را هم به دست بیاورد، می‌تواند وارد کاخ سفید شود. به عبارتی نظام انتخاباتی آمریکا لزوماً اینطور نیست که رئیس‌جمهور باید اکثریت آرا را به دست آورد. در سال ۲۰۰۰ میلادی «جرج دابلیو بوش» که معروف به بوش پسر است با آقای «آل گور» رقابت کردند. «آل گور» از حزب دموکرات بود که آن زمان و در دور قبل معاون آقای «کلینتون» بود و با وجود اینکه تعداد آرای مردمی «جرج دابلیو بوش» کمتر از آقای «آل گور» بود، توانست وارد کاخ سفید شود. یا اینکه در دور بعدی انتخابات نیز همان اتفاق افتاد و خانم «کلینتون» سه میلیون رأی بیشتر از «دونالد ترامپ» داشت، اما چون الکترال کالج‌ها به آقای «ترامپ» رأی دادند، ایشان انتخاب شد. البته علاوه بر سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ حداقل سه مرتبه دیگر هم در سال‌های ۱۸۲۴، ۱۸۷۶ و ۱۸۸۸ این اتفاق در آمریکا افتاده است.

الکترال کالج‌هایی هستند که به آنها «بی‌وفا» می‌گویند؛ یعنی کسانی که وفادار نیستند. در واقع این افراد کسانی هستند که هر چند مثلاً مردم در یک ایالت به «جو بایدن» رأی داده‌اند، اما این الکترال کالج بی‌وفایی می‌کند و رأی خود را به ترامپ می‌دهد؛ یعنی یک یا دو یا سه نفر ممکن است در ایالتی سرنوشت انتخابات را تغییر دهند، اما تنها برجسی که به او می‌خورد بی‌وفایی است و ممکن است در دوره‌های بعد ایشان را به عنوان الکترال کالج انتخاب نکنند، اما روی انتخابات تأثیری ندارد و این انتخابات از نظر سیستم انتخاباتی آمریکا، قابل قبول است. در واقع این الکترال کالج‌ها تحت تأثیر رشوه‌ها، تهدیدها، فشارها و هزار و یک موضوع دیگر قرار می‌گیرند، بنابراین مردم آمریکا خیلی در این زمینه نقش تعیین‌کننده را ندارند و این نظام انتخاباتی که ۳۰۰ سال پیش بنیانگذاری شده، ایرادات بسیاری دارد. نمونه، در حال حاضر شش نفر نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا شده‌اند؛ نامزدهایی که از گروه مستقل‌ها و آزادی‌خواهان نامزد می‌شوند، اسمی از این افراد نمی‌آید، چون رسانه‌ای ندارند و اصلاً رسانه‌ها آنها را حساب نمی‌کنند و تبلیغاتی هم برای‌شان نمی‌کنند و عملاً پایکوت می‌شوند. به عبارتی هیچ‌کس این افراد را به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری انتخاب نمی‌کند و احتمال اینکه اصلاً الکترال کالج‌ها به اینها رأی بدهند، در واقع صفر است، چرا که هیچ‌گاه این اتفاق نیفتاده است. بالاخره حزب دموکرات و جمهوری‌خواه قدرتمند هستند و پول دارند که طبعاً آنها این حالت را ندارند؛ بنابراین همه تحلیلگران و کارشناس‌ها معتقد هستند نظام انتخابات آمریکا غیر دموکراتیک‌ترین نظام انتخاباتی در جهان است، اما هیچ‌یک از این دو حزب که تأثیرگذار هستند، به نظام انتخاباتی ایراد نمی‌گیرند.

وتوی رأی مردم!



حمیدرضا غلامزاده

کارشناس مطالعات آمریکا

زمانی که قانون اساسی آمریکا نوشته می‌شد، نظر فدرال مؤسس این بود که عوام و عموم مردم نباید حق داشته باشند به طور مستقیم در حکومت تأثیرگذار باشند، لذا ساختاری تشکیل دادند که نخبگان سرنوشت نهایی کشور را تنظیم و تعیین کنند؛ به همین دلیل نظام الکترال کالج راه افتاد. الکترال کالج این است که هر ایالت به تعداد کرسی‌هایی که در کنگره دارد، نماینده الکترال دارد که این افراد از نخبگان جامعه هستند، برای نمونه قاضی یا استاد دانشگاه و فعالان نخبه آن شهر یا ایالت هستند.

این الکترال کالج‌ها ممکن است دموکرات یا جمهوری‌خواه باشند و وقتی مردم آمریکا چه به دموکرات چه به جمهوری‌خواه یا به مستقل رأی می‌دهند، وقتی رأی‌ها شمرده می‌شود بر اساس اینکه چه کسی اکثریت نسبی آرا را به دست آورده است، همه الکترال کالج‌ها به او اختصاص داده می‌شود که البته در دو ایالت به این شکل نیست و به صورت نسبی است. انتخاباتی که برگزار و رأی مشخص شد، نامزدی برنده است که حداقل ۲۷۰ رأی الکترال کالج را، یعنی نصف به علاوه یک رأی الکترال کالج‌ها را کسب کند تا برنده نهایی شود.

در واقع اواخر ماه دسامبر این الکترال‌ها مجمعی تشکیل داده و آن موقع رأی می‌دهند که چه کسی رئیس‌جمهور شود. مهم‌ترین مسئله‌ای که در حال حاضر در جامعه آمریکا حتی بیشتر از مسئله اقتصاد وجود دارد، شکاف اجتماعی و هویتی است. قبل از اینکه «ترامپ» هم روی کار بیاید، این مسئله وجود داشته و می‌توان گفت تقریباً فضای دو قطبی شکل گرفته و سبب شده است که بین مردم شکافی ایجاد شود و این موضوع به سادگی قابل حل نیست. همه این تنش‌های اخیر بین طرفداران و مخالفان آقای «ترامپ» سر همین مسائل است. مسئله هویتی تا جایی پیش رفته است که حتی در بحث سرنوونی یا جمع کردن مجسمه‌هایی خاص بروز پیدا کرده است.

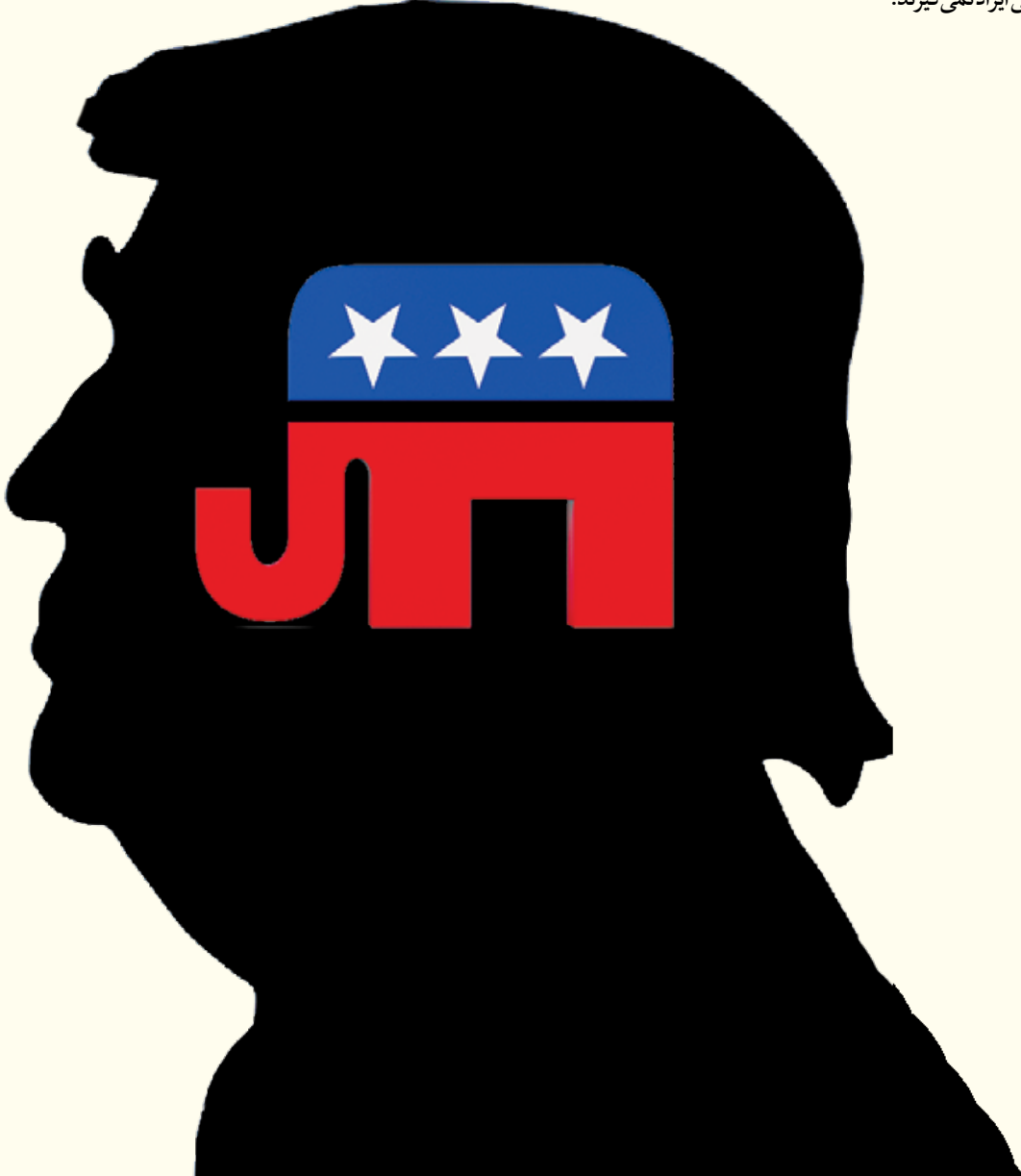
برای نمونه، هفته پیش که سالگرد ورود «کریستف کلمب» به آمریکا بود و جشن‌هایی به این مناسبت برگزار می‌شود، چند سالی است که مردم بعضی از ایالت‌ها اعتراض می‌کنند که چرا باید جشن بگیریم و این تاریخچه‌ای نیست که به آن افتخار کنیم. یا مثلاً با مجسمه فلان سردار جنگ‌های داخلی که مخالف یکپارچه شدن آمریکا بوده و در واقع جدایی طلب بوده است، مخالف هستند و می‌گویند نباید مراسم جشن و بزرگداشت برگزار شود و مجسمه‌اش را در شهر داشته باشیم؛ در واقع آمریکایی‌ها با المان‌های تاریخی خود دچار درگیری و بحران هویتی شده‌اند که همه این مسائل در انتخابات تأثیر می‌گذارد.

آنچه به نظر برنده در این دوره از انتخابات آمریکا مهم است، همین مسائل هویتی و اجتماعی است، چراکه در نتیجه انتخابات اثرگذار است و این مسائل هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که روی روند انتخابات و شرکت نکردن مردم اثر بگذارد و آنها را با صندوق‌های رأی بیگانه کند. منتها مسئله‌ای که الان وجود دارد، رقابت اصلی در بیدار کردن برکه رأی خاموش است که یک بخشی از این برکه‌های رأی خاموش را سفیدپوست‌های طبقه کارگر و بخش دیگر را رنگین پوست‌های اقلیت‌هایی تشکیل می‌دهند که عمدتاً از قشر ضعیف هستند.

یکی از شعارهایی که آقای «ترامپ» داد و در واقع جزء برنامه‌هایش بود، بحث مقابله با مهاجرت و ایجاد اشتغال بود. مشاغلی که مهاجرین در آن به کار گرفته می‌شوند، مشاغل رده پایین، کارگری و ارزان قیمت است که این موضوع، یعنی فرصت‌های شغلی از طبقه کارگر سفید پوست گرفته می‌شود. نکته قابل توجه این است که حزب دموکرات طرفدار مهاجرین، پناهندگی و تابعیت دادن و حق شهروندی به آنهاست؛ لذا طبقه کارگر سفیدپوست که کشاورز یا کارگر است، دل خوشی از این تصمیم‌های مهاجرپذیری دموکرات‌ها ندارند، بنابراین طبیعی است که هنگام رأی‌دهی به سمت «ترامپ» متمایل شوند.

از طرف دیگر، در چند ماه اخیر آمریکا با بحث‌های نژادپرستی درگیر بوده است. تقریباً از ۶۰ سال که جنبش حقوق مدنی شکل گرفت، درباره این قانون فرهنگ‌سازی نشد و صرفاً با قانون اعمال شد و آن فرهنگ و بدنه سفیدپوست‌های آمریکایی تبار که خود را صاحب آمریکا می‌دانستند، از بین نرفته‌اند و صرفاً در لانه‌های خود خزیده و ساکت شده‌اند.

از این رو در پنج یا شش سال اخیر به ویژه با نگاه‌هایی که ترامپ داشته، مجال‌هایی به وجود آمده که این افراد می‌توانند ابراز وجود کنند. ماجراهای شسلوغی‌های اخیر و نژادپرستانه که همه ما آن را تقبیح می‌کنیم، رویکردش فعال و بیدار کردن آن بدنه سفیدپوست آمریکایی است که برای «ترامپ» حتماً مثبت و مؤثر است. از طرف مقابل «بایدن» باید سیاه‌پوست‌ها به خصوص آنهایی را که رأی نمی‌دادند به رأی دادن فعال کند.



وحدت در دشمنی با ملت ایران

ابوالفضل عمویی

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس



بنابه اعتقاد تحلیلگران داخلی آمریکا، این انتخابات یکی از مهم‌ترین انتخابات در سال‌های گذشته آمریکا بوده و روند رقابت‌ها به شدت تشدید شده و موضوعات مختلفی در این مسیر تأثیرگذار است. برآوردها نشان می‌دهد، میزان مشارکت در این دوره از انتخابات آمریکا می‌تواند بالا باشد. مؤسسات نظرسنجی، پیش‌بینی کرده‌اند میزان مشارکت در آمریکا حدود ۶۵ درصد باشد که نسبت به دوره‌های قبلی که متوسط حدود ۵۰ درصد بوده، عدد بالایی است. تاکنون حدود ۳۸ میلیون نفر پیش از آغاز رسمی انتخابات رأی خود را به صورت پستی یا حضور در سر صندوق‌های رأی ریخته‌اند که عدد بسیار بالایی است و ۸۴ میلیون نفر تا امروز درخواست برگ رأی پستی کرده‌اند که این می‌تواند حدود نیمی از رأی‌دهندگان آمریکایی باشد. درباره چرایی بالا بودن میزان مشارکت در این دور از انتخابات، می‌توان به بالا رفتن بسیار زیاد مباحث سیاسی، دوقطبی شدن انتخابات و... اشاره کرد.

آمریکایی‌ها بعد از شیوع کرونا با موضوع چالش اشتغال مواجه شده‌اند و بیکاری در این کشور رشد زیادی پیدا کرده است و بخش‌هایی از جامعه آمریکا با چک‌های هزار دلاری که درب خانه‌های آنها می‌رود، زندگی می‌کنند و بیکاری به حد بالایی رسیده که در ۳۰ سال گذشته سابقه ندارد. علاوه بر اینها نوع مواجهه دو نامزد که به نوعی دوقطبی را در فضای سیاسی آمریکا شکل داده‌اند، خیلی شدید شده است و دموکرات‌ها به شدت نسبت به مدیریت ترامپ در ایام قبل از انتخابات منتقد هستند. ترامپ در مراحل اولیه مدیریت خود دستاوردهایی در اقتصاد آمریکا داشته و توانسته بود موضوع اشتغال را بهبود ببخشد، اما با شیوع کرونا عمده این دستاوردها از بین رفت و به زیر شاخص‌های روی کار آمدنش رسید. موضوعاتی مانند موضع ترامپ در موضوع نژادپرستی، مورد چالش و انتقاد طرف‌های مخالف اوست و گاهی سوگیری‌هایی از ترامپ، سمت کسانی که آنها را سفیدپرتیندارها می‌شناسیم، دیده می‌شود و هم اینکه اقدامات پلیس آمریکا در کشتن یا فلج کردن رنگین پوست‌ها و سیاه‌پوست‌ها و افعال اقدامات ضد حقوق بشری است و جامعه آمریکا را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. جنبش «جان سیاهان مهم است» جنبش مؤثر و بزرگی است که توانسته در انتخابات تأثیر بگذارد. از این جهت انتخابات آمریکا به شدت به یک وضعیت دوقطبی رسیده است.

در شرایط فعلی، منظره اول بین «ترامپ» و «بایدن» بسیار چالشی و تند بود و توهین‌ها و مسائل خلاف ادب در آن زیاد رد و بدل شد و فضای این انتخابات را تندتر کرد. «بایدن» هم نشان داد که به اندازه ترامپ می‌تواند بی ادب باشد که یک روی سیاهی از دموکراسی آمریکایی را در این مسیر نشان دادند. بعد از اینکه ترامپ دچار بیماری کرونا شد، افت سنگینی در نظرسنجی‌ها کرد و الان که ۱۳ روز به انتخابات مانده است، متوسط نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که «بایدن» بین ۸ تا ۱۰ درصد جلو است، اما در انتخابات آمریکا لزوماً نظرسنجی و آرای عمومی مهم نیست، بلکه آرای الکترال کالج مؤثر است که مربوط به ۵۱ ایالتی است که در آمریکا حضور دارند. بخش عمده‌ای از این ۵۱ ایالت مواضع ثابت دارند و فرمز و جمهوری خواه یا آبی و دموکرات شناخته می‌شوند. اما حدود ۷ ایالت، از جمله ایالت‌های «پنسیلوانیا» «کارولینای شمالی» «ویسکانسین» «میشیگان» «آریزونا» و «واشیاو» ایالت‌هایی هستند که در انتخابات تعیین کننده هستند. در نظرسنجی‌ها، «بایدن» در شش ایالت جلوتر است، اما تا روز انتخابات ممکن است تحولات زیادی شکل بگیرد؛ از جمله موضوع مهمی که پیش روی ماست، منظره سوم یا به تعبیر دیگر منظره آخر بین «بایدن» و «ترامپ» است که می‌تواند تعیین کننده باشد. بحث بعدی، موضوع شمارش آرای پستی است؛ تا الان ۸۴ میلیون نفر درخواست برگه پستی رأی کرده‌اند و شمارش آرای پستی در ایالت‌ها، عمدتاً تا روز انتخابات آغاز نمی‌شود، اما بعد از روز انتخابات ممکن است شروع شود. عده‌ای از افراد هم که می‌توانند نیمی از شرکت کنندگان در انتخابات باشند، سر صندوق رأی می‌روند و رأی می‌دهند، لذا نحوه شمارش آرای پستی و اعتبار آنها موضوع چالشی در این دوره خواهد بود. تیم «ترامپ» تا الان حاضر نشده اعلام کنند که ما نتیجه انتخابات را می‌پذیریم، بلکه شروطی را بر پذیرش انتخابات می‌گذارند و اگر دموکرات‌ها نتوانند با فاصله بالا به یک پیروزی قاطع دست پیدا کنند، با چالش مواجه خواهند شد و طرفداران ترامپ که بخشی از آن جامعه آمریکا هستند که مواضع تند و خلاف منطقی می‌توانند داشته باشند، به این راحتی آن را نمی‌پذیرند. همچنین فروش سلاح در ایام انتخابات و هم در دوره تبلیغاتی افزایش پیدا کرده که می‌تواند تأثیراتی در ناامنی داشته باشد و این چالشی است که ممکن است آمریکایی‌ها در روزهای آتی با آن مواجه شوند.

در خصوص مواضع سیاست خارجی آمریکا با کشورهای می‌توان گفت، بین نامزدها انتقادهایی در برخی موارد وجود دارد؛ از جمله تفاوت‌هایی که حداقل در گفتار در ایام انتخابات شنیده می‌شود، انتقادات اساسی است که دموکرات‌ها و تیم «بایدن» به «ترامپ» در سیاست خارجی دارند که ترامپ به صورت یک جانبه از بسیاری توافق‌های بین‌المللی خارج شده است؛ مانند خارج شدن از پیمان (تی‌پی پی) یا همکاری‌های فراتر از آرم، توافق پاریس، عضویت در سازمان بهداشت جهانی، عضویت در بعضی مجامع بین‌المللی و نقض توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است، به هر حال رفتارهای یکجانبه ترامپ مورد نقد دموکرات‌هاست و شعار اصلی تیم «بایدن» در حوزه سیاست خارجی بازگشت به اتحاد‌های آمریکایی؛ به ویژه با کشورهای اروپایی و هم‌بنطور بازگشت به مجامع بین‌المللی است تا از طریق همکاری با مجامع بین‌المللی اهداف آمریکایی دنبال شود.

این تفاوت رویکرد و روشی است که بین طرفین در موضوعات مختلف وجود دارد، اما متأسفانه بعضی مواضع ظالمانه آمریکا از سمت طرفین مورد وحدت است؛ دموکرات‌ها تا پیش از این با انتقال سفارت آمریکا در رژیم صهیونیستی از تل‌آویو به قدس مخالف بودند، اما ترامپ این کار را انجام داد و بایدن نیز اعلام کرد ما مجدداً این سفارت‌خانه را از قطب تل‌آویو برمی‌گردانیم، لذا در این موضع موافق هستند.

بحث سر این است که «بایدن» هم در مواضع خود اعلام کرده که می‌خواهند فشار بر جمهوری اسلامی را حفظ کنند، اما روش متفاوتی دارند و در اهداف یکی هستند. «بایدن» در آخرین مقاله برای سی‌ان‌ان با عنوان «راه‌های هوشمندانه‌تری برای اعمال فشار به ایران» نوشت، راه‌های هوشمندانه‌تری برای اعمال فشار به ایران وجود دارد و در واقع در اعمال فشار بر ایران هر دو تا موضع یکی دارند؛ فقط «بایدن» احساس می‌کند تیش راه‌های هوشمندانه‌تری می‌تواند برای این فشار پیدا کند، به همین دلیل عمده تفاوت آنها در رویکردهاست و مسائل اصلی و راهبردی سیاست‌های آمریکا از طریق این ساختارهای سیاسی شکل می‌گیرد.

اگر ترامپ ببازد چه می‌شود؟

محمدعلی شفیعی

کارشناس مسائل آمریکا



بحث سیاه‌پوست‌ها در انتخابات آمریکا به دلیل بلوک رأی در ایالت‌هایی است که بیشتر در آن تجمع داشته و رأی معمولی‌ای که دارند و معمولاً اکثریت آرای شان به نفع دموکرات‌هاست. طبیعتاً یک بلوک رأی مهم است؛ چرا که جمعیت ۱۳ درصدی آنها در نتیجه نهایی انتخابات تأثیرگذار است. کمترین حضور سیاه‌پوست‌ها در انتخابات سال ۲۰۱۶ بود؛ زیرا از او باما به نوعی دل‌سرد و ناامید شده بودند و امید به تغییر شرایط نداشتند، اما ناآرامی‌هایی که در چند ماه اخیر اتفاق افتاد، سبب شد که اینها دوباره خود را در صحنه حاضر ببینند و تأثیرگذاری خود را احساس کنند. اما از آن طرف از روزی که این شلوغی‌ها شروع شد «ترامپ» از این فرصت برای دامن زدن به اختلاف و شکاف بین سفیدها و سیاه‌ها استفاده کرد و این حرکت‌های سیاه‌پوست‌ها به نوعی کسانی را که به آمریکایی‌های سنتی سفیدپوست اعتقاد داشتند، تحریک کرد که آنها هم حضور بیشتری داشته باشند؛ سفیدپوست‌هایی که معمولاً در حاشیه شهرها هستند و سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، معمولاً به شکل خیلی پررنگ در انتخابات شرکت نمی‌کنند، اما این جریان که اتفاق افتاد و اینکه ترامپ به این اختلاف‌ها دامن زد، یک ترسی در آنها به وجود آورد که آنها را هم در شرکت در انتخابات خیلی تهییج کرد. به همین دلیل خیلی نمی‌توان گفت، حضور بیشتر سیاه‌ها در این دوره که تقریباً قطعی است و بیشتر شرکت خواهند کرد، تأثیر خیلی چشمگیری به نفع دموکرات‌ها داشته باشد؛ چرا که از آن طرف هم سفیدپوست‌هایی که در واقع به نوعی می‌توان گفت نژادپرست هستند یا موقعیت خود را متزلزل می‌بینند هم بیشتر در انتخابات شرکت خواهند کرد. درباره وضعیت این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا می‌توان گفت، این دوره روز به روز متغیر است، اما آنچه قطعی است این است که واضح و مشخص است که حتی اگر آقای «ترامپ» پیروز شود، طرفداران به نوعی رادیکال‌تر «بایدن» و کسانی که مخالف سرسخت «ترامپ» هستند، حداقل اینکه اردوکنشی خیابانی داشته باشند و حامیان «بایدن» و حزب دموکرات هم آرام نخواهند نشست و احتمالاً از طریق حقوقی اقداماتی در راستای اینکه مثلاً آرا در بعضی ایالت‌ها ممکن است اشتباه شمرده شده باشد، خواهند کرد. از آن طرف هم اگر «ترامپ» بازنده انتخابات باشد، از همین الان صریحاً هم اعلام کرده که من نتیجه را خیلی راحت قبول نمی‌کنم و کم‌کم شواهدی هم بر وجود تقلب در انتخابات نشان می‌دهند؛ مانند اینکه برخی‌ها می‌گویند ما دیدیم که آرا را در زباله ریخته‌اند یا چند روز پیش یک صندوقی پیدا شد که آرای داخل آن سوخته بود که اینها را نشانه‌هایی بر وجود تقلب خواهد دانست و خیلی راحت نتیجه را قبول نمی‌کند. بعید است در سوم نوامبر رئیس جمهور بعدی آمریکا را بشناسیم. به حتم دعوای حقوقی طولانی مدتی به وجود خواهد آمد و حداقل یک ماه تا یک ماه و نیم بعد از انتخابات، درگیری حقوقی خواهند داشت و هم‌زمان به طور قطع در ادامه این اتفاقاتی که افتاده، اردوکنشی‌های خیابانی از حامیان دو طرف رخ خواهد داد. در واقع رأی‌گیری زود هنگام در آمریکا به وجود آمده است و مردم می‌توانند آرای خود را به صورت پستی ارسال کنند، اما تا روز انتخابات شمارش نمی‌شود؛ یعنی روز انتخابات در پاکت‌ها باز و شمارش می‌شود. گفتنی است، در هر ایالت سازوکاری وجود دارد که قدری متفاوت است، اما کلیت این است که آرا در روز انتخابات شمرده و با آرای حضوری هر ایالت جمع زده می‌شود. الان رأی‌گیری غیر حضوری زود هنگام هم شروع شده و مردم زودتر از انتخابات سر صندوق رأی می‌روند و رأی خود را داخل صندوق می‌اندازند که این دو فرآیند شروع شده است. لذا یک حس تقلبی به وجود آمده که آرای را که به نفع ترامپ است، از بین می‌برند و شمارش نخواهند شد و ترامپ این موضوع را دال بر تقلب خواهد دانست. از طرف دیگر از روزی که «ترامپ» وارد دولت شد، شرکت «امازون» تا حد زیادی از او حمایت می‌کرد، البته خیلی آشکار نبود. در حال حاضر که نزدیک به مراسم شکرگزاری و کریسمس هستند، این شرکت حراج‌هایی را برگزار کرده که فشار زیادی به شرکت پست وارد کرده و شرکت پست در رساندن آرای پستی دچار مشکل شده است. برخی‌ها این را در جورجین «ترامپ» و هماهنگ شده می‌دانند که این فشار به شرکت پست وارد شود که تا تاریخ اعلام شده، آرا برای شمارش نرسد که اگر این اتفاق بیفتد، آن آرا را باطل می‌کنند. این اتفاق برای «ترامپ» موفقیت‌آمیز است؛ چرا که در ابتدا «ترامپ» به شدت با آرای پستی مخالف بود و می‌گفت نباید رأی‌گیری به این شکل باشد؛ چون تقلب می‌شود، اما حالا که مجبور به اجرای آن شده‌اند، قطعاً سعی می‌کنند به بدترین نحو ممکن انجام شود تا بتواند به نفع خود استفاده کند.

آمریکای پس از سوم نوامبر

امیرعلی ابوالفتح

کارشناس مسائل آمریکا



نامزدهای اصلی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه هستند که نامزد دموکرات‌ها آقای «جو بایدن» معاون رئیس جمهور سابق و نامزد حزب جمهوری خواه آقای «دونالد ترامپ» رئیس جمهور کنونی است و شانس پیروزی هر یک از این دو نفر در انتخابات وجود دارد. اگرچه نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد، «بایدن» با یک فاصله معناداری حدود ۹ درصد در میانگین نظرسنجی‌ها از «ترامپ» جلوتر است، اما هنوز پیروزی‌اش قطعی نیست. به ویژه اینکه انتخابات یک انتخابات معمولی نیست و به احتمال قطع به یقین قضیه با دعوای سیاسی و حقوقی همراه خواهد شد و ممکن است این موضوع به دیوان عالی فدرال ارجاع یا به مجلس نمایندگان داده شود که دیگر اصلاً هیچ پیش‌بینی‌ای نمی‌توان کرد. گفتنی است، احزاب دیگری نیز در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت می‌کنند و نامزدهایی دارند، اما شانس پیروزی ندارند و در حقیقت رقابت اصلی بین این دو نفر است. هر یک از نامزدهای این دو حزب طرح‌ها و برنامه‌های خاص خود را در سطح بین‌الملل و سیاست خارجی دارند. اگر بخواهیم این موضوع را در زمینه مسائل خاورمیانه در نظر بگیریم، باید گفت «ترامپ» در این باره یک استراتژیک دارد و آن هم فعال کردن نیروهای نیابتی برای پیشبرد اهداف ایالات متحده آمریکا در چارچوب تمرکز بر رژیم صهیونیستی و عربستان است. تمرکزش بر رژیم صهیونیستی از طریق معامله قرن و برقراری عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی است و هر چه صهیونیست‌ها به دنبال آن هستند از بلندی‌های جولان گرفته تا بحث پایتخت شدن بیت‌المقدس و برخورد با ایران و انواع و اقسام خواسته‌های آمریکایی را به آن عمل می‌کنند. در مورد عربستان هم همینطور به نظر می‌رسد که با سیاست خیلی دست و دل بازی‌های با عربستان رفتار کرده و می‌کند و بعد از اینکه پیروز شود، این روند شدت می‌گیرد و نقش بیشتری را برای عربستان برای تحولات منطقه قائل خواهد بود. اما پیروزی «جو بایدن» تفاوتی را در این زمینه ایجاد می‌کند؛ درباره بحث رژیم صهیونیستی سیاست «بایدن» مبتنی بر این است که صهیونیست‌ها باید یکسری زیاده‌خواهی‌های خود مانند نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی را کنار بگذارند تا امنیت رژیم صهیونیستی تأمین شود. حزب دموکرات و آقای «بایدن» همدل و هم داستان و هم راستا با بحث شهرک‌سازی‌ها نیستند و معتقدند رژیم صهیونیستی باید این شهرک‌سازی‌ها را برای حفظ امنیت خود متوقف کند. در مورد عربستان به نظر می‌رسد، با پیروزی «بایدن» فشار بر ریاض افزایش پیدا کند و آن دست و دل بازی‌ای که دولت «ترامپ» در قبال عربستان داشت، مانند قراردادهای کلان اقتصادی و رودررو شدن ترامپ سر قضیه قتل خاشقچی با کنگره، دیگر اتفاق نخواهد افتاد و «بایدن» گفته است من اگر رئیس جمهور شوم، سعی می‌کنم عربستان را پاسخگو کنم؛ از این نظر این دو نامزد این تفاوت‌ها را دارند. همچنین در ظاهر بین دیدگاه «ترامپ» با «بایدن» سر قضیه چین اختلاف وجود دارد؛ «ترامپ» معتقد است، منافع ایالات متحده آمریکا از طریق جنگ تجاری تحقق پیدا می‌کند، در حالی که دموکرات‌ها معتقد هستند از طریق همکاری با چین، این منافع تأمین می‌شود. اما هر دو گروه چاره‌ای ندارند و گزینه دیگری روی‌رویشان نیست که با چین برخورد کنند؛ زیرا چین به تدریج خواسته یا ناخواسته در حال گرفتن جای آمریکاست و وضع اقتصادی آمریکا در حال تحلیل رفتن است؛ هم، تراز بازرگانی آمریکا نگران‌کننده است و هم اینکه به هر حال در این جنگ تجاری که «ترامپ» راه انداخت، حاصل زیادی برای آمریکا نداشته است. بنابراین تضاد منافع بین آمریکا و چین روز به روز در حال افزایش است که ابتدا در حوزه‌های تجاری و مالی بود، اما الان کم‌کم به حوزه‌های امنیتی هم کشیده شده است و این برخوردها هر روز جدی‌تر و شدیدتر می‌شود. از این نظر اگر «بایدن» در انتخابات پیروز شود و حتی اگر نخواهد جنگ تجاری با چینی‌ها را دنبال کند، اما این تنش و اصطکاک بین پکن و واشنگتن افزایش پیدا می‌کند. سیاست «ترامپ» مبتنی بر حمایت از تولید داخلی یا حمایت‌گرانه تجاری است؛ در حالی که سیاست «بایدن» مبتنی بر تجارت آزاد و محاسبات مربوط به تجارت آزاد است؛ اما حتی اگر «بایدن» به پیروزی برسد، مجبور خواهد بود به سمت تقویت حوزه داخلی حرکت کند، حال شاید با آن شدت و حالت تهاجمی دولت «ترامپ» نباشد و این ماهیت و اصل را قبول کند؛ چرا که در غیر این صورت ایالات متحده آمریکا در صحنه نظام اقتصاد جهانی متحمل خسارات سنگینی می‌شود.

تقویم انقلاب

نویید پیروزی

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



در آبان ماه ۱۳۵۷ دولت آشتی ملی که حدود دو ماه از عمرش می‌گذشت، در حال سقوط بود و شاه قصد داشت با نیرنگ دیگری، مانند معرفی دولت نظامی انقلاب را مهار کند؛ ولی امام خمینی (ره) در پیامی خطاب به مردم با دعوت به صبر و پایداری بشارت پیروزی داده و پیام می‌دهند: «اینجانب از ملت شریف ایران تشکر می‌کنم که با شجاعت و پایداری خود کنگره‌های سقف ستمکاری را یکی پس از دیگری فرو ریخت و دلیرانه این بت شیطان را شکست، عزیزان من بصور باشید که پیروزی نهایی نزدیک است.»

بنابراین فشار انقلاب رژیم شاه را وادار کرده بود که میدان را برای مردم بازتر کند و مردم از آزادی بیشتری برخوردار شده بودند. برای نمونه، سال‌ها بود که سلیقه چنگک خونین سانسور را بر افکار خود می‌دیدند؛ به گونه‌ای که نگهداری و خواندن برخی از کتاب‌ها ممنوع شده بود و حتی بسیاری کتاب‌های ممنوعه فهرستی تهیه شده بود که از انتشار مجدد آنها جلوگیری می‌شد، عده زیادی به جرم داشتن یا خواندن کتاب‌هایی چون ولایت فقیه امام (ره) و دیگر چهره‌های علمی و فرهنگی محکوم شده و زندانی بودند؛ حتی برخی از مؤلفان رغبت به تألیف کتاب نشان نمی‌دادند، چون فضای سنگین استبداد و سانسور اجازه انعکاس افکار و اندیشه‌های سالم و آزادی‌خواهانه را نمی‌داد، اما ملت ایران به وضوح نتیجه پیروی و تبعیت از رهنمودها و رهبری امام خمینی (ره) را حس کرده بودند و کم‌کم رایحه پیروزی را که امام (ره) نود آن را می‌دادند استشمام می‌کردند. همچنین، در این مقطع جشن‌های نظام شاهنشاهی بی‌خاصیت شده بود، جشن‌هایی که سال‌ها به نام روز چهارم آبان، نهم آبان یا جشن‌های ۲۵۰۰ برگزار می‌شد و به نوعی بقای رژیم شاهنشاهی را توجیه می‌کرد، کاملاً رنگ باخته بود و با بی‌اعتنایی مردم روبه‌رو می‌شد، البته بعضاً هم با مقابله و واکنش‌های خونی همراه می‌شد؛ در نتیجه این برنامه‌ها اعتبار و کارکردش از بین رفته بود و درست نتیجه عکس می‌داد و به نفع روند انقلاب تمام می‌شد؛ برای نمونه در چهارم آبان یا نهم آبان تعداد زیادی از زندانیان سیاسی به اسم عفو مولوکانه، آزاد می‌شدند؛ ولی مردم به درستی می‌فهمیدند که رژیم شاه تحت فشار انقلاب و مطالبات مردم به آزادی زندانیان سیاسی تن داده است.

افزون بر این، خیلی به سرعت دیواره‌های سانسور فرو ریخت و عمر عنوان «کتاب ممنوعه» به پایان رسید و روز به روز به آگاهی‌های سیاسی مردم افزوده می‌شد. روند انقلاب به گونه‌ای پیش می‌رفت که امام (ره) لحظه به لحظه بر اوضاع مسلط‌تر می‌شدند و در مقام رهبر بلامنازع و بلامعارض زده‌مگان پذیرفته شده بودند؛ به گونه‌ای که همه جریان‌های سیاسی چپ و راست و روشنفکران غرب‌زده، ملی‌گراها و توده‌ای‌ها خود را در چارچوب برنامه‌های امام (ره) و زیر چتر و رهبری‌های ایشان قرار داده بودند و امام (ره) هم بسیار هوشیارانه عمل می‌کردند. ایشان روحیه نامتعادل و غیر عادی شاه و عناصر رژیم شاه را به درستی شناخته بودند و هیچ کس بهتر از ایشان نمی‌توانست جوانب احتیاط را لحاظ کند.

اولین سفر به نیویورک

ماجرای حضور نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل



مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

چهل سال پیش در ۲۶ مهر ۱۳۵۹ شورای امنیت سازمان ملل شاهد سخنرانی قاطع و مستند آقای محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران بود. آقای رجایی بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۵۹ ساعتی پس از آنکه از جبهه‌های نبرد در خوزستان به تهران بازگشت، در رأس هیئتی از مقامات کشورمان برای شرکت در اجلاس شورای امنیت سازمان ملل و ایراد سخنرانی در آن اجلاس، تهران را به مقصد نیویورک ترک کرد. هواپیمای وی و همراهان در ساعت ۸ صبح روز جمعه ۲۵ مهر در فرودگاه جان اف. کندی نیویورک به زمین نشست. آقای رجایی و هیئت همراه، در فرودگاه نیویورک مورد استقبال آقای شمس اردکانی، سرپرست هیئت ویژه نمایندگی ایران در سازمان ملل، رئیس تشریفات سازمان ملل، سفیر الجزایر در آمریکا و اعضای هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در آمریکا قرار گرفت. ایشان سپس رهسپار محل رزیدانس نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل شد.

اولین دیدار رسمی آقای رجایی با «کورت‌والدهایم» دبیرکل سازمان ملل بود. در این دیدار یک ساعته که بعد از ظهر روز جمعه ۲۵ مهر صورت گرفت، آقای رجایی مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به جنگ تحمیلی، موضوع گروگان‌های آمریکایی و خصوصت آمریکا با ملت ایران را برای دبیرکل سازمان ملل تشریح کرد.

مهم‌ترین بخش سفر آقای رجایی به نیویورک سخنرانی وی در نشست شورای امنیت سازمان ملل بود. ذکر این نکته ضروری است که سخنرانی آقای رجایی چند روز پس از صدور اولین قطعنامه این شورا درباره جنگ تحمیلی صورت گرفت. در این قطعنامه که با عنوان «قطعنامه ۴۷۹ شورای امنیت سازمان ملل» در روز ۶ مهر ۱۳۵۹ به تصویب رسید، بدون آنکه به تجاوز عراق اشاره کند یا خواستار بازگشت ارتش عراق به مرزهای بین‌المللی شود، صرفاً از «وضعیت رو به گسترش میان ایران و عراق» اظهار نگرانی شده بود. جمهوری اسلامی ایران نیز با رد قاطع این قطعنامه تصریح کرد: «تا زمانی که تجاوز عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و نیروهای عراقی در داخل خاک ایران به اقدامات تجاوزگرانه و خرابکاران خود ادامه می‌دهند پیشنهاد دبیر کل و قطعنامه‌های

اینچنینی شورای امنیت سازمان ملل نمی‌تواند مورد قبول ایران باشد.»

متعاقب رد این قطعنامه از جانب ایران، دبیرکل سازمان ملل خواستار اعزام هیئتی از ایران به شورای امنیت شد. ایران نیز خواستار تشکیل جلسه ویژه این شورا به منظور بحث درباره جنگ عراق علیه ایران شد. در چنین وضعیتی، آقای رجایی رهسپار نیویورک شد. وی در ساعت ۱ و ۴۵ دقیقه با مباداد روز شنبه ۲۶ مهر ۱۳۵۹ به وقت تهران سخنان خود را در جلسه شورای امنیت سازمان ملل آغاز کرد. آقای رجایی در این سخنرانی به دلایل حملات عراق به خاک ایران و شرح جنایات صدام، علت حمایت قدرت‌های بزرگ از عراق، موضوع جمهوری اسلامی ایران در جنگ و اهداف ایران از شرکت در اجلاس شورای امنیت اشاره کرد. وی گفت:

«... من صریحاً اعلام می‌کنم که ملت ما مصمم است تا با دنبال کردن یک جنگ طولانی و مردمی نه تنها متجاوزان را سر جای خود بنشاند؛ بلکه با این عمل خود ملت مسلمان عراق را نیز به ماهیت رژیم ضد مردمی وابسته صدام هر چه بیشتر آشنا سازد. صریحاً اعلام می‌کنیم که پایان عادلانه جنگ نظیر هر جنگ دیگری جز با سرکوب و مجازات تجاوزگر امکان‌پذیر نخواهد بود. این آخرین و

اصلی‌ترین حرف ماست؛ زیرا قبول آتش‌بس از سوی کشوری که مردمش زیر چکمه‌های دشمن است، تثبیت وضع متجاوز و تحمیل تجاوز به کشور مظلوم است. رای ششورا هر چه باشد ملت ما به یاری خداوند، صدام و رژیم متجاوزش را به دست توانای خود سرکوب خواهد کرد و نیز به یاری خدا در آینده‌ای نه چندان دور مردم عراق از شر این ظالم و ستمگر خلاص خواهد شد. به زودی خواهید دید ظالمان و ستمگران جهان چگونه سرنگون خواهد شد و سرانجام کار به نفع حق‌طلبان است...»

در همین ایام مقامات رسمی ایران در سازمان ملل طرحی سه ماده‌ای برای پایان دادن به جنگ از راه مذاکره ارائه کردند. موارد مورد تأکید این طرح عبارت بود از اینکه شورای امنیت بر اساس منشور ملل متحد موظف است تجاوز از قبل طراحی شده عراق را محکوم کند و خروج متجاوزان عراقی را خواستار شود و غرامت خرابی و کشتار را از متجاوزان بخواهد و بالاتر از همه مقامات رژیم صدام را به عنوان جنایتکار محکوم کند.

سخنرانی آقای رجایی در سازمان ملل و نشان دادن آثار شکنجه‌های دوران رژیم شاهنشاهی در بدن خود، شرایط تبلیغاتی خوبی را در سطح جهان برای ایران فراهم کرد؛ اما تغییر محسوسی

در مواضع سازمان ملل به نفع ایران ایجاد نکرد. تلاش‌های ایران برای وادار کردن شورای امنیت به محکوم کردن تجاوز عراق و خروج ارتش عراق از خود ایران نیز به جایی نرسید.

پس از این سخنرانی و هنگامی که نوبت به اظهارات «سعدون حمادی» وزیر خارجه عراق رسید، با تکرار جلسه شورای امنیت، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در بیرون از جلسه شورا شرکت کرد و به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد. در زمان حضور آقای رجایی در سازمان ملل، مقامات آمریکایی در مصاحبه‌های خود تنها به موضوع گروگان‌های آمریکایی در تهران و ضرورت آزادسازی آن اشاره می‌کردند و کمترین اشاره‌ای به اتهامات جمهوری اسلامی ایران در مورد حمایت گسترده آمریکا از رژیم صدام در جنگ تحمیلی نداشتند. در حالی که نشست شورای امنیت، ویژه بررسی جنگ تحمیلی بود. در تمام این مدت آمریکایی‌ها تلاش کردند با آقای رجایی ملاقات کنند؛ اما ایشان درخواست آنان را رد کرد.

آقای رجایی و هیئت همراه پس از عزیمت به مسجد هارلم در نیویورک و برگزاری نماز ظهر در آن مکان در روز شنبه ۲۶ مهر، آمریکا را به مقصد الجزایر ترک کرد.

حافظه

استعمارگران در دهه پایانی قرن بیستم

کلوپ بیلدربرگ

در کشورهای مختلف، قدرت و حکومت در کشورها را به افراد مورد نظر خود می‌سپارد تا به وسیله آنها طرح‌های جهانی خود را عملی کند. در این راستا از اهرم‌هایی، چون سازمان ملل، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، ناتو... استفاده کرده و مناسبات نظامی همچون جنگ‌های مختلف و شرایط اقتصادی مانند قیمت نفت و طلای هر سال را تعیین می‌کند. از سوسی دیگر از طریق بازوهای اجتماعی و حقوقی خود در کشورهای گوناگون قوانینی را وضع می‌کند که هرگونه اقدام علیه اهداف صهیونیسم جهانی را خنثی کند. اعضای گروه بیلدربرگ انتصابی بوده و تعدادشان حدود ۱۳۰ نفر است که از قدرتمندترین و با نفوذترین افراد در زمینه‌های سیاست، اقتصاد و رسانه‌های عمومی هستند. این گروه اعضای دائمی داشته و علاوه بر آن در اجلاس‌های سالیانه خود افرادی را به عنوان مهمان نیز دعوت می‌کند.

بسیاری از اعضای دائم گروه بیلدربرگ سیاستمداران کهنه‌کار، صاحبان اقتصادهای بزرگ و پادشاهان و اعضای خاندان‌های سلطنتی کشورهای غربی هستند. شخصیت‌های شرکت‌کننده یا خود از بزرگ‌ترین سهام‌داران کنسرسیوم‌های نفتی و نظامی‌اند یا به نمایندگی از صاحبان و سهام‌داران بزرگ آن کنسرسیوم‌ها در این نشست‌های سالانه شرکت می‌کنند.



«بیلدربرگ» یک سازمان جهانی سیاست‌گذاری ماسونی است که ابزارهای قدرتمند مالی، نظامی و نفوذ لازم برای رسیدن به اهداف خود در مدیریت اقتصاد و سیاست جهان را در اختیار دارد. کلوس بیلدربرگ در مه ۱۹۵۴ به ریاست عالی «پرنس برنارد» هلند در هتل بیلدربرگ، متعلق به خاندان روچیلد تأسیس شد. این کلوپ نشست‌های محرمانه سالیانه‌ای دارد که با اعضای خاص خود تشکیل می‌شود. علنی‌ترین این نشست‌ها، گردهمایی سالیانه «مجمع اقتصاد جهانی» است که در پیست زیبای اسکدی داوس (سوئیس) برگزار می‌شود و به این دلیل به «اجلاس داوس» معروف است. هدف اصلی این گروه، ایجاد یک دولت جهانی است که تحت حکمرانی یک طبقه ممتاز باشد. هماهنگی‌های لازم در این سازمان از طرف دفتر گروه بیلدربرگ که در نزدیکی شهر لاهه در کشور هلند قرار دارد، انجام می‌شود. این نهاد مانند بیشتر سازمان‌های بزرگ بین‌المللی تحت کنترل صهیونیست‌ها بوده و ابزارهای قدرتمند مالی، نظامی و نفوذ لازم برای رسیدن به اهداف خود در مدیریت اقتصاد و سیاست جهان را در اختیار دارد. این گروه اولین اجلاس خود را در سال ۱۹۵۴ در هتل بیلدربرگ واقع در هلند برگزار کرد. بیلدربرگ با بهره‌گیری از رسانه‌ها و منابع عظیم مالی اعضای خود و افراد دست‌نشانده‌اش

دهلیز

مهندس بازرگان و تسخیر لانه جاسوسی

دولت هستعفی

دولت موقت نیز می‌تواند با گذاشتن شرط و شروطی از جمله آزادی جاسوسان آمریکایی و نیز رهایی از مداخله نیروهای انقلابی در امور کشور، دوباره به قدرت بازگردد اما این ترفند با هشپاری حضرت امام (ره) خنثی شد. در جلد اول کتاب «تاریخ انقلاب اسلامی» دولت موقت از تشکیل تا استعفا» که مؤسسه فرهنگی-هنری «قدر ولایت» منتشر کرده، به نقل از مرحوم سیداحمد خمینی آمده است: «من در نخست‌وزیری در اتاق بازرگان و دکتر سحابی بودم که از قم تماس گرفتند و مرا که به تهران آمده بودم از آن طرف بی‌سیم خواستند. آقای صانعی گفت امام استعفا بازرگان را پذیرفت. من به روی خود نیاوردم. سحابی و بازرگان می‌گفتند معلوم است که امام استعفا ما را قبول نمی‌کنند. ولی ما باید برای پذیرش مجدد مسئولیت شرط و شروط بگذاریم که یکی از آنها آزادی آمریکایی‌هاست. من سکوت کرده بودم. فقط از اتاق آنها بیرون آمدم. ما همه شاهد بودیم که چگونه جمعی به دست و پا افتاده بودند تا امام را متقاعد کنند که استعفا را نپذیرد. و نتیجتاً دولت موقت با تأیید مجدد و قوت بیشتری وارد صحنه شود و کنترل اوضاع را به نفع جریانی که مدت‌ها برای آن سرمایه‌گذاری کرده بودند، دوباره به دست گیرند. اما امام هشپارتر از آن بودند که این‌گونه حرکت‌ها در ایشان تأثیر کند.»

فردای روز تسخیر سفارت آمریکا در تهران، «مهندس بازرگان» رئیس دولت موقت ایران از مقام خود استعفا کرد. این استعفا از سوی امام خمینی (ره) پذیرفته شد و امام وظیفه اداره کشور را به شورای انقلاب سپردند. بازرگان درباره گروگانگیری جاسوسان سفارت آمریکا می‌نویسد: «دولت موقت که از نظر مسئولیت اداری و سیاسی مملکت و حفظ حقوق نمایندگان و اتباع خارجی طبق تعهدات بین‌المللی نمی‌توانست مخالف این عمل نباشد، چون قبلاً تصمیم به استعفا گرفته بود هیچ گونه اعلامیه و اقدامی در این زمینه ابراز نکرد.» وی در موضع‌گیری دیگری می‌گوید: «این عمل بسیار زشت و خلافی است که دانشجویان انجام دادند. همه با این عمل مخالفت کردند. اقدام دانشجویان، ضد انقلاب، اسلام، امام و همه چیز است. افشاکری‌های قبل و حال و آینده دانشجویان، مقداری از آن دروغ است.» این اظهارات در حالی صورت می‌گرفت که امام (ره) قطعانه از اقدام دانشجویان پشتیبانی کردند و حتی خواستار تداوم افشاکری‌ها شدند.

در زمینه استعفا دولت موقت، برخی از نیروهای انقلابی این اقدام را یک ترفند سیاسی می‌دانند و معتقدند تصور این بود که امام (ره) با استعفا مخالفت خواهد کرد و



سیاست نامه

اندیشه سیاسی علامه نائینی - ۲۴

دو مشی متفاوت!

فتح الله پربشان

دبیر گروه اندیشه

فضای سیاسی و اندیشه‌ای نهضت مشروطه در قالب دو دیدگاه کلان نخبگی صورت‌بندی شده بود؛ تفکر مذهبی منبعث از دین و روشنفکری غرب‌گرا. برخلاف طیف روشنفکری غرب‌گرای زمان مشروطه که اساساً دنبال حکومت عرفی عاری از حاکمیت اصول اسلامی بود و می‌پنداشت در حکومت دینی، آزادی یا برابری یا توجه اساسی به حقوق بشر وجود ندارد، اصول این موارد در شریعت اسلام با منطقی بالاتر و اصولی‌تر آمده و قابل اجراست. حکومت‌های لیبرالیستی، نظام‌هایی حزبی بودند که نمی‌توانستند با اصول شریعت آسمانی چه در مقررات اجتماعی و چه در انتخابات کارگزاران و مدیران سیاسی صالح و شایسته اعتقادی و سنتی همگامی داشته باشند و اساساً دین را دست و پاگیر و مانع آزادی‌های مختلف خود می‌دانستند و تنها آن را از امور شخصی و درون وجدانی بدون دخالت در امور دیگر تلقی می‌کردند. در بین نگاه مذهبی نیز، دو نظر محوریت داشت؛ علمای نجف به محوریت مراجع ثلاث و نائینی و علمای ایران به محوریت شیخ فضل الله نوری. هر دو گروه به حمایت از مردم برخاسته بودند که از مؤلفه‌های اصولی و محوری اندیشه اسلام است؛ گروهی به حاکمیت دین با نگاه حداکثری و دسته‌های دیگر با رویکرد حداقلی به دین در پی دست‌یازیدن به احقاق حقوق مردم بودند؛ لذا گروهی در ایجاد سازوکار بین دین و مدرنیته و دموکراسی از دین می‌کاست و گروهی دیگر با ثابت تلقی کردن دین به دنبال روایت بومی از دموکراسی بود. اگرچه علمای دین بر اساس تعهد دینی و مسئولیت علمی خود، در برابر سنت‌های آسمانی و فرهنگ اجتماعی و تعهد دینی مردم، احساس مسئولیت می‌کردند و نمی‌توانستند نسبت به حوادثی که در اطراف و کشور خود پیش آمده اظهار نظر یا دخالت نکنند و بی‌طرف بمانند؛ البته به مرور زاویه‌های نظری در زمینه‌های حکومت دینی به وجود آمد که طبعاً به تمایز تاکتیکی‌ها و روش‌های عمل سیاسی در بین علمای حوزه نجف و تهران نیز منجر شد. از آنجا که تصور می‌شد روحانیت شیعه تنها در حوزه علوم فقهی و اصولی اصطلاحی خود جامد باشد و همانند سازمان و تشکیلات دینی کلیسا در مسیحیت به رهنمودها و نصیحت‌های پدر داد و مسئولیت خود را انجام دهد، این تمایزات رویکردی در حوزه عمل سیاسی در مشروطه اولاً، نشان‌دهنده ظرفیت و پویایی اسلام در این زمینه بود و ثانیاً، تأثیر سایر مؤلفه‌ها و زمینه‌های اجتماعی و محیطی در تکوین اندیشه را نشان می‌داد. اینکه شیخ فضل الله در تهران بود و از نزدیک رویکرد عملی روشنفکران را می‌دید که چگونه به غیر آنچه می‌گویند عمل می‌کنند، نگاهش به اساس مشروطه‌خواهی با محوریت غربی مشکوک است و چه در حضرت عبدالعظیم و چه در کتابخانه خود به دقت مراقب نقشه‌های داخلی و خارجی بود و بازبچه‌های آنها را می‌دید که در این بخش‌ها با تمام توان و به شدت می‌تازند تا هویت و ملیت ایرانی، اندیشه و سنت‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و سیاسی ایرانی و اسلامی را برای همیشه تغییر دهند. اما دریافت علمای نجف از جمله علامه نائینی از نهضت در ایران غیر مستقیم و تحت تأثیر روایت دیگری بود که خیلی خود را عامل و حامل اندیشه اسلام نمی‌دانستند.

منابع در دفتر نشریه موجود است.



منطق حکمرانی

اندیشه و سیره عملی امام خامنه‌ای در مدیریت امور کشور

مصطفی قربانی

کارشناس سیاسی



باتوجه به شدت یافتن مسائل معیشتی در کشور، از جمله مهم‌ترین بحث‌ها و شبهاتی که امروز در کشور مطرح می‌شود، این است که چرا رهبری دست به اقدام علنی و جدی برای حل این مشکلات نمی‌زند یا اینکه چرا با وجود ضعف دولت و پیشتر از این، ضعف قوه قضائیه در زمان مسئول قبلی آن، ایشان از رؤسای این دو قوه همواره حمایت می‌کنند؟ در همین راستا، پرسش‌های متعددی وجود دارد که برای پاسخگویی به مجموع آنها، باید منطق حکمرانی رهبری معظم انقلاب را واکاوی کرد. در واکاوی منطق حکمرانی در اندیشه و سیره رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین گزاره‌ها و شاخصه‌های محوری عبارتند از:

۱- پایبندی به موازین مردم‌سالاری دینی: رهبر معظم انقلاب، بر اساس نظریه ابداعی مردم‌سالاری دینی، برای رأی و نظر مردم در اداره حکومت، جایگاه و اثر واقعی قائل هستند و آن را به معنای واقعی کلمه در اداره حکومت دخیل می‌کنند. در مواردی از جمله در قضیه برجام هسته‌ای مشاهده شد که نظر ایشان با نظر اکثریت مردم متفاوت بود، اما در نهایت ایشان به رأی و نظر مردم احترام گذاشته و به آن توجه کردند.

۲- پاسداری از مصالح اسلامی و منافع ملی: رهبری معظم انقلاب به منزله کسی که عهده‌دار هدایت و رهبری یک حکومت اسلامی است و همچنین کسی که وظیفه حفظ و ارتقای منافع ملی را بر عهده دارد، به صورت توأمان به حفظ، تأمین و ارتقای مصالح اسلامی و منافع ملی توجه دارند. برای نمونه، ایشان به میزانی که به ضرورت پاسداشت شاعران و امورات مذهبی توجه و اهتمام دارند، به حفظ و تأمین تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت ملی، دفع تهدیدات از

کشور، مصون‌سازی کشور از تهدید، رفع سایه جنگ از کشور و... هم توجه و تأکید دارند. ۳- انقلاب‌محوری: توجه به حفظ انقلاب اسلامی و درون‌مایه آن یا به تعبیر دقیق‌تر، حفظ صورت و سیرت انقلاب، دیگر اصل مهم در اندیشه و سیره سیاسی رهبری معظم انقلاب است. مبتنی بر این اصل، ایشان نسبت به هرگونه انحراف، تخطی و عدول از ارزش‌ها و شیوه‌های انقلابی حساسیت دارند و در عین حال، انقلابی‌گری را راه‌حل اصلی مسائل کشور می‌دانند.

۴- قانون‌محوری: رهبری معظم انقلاب همواره بر ضرورت پاسداشت جایگاه قانون و عمل بر اساس موازین قانونی تأکید دارند. حتی در برخی مواقع بحرانی مانند فتنه ۸۸ که برخی کاندیداها بحث تقلب را مطرح کردند، ایشان معتزضان را به اقدام بر اساس قانون؛ یعنی بردن شکایت خود به شورای نگهبان توصیه کردند. مبتنی بر همین اصل، تا زمانی که دستگاه‌ها و قوای مختلف کشور، مشغول انجام وظایف خود هستند، رهبری در کار آنها دخالتی نمی‌کند و قرار نیست رهبری به جای دستگاه‌های مختلف تصمیم‌گیری و اقدام کنند.

۵- حمایت از کارگزاران نظام: معظم‌له در همه بره‌ها، از همه کارگزاران نظام، با وجود تفاوت برنامه‌ها، سلیقه‌ها و نگاه‌های سیاسی‌شان، حمایت کرده‌اند. برای نمونه، ایشان به همان میزانی که از دولت مرحوم هاشمی حمایت کردند، از دولت‌های بعدی هم حمایت کردند. این امر لازمه کشورداری بوده و در صورت، حمایت نکردن رهبری از کارگزاران، تشمت و گسست سیاسی در کشور ایجاد می‌شود. تأکید ایشان بر ادامه کار دولت در بره کنونی تا پایان دوره آن، مبتنی بر همین نگاه حمایتی است.

۶- حساسیت نسبت به منافع و معیشت مردم (مسائل زندگی روزمره مردم): تقریباً در همه بیانات و رهنمودهای معظم‌له می‌توان تذکرات

و حساسیت‌های ایشان نسبت به حل مسائل و چالش‌های زندگی روزمره مردم را دید. شاید در کنار انقلاب‌محوری و پاسداری از مصالح اسلامی و منافع ملی، این گزاره از پرسامدترین عبارات و تأکیدهای معظم‌له باشد. برای نمونه، ایشان در جمع اعضای هیئت دولت، در بیانیه‌های مختلف برای آغاز به کار دولت، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و... به این مهم توجه دارند. خارج از این موارد، ایشان در جلسات خصوصی درباره حل مسائل روزمره مردم به مسئولان تذکر می‌دهند و حتی در مواردی کار به توییح و کله‌گذاری صریح منجر می‌شود.

۷- دقت در حفظ وحدت ملی: وحدت ملی از جمله خطوط قرمز است که رهبری نسبت به حفظ و ارتقای آن توجه جدی دارند. در واقع، ایشان با توجه به تنوع قومی، زبانی، مذهبی و... جامعه ایران، نسبت به حفظ وحدت ملی حساسیت دارند.

۸- بی‌اعتمادی به قدرت‌های سلطه‌گر و ضرورت مقاومت: با وجود نگاه مبتنی بر جذب در داخل، معظم‌له نسبت به قدرت‌های سلطه‌گر بی‌اعتماد هستند. در واقع، ایشان با تجزیه و تحلیل دقیق و واقع‌بینانه صحنه نظام بین‌الملل و تشخیص اهداف و انگیزه‌های خصمانه دشمن نسبت به نظام اسلامی، به ضرورت بی‌اعتمادی به دشمن و فریب نخوردن در مقابل لبخند او تأکید دارند: «در میدان دیپلماسی هرگز نباید به دشمن اعتماد کرد؛ چرا که دشمن هم به ما اعتمادی ندارد. میدان دیپلماسی میدان نبرد واقعی است، اما نبردی که پشت میز و با لبخند انجام می‌گیرد.»

در همین راستا، رهبر معظم انقلاب، نظام سلطه را دارای دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر می‌داند و با نفی هر دو قطب، خواستار مقاومت در برابر نظام سلطه هستند. به تعبیری، ایشان، مخالفت با یکجانبه‌گرایی و زور در نظام بین‌الملل و مقاومت در برابر آن را تنها راه حل برقراری عدالت در نظام بین‌الملل می‌دانند. ۹- تلاش برای رفع وابستگی و تولید قدرت درون‌زا:

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۲۵

شاخصه‌های نظام انقلابی

کالبدی بی‌جانی بیش از نظام انقلابی نمی‌ماند. در نظام انقلابی، اعتقاد به حاکمیت اسلام اصیل شاخصی بنیادین به شمار می‌آید که بر گزاره‌های مهمی چون عینیت دیانت و سیاست، مرجعیت دین، شمولیت سیاسی دین، دشمن‌ستیزی و... تأکید می‌کند و از همین رو، آماج کارشکنی‌ها و تهاجم دشمنان قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «آنچه دیده می‌شود، در دنیای اسلام این است که به نام اسلام، دشمنان اسلام در پوشش اسلام با اسلام مقابله می‌کنند. همان تعبیری که امام بزرگوار ما فرمود: اسلام آمریکایی در مقابل اسلام ناب محمدی.» همچنین ایشان بارها بر قدرت تحرک‌آفرینی و استکبارستیزی مکتب حیات‌بخش اسلام ناب تأکید کردند و علت رویارویی استکبار جهانی با انقلاب اسلامی را ماهیت اسلامی و انقلابی آن بیان فرمودند. از این رو، بنیان‌های نظری نظام انقلابی که در حکم راهنما، جهت‌دهنده، فراخ‌کننده و در عین حال، محدودکننده آن هستند، برگرفته از اسلام اصیل بوده و مشروعیت و شرافت ایزراهی موردنیاز برای اداره این گونه نظامی نیز بر اساس اصول اسلامی و انقلابی تعیین می‌شود. به فرموده رهبر معظم انقلاب: «ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به هیچ وجه تفکیک‌پذیر نیستند. اینها با هم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم، اما انقلاب را قبول ندارم و یا بگوید من انقلابی هستم اما اسلام را قبول ندارم. ارزش‌های انقلابی همان ارزش‌های اسلامی است.»

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتهد آموزش عالی شهید مطهری (ره)



شاخصه‌های نظام انقلابی در سه محور اساسی در سطوح ایده، کارگزار و ساختار قابل تقسیم است که در چند شماره تشریح می‌شود. هر نظام سیاسی مبتنی بر یکسری بنیان‌های نظری (ایده‌ای) است که علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تأسیس آن نظام سیاسی به شمار می‌روند. بنیان‌های ایده‌ای علاوه بر اینکه وجه تأسیسی دارند، یعنی می‌توانند مبنای شکل‌گیری و تأسیس نظام‌های سیاسی قرار گیرند، تعیین‌کننده اهداف نظام‌های سیاسی نیز هستند. شاخصه‌های یک نظام انقلابی در سطح ایده، شامل سه شاخصه بنیادین منبعث از ارکان انقلاب اسلامی (اسلام، رهبری و مردم) است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. سایر شاخصه‌های مرتبط نظیر تحول‌خواهی همه‌جانبه‌مبیتی بر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، استمرار ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، پیوستگی جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی و... که مرتبط با سطح ایده است، در یادداشت‌های پیشین (نظام انقلابی در تئوری) مورد اشاره قرار گرفت. اولین شاخصه بنیادین نظام انقلابی در سطح ایده که منبعث از اصل ایدئولوژی اسلام است، بر ابتدائی نظام انقلابی بر حاکمیت اسلام اصیل تأکید می‌کند. در واقع، اگر روح اسلام از آن گرفته شود،

ریزش‌ها

فراز و فرود میر حسین موسوی - ۴

استغفاهای خیانت‌بار!

نخست‌وزیری موسوی به وجود آمد که از پیوند رانتی اقتصاد دولتی رشد کرد. در این دوران بود که عده زیادی از واردکنندگان و صادرکنندگان دست از فعالیت کشیدند و سرمایه‌های خود را به خارج کشور بردند؛ چرا که اقتصاد فره دولتی زمینه را برای آنها تنگ کرد. کسری بودجه دولت در این سال‌ها همواره از سال قبل بیشتر می‌شد. این در حالی بود که دولت تنها یک هفتم بودجه کشور را برای جنگ استفاده می‌کرد. ولی به دلیل سیاست‌های غلط اقتصادی و دولتی کردن امور، زمانی که دولت به آقای هاشمی‌رفسنجانی تحویل داده شد، حدود ۵۲ درصد کسری بودجه وجود داشت. «مروری بر کارنامه موسوی حاکی از تعدد و تکرار استعفا از سوی وی در شرایط و بزنگاه‌های حساسی است که گاهی با توییح امام خمینی (ره) نیز مواجه می‌شد و گاهی نیز با تشر رهبری، که در آن هنگام رئیس‌جمهور بودند رویه‌رو می‌شد. برای نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای، در پاسخ به استعفای موسوی پس از قبول قطعنامه در شهریور ۱۳۶۷ می‌نویسد: «استعفای شما را مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی بسا کمال معذرت‌خواهی است. البته خیانت غیر عمدی می‌دانم و معتقدم خوب است جناب‌عالی امروز نظرات امام در امور اقتصادی را به طور درست بپذیرید.»^۲

پیش‌نویس‌ها:

۱- مجتبی‌راعی، مصاحبه با تنسیم، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲.
۲- پایان دفاع آغاز بازسازی. کارنامه خاطرات هاشمی‌رفسنجانی، سال ۱۳۶۷، نشر معارف انقلاب، چاپ سوم ۱۳۹۰، ص ۷۳۱.





سعید جلیلی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: این را بارها گفتیم؛ اگر بتوانیم به همین دولت کمک کنیم اما امتناع بورژوازی، خیانت است. کمک به این معناست که اگر دولت مشکلی داشت در حد وسیع خود به رفع آن کمک کنیم. عزم جدی با راحت طلبی و خوشگذرانی قابل جمع نیست!



جلال رشیدی کوچی، نماینده مجلس: امروز خیلی‌ها به این جمله ترامپ می‌خندند: «اگر من برنده انتخابات نشوم حتماً تقرب شده است!» یاد کنیم از کسی که ۱۱ سال پیش این جمله را گفت و یک مملکت را به آشوب کشید.



فواد ایزدی، کارشناس مسائل سیاسی با واکنش به تیر روزنامه صهیونیستی جروسمل پست: «آیا اسرائیل دولتی در مانده است؟» جواب: بله. «بیماری کرونا اختلافات گسترده جامعه اسرائیل را برجسته تر کرده است.»



سمیه رفیعی، نماینده مجلس: مسئولی می‌گوید که کمبود انسولین به دلیل تحریم‌های بانکی است. مسئول دیگری می‌گوید که حتی بیش از نیاز کشور واردات وجود دارد و دلیل اصلی قاچاق معکوس است. این وسط مردم باید علاوه بر فشار اقتصادی، بی‌تدبیری و سوء مدیریت‌های مسئولان مربوطه را در تأمین نیازهای اساسی تحمل کنند.



حسین دلیریان، فعال رسانه‌ای: به نظم یکی از تسلیحاتی که برای خریدش از ایران صف خواهند کشید، «سامانه موشکی فوق افسانه‌ای سوم خرداد» باشد، همان سامانه‌ای که پهلاد افسانه‌ای را سرتگون کرد.



سیدامیر جبرائیلی، کارشناس مسائل سیاسی: گفته‌اند «از یک‌شنبه می‌توانیم اسلحه بخریم و بفروشیم.» جهت استحضار عارضه یکی از فکاهیات برجام همین است که بنا شد بخشی از تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه ایران در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۹۹ رفع شود، اما مقرر شد دقیقاً همان تحریم‌ها که اروپا مستقلاً وضع کرده، تا سه سال دیگر هم پابرجا باشد!



مالک شریعی، نماینده مجلس: دولت فعلی بسیار بد و ناکارآمد است و شاید میزان ناکارآمدی‌اش در دو سال پایانی عمرش در جمهوری اسلامی بی‌سابقه است؛ اما یک گزینه بدتری هم هست که نباید دنبال شود: «بی‌ثبات کردن اقتصاد و بی‌دولت کردن کشور.»

هر آنچه درباره چالش مومو باید بدانید

کابوس مجازی

ویژه‌اش در برانگیختن حس کنجکاوی کودکان و نوجوانان دانست که این مسئله می‌تواند به نوبه خود زمینه سوءاستفاده تبهکاران اینترنتی از کاربران کودک و نوجوان ناآگاه را فراهم کند، لذا برای مقابله مؤثر با این تهدید نهادهای آموزشی و والدین باید در فضایی صمیمی و دوستانه هشدارهای آگاهی‌بخش لازم را به کودکان و نوجوانان ارائه کنند.

شده و به طور گسترده در فضای مجازی منتشر می‌شود، بعد از این ماجرا تصویر مومو به عنوان یک شخصیت ترسناک؛ اما محبوب به سوز سوز سوء استفاده تبهکاران فضای مجازی بدل می‌شود؛ به این صورت که تصویر مومو به عنوان عکس پروفایل انتخاب شده و از طریق آن به کاربران مختلف پیام‌های نامتعارفی داده می‌شود که این پیام‌ها می‌تواند در راستای سرقت اطلاعات و وادار کردن کاربران ناآگاه به انجام اقداماتی مانند ارسال عکس‌های خصوصی یا وارد کردن شماره کارت بانکی و رمز آن باشد.

البته ادعای خودکشی کودکان و نوجوانان پس از دریافت پیام‌های مومو، نخستین بار در یک روزنامه آرژانتینی مطرح شد. این روزنامه مدعی بود یک دختر ۱۲ ساله پس از انجام چالش مومو خودکشی کرده است؛ اما تحقیقات پلیس مشخص کرد این نوجوان قربانی تعرض و تجاوز شده و هدف از ارتباط دادن چالش مومو به مرگ وی سرپوش گذاشتن بردلیل اصلی این جنایت بوده است. با توجه به آنچه بیان شد، مهم‌ترین تهدید چالش مومو را می‌توان ماهیت ناشناخته آن و قابلیت

ناشناس پیام «ببا با هم بازی کنیم» را دریافت می‌کنند، هر روز با چالش‌های مختلفی روبه‌رو شده و در نهایت به خودکشی دست خواهند زد.

این قبیل ادعاها اگر چه حساسیت افکار عمومی را برانگیخت؛ اما در عمل ادعاهای مطرح شده در رابطه با این چالش هیچ‌گاه مورد تأیید نهادهای رسمی قرار نگرفت؛ چرا که عمده اخبار منتشر شده در رابطه با این چالش تنها بخش کوچکی از دریای شایعات تولید شده درباره آن است. البته باید به این نکته اشاره کرد که از همان بدو مطرح شده این چالش در فضای رسانه‌ای غرب سرویس‌های امنیتی زیادی به دنبال ریشه‌یابی این چالش و کشف ماهیت واقعی آن بودند.

بر اساس این دست‌تحقیقات که یک نمونه آن را نشریه لو موند فرانسه به چاپ رسانده، این چالش و شایعات مربوط به آن اولین بار از آمریکای لاتین و کشور ونزوئلا سرچشمه گرفته‌اند.

بر این اساس چالش مومو اولین بار از سوی یک وایتر معروف ونزوئلایی که در حوزه تهیه کلیپ‌های ترسناک و مخاطب‌پسند فعالیت داشته، به فضای مجازی معرفی شده است. این وایتر در یک اقدام خلاقانه با بهره‌گیری از تصاویر یک عروسک ترسناک تهیه می‌کند، «momo» یک ویدئوی ترسناک تهیه می‌کند، از قضا این ویدئو با استقبال کاربران روبه‌رو

نوید کمالی

دبیر گروه رسانه



طی هفته گذشته کلید واژه «چالش مومو» و اخبار مرتبط با آن به یکی از پر بازدیدترین اخبار رسانه‌های کشورمان بدل شد؛ به گونه‌ای که حتی رسانه‌های رسمی کشورمان نیز برای جذب مخاطب بیشتر هر روز بخشی از خروجی خبری خود را به انتشار اخبار و گمانه‌زنی‌های گوناگون مربوط به این مسئله اختصاص داده‌اند، با وجود این هنوز بخش قابل توجهی از افکار عمومی کشورمان به‌ویژه والدین دانش‌آموزان، پاسخ‌پرست مهم خود، یعنی «چالش مومو چیست؟» را دریافت نکرده‌اند!

برای پاسخ به این پرسش در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که چالش مومو یک پدیده خاص و محدود به فضای مجازی کشورمان نیست و از دو سال قبل، یعنی تابستان سال ۲۰۱۸ این پدیده در سطح رسانه‌های جهان مطرح بوده است.

ماجرای مومو در کشورهای اروپایی از جایی شروع شد که رسانه‌های زرد این قاره در سلسله خبرها و گزارش‌هایی مدعی شدند، در پیام‌رسان واتس‌آپ یک چالش مرگبار رواج یافته و کاربرانی که از سوی یک شماره

بررسی راه‌های مقابله با پدیده‌های چون مومو در گفت‌وگو با یک پژوهشگر عرصه فناوری اطلاعات

واکسیناسیون با آموزش و آگاهی



۱- با توجه به اینکه بیشتر استفاده‌کنندگان از فضای مجازی کودکان و نوجوانان هستند، فرهنگ‌سازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است. بنابراین، اطلاع‌رسانی و آموزش نحوه استفاده صحیح از این فناوری می‌تواند مؤثر واقع شود؛ مانند ساخت و بخش فیلم و سریال‌هایی با موضوع فضای مجازی و مزایا و معایب آن (بیشتر در قالب انیمیشن‌های جذاب)؛ ۲- وضع قوانین سختگیرانه‌تر برای برخورد با مجرمان جرایم اینترنتی و اجرایی کردن این قوانین؛ ۳- تشویق به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و تقویت این‌گونه رفتارها از سوی والدین؛ ۴- گذراندن اوقات بیشتری با فرزندان در فضای بیرون از خانه؛ به طوری که فرزندان از نظر عاطفی، احساس خلأ نکنند و برای جبران این کمبود به فضای مجازی پناه نبرند.

تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. در مرحله بعدی می‌توان به کشش‌های جنسی این نسل اشاره کرد که خود عامل بسیار مهمی در ایجاد ارتباطات نامحدود در فضای مجازی است؛ از این رو اشخاصی با سلامت روانی ناسالم و هویت‌های جعلی می‌توانند به راحتی طعمه خود را شکار کرده و افسار احساسات وی را در دست بگیرند.

برای مقابله با آسیب‌های ناشی از فضای مجازی به‌ویژه در حوزه کودک و نوجوان چه باید کرد؟! بی‌تردید آسیب‌ها و تهدیدات فضای مجازی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی والدین است. از آنجایی که همیشه پیشگیری بهتر از درمان است، می‌توان به چند راهکار خیلی ساده ولی کارآمد برای مقابله با این معضل مهم اشاره کرد:

گفت‌وگویی داشتیم. وی در پاسخ به این پرسش که چرا کاربران نوجوان و جوان ما نسبت به آسیب‌های فضای مجازی آسیب‌پذیر هستند، گفت:

اینترنت و فضای مجازی همواره مانند چاقسوی دو لبه عمل کرده و جنبه‌های مثبت و منفی گوناگونی دارد که استفاده نادرست از آن می‌تواند نیروی پویا و کارآمد کشور به‌ویژه نوجوانان و جوانان را تهدید کند. تنهایی، افسردگی، اضطراب و عزت نفس پایین برخی از مشکلات احتمالی است که این نسل در استفاده بیش از حد از اینترنت و خاصه شبکه‌های اجتماعی با آن مواجه هستند. فضای مجازی نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از نوجوانان به وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی‌های فراوانی را سبب شده و به نحوی

| خبر خوب |

پایان کرونا

یک گام تا واکسن کووید ۱۹



دولت چین اعلام کرد نتایج اولیه آزمایش‌های بالینی واکسن کووید-۱۹ دانشمندان این کشور نتایج مطلوب و امیدوارکننده‌ای به همراه داشته است؛ به گونه‌ای که مستندات علمی آن نیز در نشریه «Lancet Infectious Disease» منتشر شده و امکان ارزیابی آن از سوی دانشمندان جهان وجود دارد. واکسن تولید شده به دست چینی‌ها در طول حداکثر ۲۸ روز می‌تواند بدن افراد ۱۹ تا ۵۹ ساله را از طریق تولید آنتی‌بادی‌های مناسب در مقابله با کرونا تقویت کند.

| پژواک |

اسلام فرانسوی

بهانه سرکوب مسلمانان



ماجرای به قتل رسیدن یک معلم تاریخ فرانسوی به دست یک جوان ۱۸ ساله چینی‌تبار، زمینه‌ساز شروع پروژه سرکوب مسلمانان در کشورهای اروپایی شده و مقامات فرانسوی با بهره‌برداری از وضعیت روانی ایجاد شده پس از این واقعه و انتصاب آن به جامعه مهاجران مسلمان، در تلاش برای در تعارض نشان دادن ارزش‌های اسلامی با جامعه غربی و هم‌رسانسازی افکار عمومی برای سرکوب مسلمانان هستند؛ فرانسه برای مهار اسلام‌گرایی و ایجاد انحراف در جامعه مسلمانان مقیم این کشور احتمالاً در سال‌های آتی شاهد رونمایی رسمی از نسخه تحریف شده اسلام در این کشور خواهیم بود.

| نرم افزار |

هواشناسی

رصد لحظه به لحظه آب و هوا



به دلیل کاهش دما و افزایش ناپایداری جوی در فصل سرد سال نیازمندی به دریافت اطلاعات هواشناسی بیش از هر زمانی افزایش می‌یابد، شما که از طریق تلفن همراه هوشمند خود می‌توانید به راحتی وضعیت آب و هوا در طول روزهای آتی را مشاهده کنید. «هواشناس ۴»، از جمله اپلیکیشن‌های ایرانی موفق در زمینه انتشار اطلاعات دقیق آب و هوایی است؛ چرا که این نرم‌افزار داده‌های خود را از ۱۸ منبع معتبر علمی هواشناسی دریافت کرده و پس از ترکیب آنها، نتیجه‌ای بسیار دقیق را به شما ارائه می‌دهد.

اتحاد در برابر دشمن

نگاهی به سریال ایلدا حماسه‌ای که سزاوار روایتی بی نقص بود

نسیم اسدپور

دبیر گروه فرهنگ



مدتی است که سریالی با نام «ایلدا» از شبکه اول سیما پخش می‌شود، سریالی که تلاش کرده است ایثارها و گذشت‌های مردم مرزنشین بخشی از خطه غرب کشور، یعنی ایلام را به تصویر بکشد؛ مردمی که در همه سال‌های دفاع مقدس با شجاعت از میهن اسلامی‌شان دفاع کردند و در این برهه تاریخی نیز مانند دیگر برهه‌ها خوش درخشیدند، اما متأسفانه با وجود تلاش عوامل تولید، نتیجه آن چنانکه باید رضایت‌بخش نبوده و همین سبب شده تا انتقادهای زیادی به این سریال وارد شود، که پارتیزان‌ها را از آنجا که هیچ مربوط به لباس، گویش و لهجه بازیگرانی بود که هیچ سختی‌ها و واقعیت‌های فرهنگی مردم مهران نداشتند. گفته می‌شود ماجرای ایلدا واقعی است، ماجرای اختلاف دو طایفه بزرگ ایلامی پیش از جنگ و کنار گذاشتن اختلافات و متحد شدن آنها در مقابل دشمن. به خودی خود و حتی در همین داستان یک خطی نیز ماجرا پر از شور و حماسه و افتخار است، بنابراین دست گذاشتن روی این موضوع نه تنها خوش سلیقه‌گی است و جای تقدیر دارد؛ بلکه حتی می‌توان گفت ضروری هم بوده است، ضروری از لحاظ دینی که این گونه طایفه‌ها و اقوام ایرانی برگردن تک‌تک مردم دارند؛ به ویژه قبایلی که مرزنشین بوده و قطعاً در مواجهه با جنگ سختی‌های بسیاری متحمل شده‌اند. اما آنچه مسلم است، روایت «اما قویلد» از این اتفاق تاریخی آنچنان که شایسته شور و حماسی بودن آن است، از کار در نیامده؛ برخی از منتقدان به این موضوع اشاره داشتند که فیلمنامه خوب، اما ساخت ضعیف بوده است، این در حالی است که می‌توان به صراحت گفت فیلمنامه نیز در بسیاری

بخش‌ها ضعفی جدی داشته است. برای نمونه، پیش از جنگ داستانی عاشقانه میان سه جوان رخ می‌دهد، این جریان عاشقانه باعث می‌شود تا دو بازیگر اصلی قسمت‌های ابتدایی کشته شوند. در واقع نویسنده با مرگ‌های پی در پی که در قسمت‌های میانی سریال رقم می‌زند، عملاً رغبت بیننده برای دنبال کردن فیلم را از بین می‌برد. در این میان شخصیتی محوری را باقی نمی‌گذارد تا به هوای او هم که شده جریان جنگ و حمله دشمن را دنبال کنیم، در حقیقت مخاطب با مرگ‌های فراوانی روبه‌رو است که پیش از شروع جنگ در میان دو طایفه اتفاق افتاده است. با زبانی ساده می‌توان گفت، فیلمنامه از نداشتن یک شخصیت محوری یا چند شخصیت محوری جذاب رنج می‌برد، شاید توجیه این باشد که یک واقعه در این میان موضوعیت دارد نه اشخاص، بلکه شرط آنکه به آن واقعه نیز به خوبی پرداخته شده باشد. نه اینکه داستان به گونه‌ای جلو برود که

در بخش‌های دفاع مقدس آن عملاً مخاطبان ریزشی جدی پیدا کرده باشند. و اما کارگردانی فیلم؛ «اما قویلد» کارگردان به نسبت موفق و دارای مهارتی است؛ اما پیش از حد در این سریال از هلی‌شات‌های پی در پی و بدون ضرورت استفاده کرده است. در هر حال سریال ایلدا با وجود تعهد و ابتکار در انتخاب موضوع و سوزش‌اش نتوانست آن طور که باید و شاید موفق باشد، و آنچه بیش از همه ضعف در سریال به شمار می‌آید، همان تناقض بین واقعیت زبان و گویش و لباس مردم ایلام با آن چیزی است که در سریال شاهدش بودیم، حتی بسیاری بر این موضوع انتقاد کردند که چرا در طبیعت همان سرزمین، فیلمبرداری نشده است. بسیاری از انتقادهای وارد بر فیلم درست است، می‌توان پذیرفت که برآیند سریال قابل قبول نبوده است، اما متأسفانه مدتی است که باب شده است وقتی درباره یک قوم و قبیله خاص ایرانی سریالی ساخته می‌شود، اگر آن سریال به نسبت موفق

نباشد، برخی فقط به انتقاد بسنده نکرده و موضوعات دیگری از جمله لغو و توقف پخش را خواستار می‌شوند یا از واقعیت نداشتن بسیاری از بخش‌ها گلایه می‌کنند. پیش از این باید بدانیم که قرار نیست وقتی ماجرای واقعی به یک فیلم تبدیل می‌شود، تمام بخش‌های عین همان واقعیت باشند، از طرفی برای چنین پروژه‌ای با همه ضعف‌هایش زحمت و هزینه زیادی صرف شده، به قبیله و قومی هم توهین نشده است، فقط پروژه از نبود کارشناسان خوب رنج می‌برد که آن را نسبتاً ضعیف کرده؛ اما این دلیل نمی‌شود که به محض آنکه با کاری نه چندان قوی و حتی با ضعف‌های زیاد روبه‌رو می‌شویم، سعه صدر خود را از دست داده و زحمت‌های چند ماهه یک گروه را نادیده بگیریم، بلکه باید تلاش کرد تا در فرصت‌های بعدی ضعف‌ها را جلدی‌تر گرفت و خواستار حضور کارشناسان آشنا با منطقه بومی مورد نظر در کنار گروه شد.



یادداشت

تسخیر انسان به دست شکارچیان انسان!

آرش فهیم

منتقد سینما



انسان‌های اولیه که در دوران ماقبل تاریخ می‌زیستند، نقاشی‌های زیبا و حیرت‌انگیزی را بر دیواره غارها از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ اما هدف انسان عصر حجر از طراحی این نقوش، انجام کار هنری نبود؛ بلکه طراحی تصویر حیواناتی چون گاو و بز و اسب و تسخیر و تسلط بر این جانوران بود. انسان در آن دوران تصور می‌کرد که با ترسیم تصویر هر حیوانی، بهتر و ساده‌تر می‌تواند آن را شکار کند.

اما این رفتار انسان‌های اولیه به انسان مدرن هم منتقل شده است؛ با این تفاوت که این بار، تسخیر شکار فقط یک توهم نیست و واقعیت دارد و خود انسان است که به وسیله شکارچیان انسان شکار می‌شود و جای غار را دالان‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی گرفته‌اند!

«مومو» تازه‌ترین دستاورد شکارچیان انسان برای به دام انداختن او در تارهای در هم تنیده فضای مجازی است! چیزی شبیه به آنچه چند سال پیش در همین فضا با عنوان «نهنگ آبی» رواج داشت. این بار نیز فرزندان آدم بسا پدیده‌ای به ظاهر سرگرم‌کننده و بازی‌طور مواجه هستند؛ البته این بار جای نهنگ را یک عروسک زشت گرفته است!

هر چند حرف و حدیث‌هایی که درباره آسیب زنده بودن این چالش مینی بر خودکشی و آسیب دیدن کاربران منتشر شده بیشتر شایعه است تا واقعیت، اما یک نکته را نباید از یاد برد و همواره در مواجهه با چنین چالش‌هایی باید مدنظر قرار داد؛ حدود دو سال قبل فاش شد که «مارک زاکربک» مالک فیس‌بوک و شبکه‌های اجتماعی وابسته به آن نظیر اینستاگرام، توییتر و واتس‌آپ، با فروش اطلاعات کاربران این شبکه‌های اجتماعی، به موفقیت ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری قبلی آمریکا کمک شایانی کرده بود. این اطلاعات نیز از طریق یک چالش سرگرم‌کننده و ساده از کاربران دریافت شده بودند. اگر چه چالش مومو در ایران چندان شایع نیست و شاید درباره خطرهای آن هم اغراق شده باشد، اما این پدیده در واقع چالش جدیدی برای سواد رسانه‌ای هموطنانمان است. هشدار نسبت به این گونه بازی‌های اینترنتی هیچ فایده‌ای هم که نداشته باشد، مباحثی را مطرح می‌کند که موجب افزایش آگاهی شهروندان درباره ماهیت و کارکرد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌شود. امروز نمی‌توان به طور مطلق از مردم خواست تا از این فضا استفاده نکنند، اما اگر آگاهی انسان درباره مزایا و معایب هر وسیله‌ای بیشتر باشد، به طور طبیعی استفاده سودمندتری از وسایل خواهد کرد و کمتر آسیب می‌بیند. یکی از شاخصه‌های سواد رسانه‌ای نیز این است که مردم، چالش‌های فضای مجازی را یک بازی تصور نکنند؛ بلکه آنها را به چشم طعمه‌هایی از سوی شکارچیان فضای مجازی ببینند.

کاربرانی که سواد و آگاهی رسانه‌ای ندارند و مجذوب هر طعمه‌ای که می‌بینند می‌شوند، خیلی زود فکر و روح‌شان در این تارها گیر می‌کند و تسخیر می‌شوند! انسان‌هایی که اندیشه و روان‌شان تسخیر شده، به راحتی از طریق شکارچیان انسان-که مدیریت شبکه‌های اجتماعی را به عهده دارند- شکار خواهند شد!

برداشت

وقتی حمایت واجب است

نگاهی به حال ناخوش نشر کودک

شاهرخ صالحی

روزنامه‌نگار



هر روز قیمت کاغذ بالا می‌رود و در مقابل، شمارگان چاپ کتاب کاهش می‌یابد. کتاب‌های کودک و نوجوان هم در این میان وضعیت بدتری دارند. آن گونه که نویسندگان کتاب‌های کودک می‌گویند دیگر خبری از تیراژهای چند هزار تایی نیست و شمارگان این کتاب‌ها به ۳۰۰ نسخه کاهش یافته است؛ اما نتیجه این مسیر چیست؟

قیمت کاغذ در چهار سال گذشته هر روز در حال افزایش بوده؛ در یک سال گذشته هم که قیمت‌ها نجومی شده است. این موضوع، اگر چه از مطبوعات گرفته تا صنایع بسته‌بندی همه را دچار مشکل کرده، اما بیش از همه، چاپ کتاب‌ها را دچار بحران کرده و در این میان، کتاب‌های کودک و نوجوان که بیش از همه تصویرگری داشته و بر روی کاغذهای گلاسه یا با کیفیت بهتر منتشر می‌شود، با مشکلات بیشتری روبه‌رو شدند. برای نمونه، برخی از کتاب‌های کودک که در روزهای اخیر منتشر شده، به بیش از ۱۰۰ هزار تومان رسیده

است. وقتی قیمت کتاب بالا می‌رود، با توجه به اوضاع اقتصادی، خریداران کتاب هم بسیار کم شده و کل جریان فرهنگی کتاب‌های کودک و نوجوان با اخلاص مواجه می‌شود. وقتی شمارگان کتاب کاهش می‌یابد، فروش آن هم کاهش می‌یابد و به طور مستقیم، سهم نویسندگان و تصویرگران هم روز به روز کمتر می‌شود. بدون شک، اگر روند فعلی در حوزه کتاب کودک ادامه داشته باشد، در مدتی کوتاه، دیگر چیزی از کتاب‌های کودک باقی نمی‌ماند، این در حالی است که کودکان به کتاب‌های خوب

نیاز دارند و کتاب خوب، وقتی منتشر می‌شود که نویسندگان خوب و تصویرگران با انگیزه، و ناشران قوی، پای کار آن باشند. شاید بهترین کار برای حمایت از کتاب کودک، ورود جریان‌های فرهنگی به این حوزه باشد. نهادهای بسیاری در کشور خود را متولی حوزه کودک می‌دانند و در این شرایط، یکی از اقدامات مؤثری که نیاز است در کوتاه‌مدت و شاید بلندمدت صورت گیرد، حمایت از جریان تولید کتاب کودک است. از بسته‌های حمایت تهیه کاغذ گرفته، تا اعطای یارانه به ناشران و سفارش کتاب به نویسندگان و تصویرگران.

رمان

اِلنا

همراه با سفیر پیامبر اسلام (ص)



رمان «اِلنا» در بستر اشاره به سفر «دحیه کلبی» سفیر ویژه پیامبر اسلام (ص) به روم اتفاق می‌افتد. دحیه بن خلیفه کلبی، معروف به دحیه کلبی، صحابی پیامبر اکرم (ص) است. وی پیش از جنگ بدر اسلام آورد و در جنگ احد و نبرد‌های پس از آن حضور داشت. وی صورت زیبایی داشت و در برخی نقل‌ها آمده است که جبرئیل گاهی به صورت او بر پیامبر (ص) ظاهر می‌شد. «رضنا وحید» این بار فضای تاریخی صدر اسلام و جامعه روم و عربستان را برای روایتی عاشقانه برگزیده است که تباین ملموس فرهنگها، جداییبیت داستان را دوچندان کرده است.

کتاب

غبار صحرا

روایت وقایع ترکمن صحرا



انتشارات سوره مهر کتاب «غبار صحرا» را منتشر کرد. این اثر که به کوشش حوزه هنری استان گلستان تدوین شده و کار نگارش آن را «احمد خواجه‌زاد» برعهده داشته است، وقایع ترکمن صحرا در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب را روایت می‌کند. نویسنده در این اثر قصد تحلیل وقایع را ندارد و صرفاً بر پایه تاریخ شفاهی آنچه در غانله گنبد رخ داده را روایت می‌کند، متمرکز می‌شود. نویسنده مباحث کتاب را با پرداختن به تاریخ ترکمن صحرا از دوره صفویه آغاز می‌کند و به موضوع اصلی می‌رسد. در این کتاب اسناد مربوط به وقایع ارائه شده است.

فیلم

مارپیچ

سفر به تهران قدیم



فیلم سینمایی «مارپیچ» به نویسندگی «حسن مشکلاتی» و کارگردانی «سعید جلیلی» کلید خورد. در خلاصه داستان این اثر که تمامی لوکیشن‌هایش در بازارچه شاهپور تهران است، آمده: «مردی در میان‌سال‌ی همچنان از عواقب رفتارهای بد خود متنبه نگردیده و همواره بنا به دلایلی مشکلاتی را برای خود و خانواده به وجود می‌آورد و در این رهگذر با معضل بزرگی روبه‌رو می‌گردد که برای اثبات آن به دردمس‌های گوناگونی گرفتار می‌گردد». حمید لولایی، عنایت بخشی، فریبا متخص، رامین راستاد، فخرالدین صدیق شریف در این فیلم نقش ایفا می‌کنند.

یادداشت

قصه نگوییم
تا مردم بخوابند!میثم
رشیدی مهرآبادی

دبیر گروه دفاع مقدس



اگر دفاع مقدس می تواند روایت‌هایی را به نسل امروز و به مردم ارائه کند که آنها را در این بمباران اخبار و اطلاعات درست و غلط تقویت کند، طبیعی است رسانه‌های جبهه مقابل انقلاب هم تمام تلاش خود را می‌کنند تا واقعیت‌های این هشت سال را با ارائه روایت‌هایی نادرست، تحریف کنند. همین چندوقت پیش شبکه معاند «بی‌بی‌سی» بر اساس گزیده‌هایی از صوت بی‌سیم‌ها در زمان جنگ مستندی را تولید کرد که تلاش می‌کرد روایت‌سازی کند. ما یک زمان با «تحریف روایت» مواجه هستیم و یک زمان با «روایت‌سازی»؛ هر دوی این گزینه‌ها تلاش می‌کنند روایتی به جز حقیقت را در ذهن مردم شکل بدهند. «روایت‌سازی» رسانه‌های دشمن، زمانی اتفاق می‌افتد که ما درباره رویدادهای زمان جنگ، «روایت صحیح» را ارائه نکنیم. در موضوع دفاع مقدس بیش از سه هزار عنوان موضوع داریم که قابلیت روایت دارد؛ اما همه موضوعاتی که در تمام این سال‌ها دستگاه‌های فرهنگی ما تولید کرده‌اند، در نهایت ده تا بیست درصد از این عناوین را پوشش داده است. انبوهی از اقدامات نشده وجود دارد که ما اگر برای پیشرو بودن در ارائه روایت دست اول به سمت آن نرویم، قطعاً در جنگ روایت‌ها با مشکلات عدیده روبرو می‌شویم و روایت‌های مغرضانه از سوی دستگاه رسانه‌ای دشمن، در این موضوعات به برتری می‌رسد. در حال حاضر، دشمن تلاش می‌کند این باسور را ایجاد کند که در زمان نکرده و به کشور ایران آسیب زده است. باید بگوییم فقط در موضوع جنگ هشت ساله، با افتخار می‌توان گفت انقلاب نگذاشت یک وجب از خاک کشور جدا شود. دشمن تلاش می‌کند اینطور جان بیندازد که کشور ما وقتی به مشکلات جدی برمی‌خورد، مستأصل می‌شود؛ ما باید با اشاره به مدل مقاومت و دفاع هشت ساله، این روایت را جایگزین کنیم که در مواجهه با مشکلات کاملاً پویا و قوی هستیم. دشمن بر روی این موضوع تمرکز کرده که به مردم القا کند در بدترین وضعیت اقتصادی هستیم و دیگر آمیدی به بهبود نیست؛ اما ما باید نشان دهیم که در زمان جنگ وضعیت بسیار سخت‌تری را پشت سر گذاشتیم و راه برورفتن آن نیز نسخه‌ای است که در آن زمان با تکیه بر توان داخلی و باور نسبت به خود اجرا کردیم. ما قصه نمی‌گوییم که مردم بخوابند؛ ما روایت‌هایی را می‌گوییم که مردم بیدار شوند. در روایت‌پردازی از دفاع مقدس، باید بر چنین مفاهیمی تمرکز کنیم؛ مفهومی‌هایی که انگاره‌های شناختی را شکل می‌دهد و بین جبهه حق و باطل بر سر آن نزاع وجود دارد؛ یعنی مفهومی‌هایی که جنگ امروز حول آن شکل می‌گیرد و در واقع در ذهن مردم به شکل‌گیری آبروایت‌هایی حول ایستادگی، خودباوری و مفاهیم کلیدی مشابه آن می‌انجامد. دفاع مقدس مانند گنجینه‌ای است که می‌توانیم از روایت ابعاد گوناگون آن، برای کمک به رد شدن از وضعیت امروز استفاده کنیم؛ چون امروز در عرصه ذهن‌ها و روایت‌ها در یک جنگ تمام‌عیار قرار داریم. در جنگ روایت‌ها باید محل منازعه را یافته و روایت متناسب با آن را پیدا کنیم.

طنان خدابخش

خواهرزاده شهید



در روزگاری که دل‌مشغولی‌های دنیا اسیرمان کرده است، یکی از راه‌ها، نفس کشیدن در خانه‌هایی است که بوی شهدا را به مشام می‌رساند. منزل شهید سیدامیر صدیقی یکی دیگر از خانه‌های ستاره‌دار است که ما را مهمان آسمان می‌کند. مادر شهید توان نگه‌داشتن قاب عکس هم ندارد، اما چادر کنار قاب عکس شهید، آخرین تلاش مادر را در زنده نگه داشتن یاد فرزندش نشان می‌دهد. صدایش می‌لرزد. گاهی می‌گوید نمی‌خواهم بگویم، نمی‌توانم... اما باز می‌گوید تا من و تو بدانیم مادران هنوز چه می‌کشند.



♦ یادآوری اولین‌ها

اولین بچه‌ام بود. آذر ماه سال ۱۳۴۰ به دنیا آمد. «امیر» مظلوم، خجالتی و باحیا بود. با برادر شوهرم توی یک خانه می‌نشستیم. امیر بزرگ‌تر که شد، وقتی می‌خواست با زعمویش حرف بزند، از خجالت صورتش سرخ می‌شد. اگر جایی می‌رفتیم و حجاب خانم‌ها مناسب نبود، ناراحت می‌شد. او حتی نماز صبح را هم اول وقت می‌خواند. برای اقامه نماز جماعت به مسجد می‌رفت. بچه مسئولیت‌پذیری بود. کارهایش را به بهترین وجه انجام می‌داد. احترام ما را نگه می‌داشت. کاری نمی‌کرد که از دستش ناراحت شوم. سر کار می‌رفت؛ از بچگی کنار پدرش خیاطی می‌کرد. پول که در می‌آورد پدرش می‌گفت برای خودت جمع کن.

♦ خانواده فعال انقلابی

همسر من از همان سال‌های اول، فعالیت انقلابی داشت. من سال ۱۳۴۶ فرزند دیگرم اصغر را به دنیا آورده بودم که یکباره ساواکی‌ها داخل خانه ریختند. گفتم: «لطفاً با چکمه وارد نشوید!» آنها همسر را بردند. امیر از نوجوانی فعالیت‌های انقلابی را همراه خانواده شروع کرد. ما داخل خانه دستگاه چاپ برای اعلامیه‌ها داشتیم. اعلامیه‌ها را گاهی بین نان و گاهی توی جای روغن جابه‌جا می‌کردیم. سال ۱۳۵۶ از مسجد حضرت ابوالفضل (ع) در خیابان رباط کریم بیرون آمدیم. من با چشم خود دیدم به دستان امیر دستبند زده بودند و سوار ماشین کردند. رفتم چندبار زدم روی ماشین. گفتم: آقا بچه من رو کجا می‌برید؟ گفت: چند ماه در زندان بود. با پدرش

به ملاقات رفتیم. گفت: امیر را دیدی گریه نکن. امیر آمد. گفتم: مامان چی شده، چرا صورتت قرمزه؟ گفت: اینجا زیاد گرمه. حالا نگو جای ضربات سیلی بود. امیر تا زمانی که شهید شد همیشه از یک چشمش آب می‌آمد و با دستمال خشک می‌کرد.

♦ جبهه را ترجیح داد

امیر بچه باهوشی بود. زیاد درس نمی‌خواند و زود حفظ می‌شد. سال ۱۳۵۸ دیپلم ریاضی گرفت. دانشگاه هم رشته ریاضی فیزیک قبول شد و رتبه خوبی آورد. سال ۱۳۵۹ می‌توانست از معافیت تحصیلی استفاده کند، ولی با شروع جنگ تحصیلی ترجیح داد به سربازی برود.

♦ دوست داشت ازدواج کند

می‌گفت: همسر آینده‌ام باید باحجاب و باحیا باشد. یک بار با هم دیدار امام (ره) رفتیم، امیر دست امام را بوسید. گفتم امیر جان اینجا دخترهای خوب هستند، همانطور که خودت دوست داری. دوست داشت ازدواج کند، حتی برای خودش فرش، قالیچه و تلویزیون هم خریده بود. قبل از رفتن خانه‌ای رویه‌روی خانه‌مان در نظر گرفتیم تا طبقه بالا امیر بنشیند و پایین، ما. بنگاهی مرتب می‌گفت که چه شد؟ چرا نمی‌آید؟ هر بار می‌گفتم: پسرم جبهه است.

♦ حج جبهه

۱۵ روز مانده بود سربازی‌اش تمام شود که از بازوی چپ مجروح شد. گوشت دستش رفته بود ناچار شدند از پایش بردارند و آنجا را تمیم کنند. یک‌سال می‌شد که در یکی از نهادهای انقلابی مشغول به کار شده بود. پیشنهاد دادند حج برود. قبول نکرد

پای دل‌گویه‌های مادر بسیجی شهید سیدامیر صدیقی

عاشق زندگی، در انتظار شهادت

بخشی از آن نوشته بود: خیلی دلم می‌خواهد آنچه در قلبم هست روی کاغذ بیاورم، ولی نه قلبم آن توانایی را دارد و نه فرصت هست، چون قرار است تا چند ساعت دیگر برای عملیات بروم. همیشه پیش خودم فکر می‌کنم خداوند چقدر به ملت ما لطف کرده که امام خمینی (ره) را رهبر و پیشوای جامعه ما و امت ما را وسیله شناساندن اسلام عزیز در همه جهان قرار داده. نعمت دیگر وجود مبارک امام خمینی (ره) است که ما هیچ موقع نمی‌توانیم شکر گزار آن باشیم...

از الطاف دیگر خداوند به ملت ما این جنگ است. جنگی که برای ما سراسر رحمت بوده است. جنگی که ملت قهرمان ما را آبدیده‌تر کرد. جنگی که توفیق جهاد واقعی را در راه خدا به ما داد. وقتی می‌گویند جبهه دانشگاه است این یک واقعیتی است که ما تا در آن نباشیم به حق بودن آن پی نمی‌بریم؛ زیرا جبهه‌ها سراسر معنویت است... در جبهه تمام ارزش‌های مادی، به ضد ارزش تبدیل می‌شود. ملاک برتری نه مقام است، نه موقعیت و نه مال است و نه هیچ چیز دیگر. ملاک تنها تقوی و اخلاص و ایمان به الله و صبر و استقامت در راه او و تمام ارزش‌های الهی دیگر است. جبهه را می‌توان مدینه فاضله‌ای نامید که هر کسی نمی‌تواند داخل این شهر شود مگر اینکه خود را خالص کند. در جبهه، من و ما نداریم، هر چه هست «او» است و این مسئله موقعی متبلور می‌شود و واقعیت می‌یابد که این بچه‌ها به هدف و آرزوی‌شان می‌رسند. هدفی که خیلی خیلی مقدس است و آن فنا شدن در وجود مطلق الله است.

و گفت به جایش مرخصی بدهید تا جبهه بروم. در نیمه دوم مهر ۱۳۶۲ از طریق پایگاه ابوذر تهران به عنوان بسیجی از لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) به منطقه غرب رفت. او دفعه آخر، وصیتنامه‌اش را هم نوشته بود. امیر و اصغر هر دو جبهه بودند؛ اصغر کردستان و امیر در خاک عراق. بعد از عملیات والفجر ۴ دیگر کسی از امیر خبری نداشت. آن ایام دلشوره داشتیم. کمی خوابم برد. صدای سید امیر را به وضوح شنیدم که می‌گفت: مامان کجایی؟... بیدار شدم. صدا زدم، امیر کجایی، امیر کجایی؟ تازه متوجه شدم خواب بودم. عصر همان روز در زند. مرد جوانی گفت: مادر آقا سیدامیر شما پیدا؟ گفتم: بله. گفت: امیر به اسارت عراقی‌ها درآمده است. باور نکردم. در واقع امیر من ۱۳ آبان ۱۳۶۲ شهید شده بود. بالاخره ۵۲ روز بعد با گزارش یکی از دوستانش پیکر امیر و ۹ نفر دیگر بازگشت و در قطعه ۲۴ ردیف ۳۱ شماره ۲۶ به خاک سپرده شد.

♦ حرف آخر

دعا می‌کنم این وضعیت کرونا زودتر از دنیا برود و ایران سرریزند باشد. رهبرمان که از همه چیز بالاتر هست سلامت باشد. همه مسلمانان جهان، گوش به فرمان رهبر باشند. آن موقع که انقلاب بوده و راه‌پیمایی می‌رفتیم، می‌گفتم خدا کند پرچم ایران در دنیا بلند بشود که الآن شده. ان‌شاءالله قبله اول مسلمانان آزاد شود، حالا من هم زرقتم شماها بروید و در آنجا نماز بخوانید.

♦ آخرین نامه

آخرین نامه امیر که دو روز قبل از شهادت نوشته بود، در لباسش پیدا شد. جملات زیبایی داشت. در

| قاب |

دل‌تنگی برای حمزه

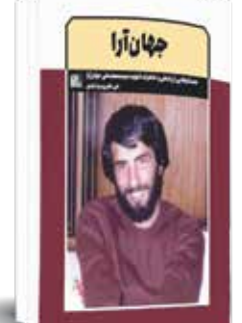
«حمزه» را دیر به دیر می‌دید. بعد از اشغال خرمشهر، معرفی شد برای فرماندهی سپاه اهواز. یا آنجا بود یا پیگیر کارهای آبادان که حالا در محاصره بود. خانواده‌اش تهران بودند و خودش خوزستان. این بار می‌خواست ۱۰ روز به تهران برود. می‌خواست یک دل سیر پسرش را ببیند. می‌خواست موقع به دنیا آمدن فرزند دوم، کنار همسرش باشد؛ اما...



| تازه‌ها |

ممد نبودی ببینی

«سیدمحمدعلی جهان‌آرا» فرمانده سپاه خرمشهر و اهواز اگر چه در بین ما ایرانی‌ها بیشتر از برخی فرماندهان و مسئولان کشور شناخته شده است؛ اما آشنایی با او در حد نام و جایگاهش باقی مانده است. نوای «ممد نبودی» با صدای غلام کویتی پور نام این فرمانده دلیر را بر سر زبان‌ها انداخت، اما بسیاری از ویژگی‌های فردی و اخلاقی او زیر سایه نامش پنهان شد. این روزها کتابی با نام «جهان‌آرا» به قلم «علی اکبری مزداآبادی» از سوی انتشارات یازهر (س) منتشر شده است که حاوی تحقیق خوبی از شخصیت و ویژگی‌های این شهید از زبان هم‌زمان و به ویژه همسر اوست. این کتاب ۳۱۲ صفحه‌ای فقط ۲۵۰۰۰ تومان قیمت دارد.



| خاطره |

اشنو و دیگر هیچ

بیش از هفتاد درصد عراقی‌ها سیگاری بودند و سهمیه سیگار وینستون، اشنو و بهمن داشتند. اشنو را که یک سیگار قدیمی و ساخت ایران بود، به خاطر نیکوتین زیاد و نزدیکی طعمش با سیگارهای عراقی به هر مارک دیگری ترجیح می‌دادند. بازها اتفاق می‌افتاد که برای تنبیه، سهمیه سیگار بعضی‌ها را که مرتکب تخلفی می‌شدند، موقتاً قطع می‌کردیم. قطع سهمیه سیگار، برای خیلی از اسرا سخت‌تر از نخوردن غذا بود؛ سهمیه توتون هم داشتند که با کاغذ مخصوصی، سیگار را می‌پیچیدند. ساخت چوب سیگار با طول و عرض و نقش و نگارهای متفاوت، سرگرمی عده‌ای بود. سعدون روزانه بیش از دو پاکت سیگار می‌کشید. برای تأمین این تعداد سیگار، دست به دامن همه حتی کادری‌ها و سربازان ایرانی می‌شد. حتی شنیدم که سهمیه کاغذ نامه‌اش را با سیگار عوض می‌کرد. کاغذ نامه برای اسرا، خیلی اهمیت داشت....

روایتی از ناصر صارمی، سرباز اردوگاه اسرای عراقی در حوالی سمنان



تقدیر از آثار برتر دفاع مقدس

اولین جایزه دو سالانه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با هدف معرفی آثار پژوهشی برتر حوزه دفاع مقدس و مقاومت با مدیریت مرکز تحقیقات و اسناد دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی برای دوره سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ برگزار خواهد شد. این جایزه وارد مرحله دوم اجرا خواهد شده است. حسن علایی فعال، دبیر این جایزه دو سالانه با بیان اینکه این جایزه با گرایش کتاب‌های منتشر شده رساله‌های دکتری برگزار می‌شود، گفت: «در این رویداد فرهنگی در کنار ارزیابی و انتخاب کتاب‌های برتر پژوهشی دفاع مقدس و مقاومت و همچنین رساله‌های دکتری بنا داریم تا چند کار ویژه هم انجام دهیم؛ در این

رویداد قرار است از چهره‌های برتر پژوهشی، مراکز و همچنین ناشران برتر پژوهشی در حوزه دفاع مقدس در چهل سال گذشته تجلیل به عمل آید و پژوهشگران فعال و همچنین از پژوهش‌های منحصربه‌فرد هم تجلیل خواهند شد.» البته علایی مراکز پژوهشی و ناشران فعال این حوزه را هم جزء گروه‌های تحت بررسی برای تجلیل در این جایزه اعلام کرد. اما مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس این جایزه را بستری برای تکمیل فعالیت‌های خود کرده و گویا فهرستی از موضوعات با قابلیت پژوهش از سوی این مرکز در این دو سالانه اعلام خواهد شد که بستر فعالیت و مسیر حرکت را برای دو سالانه دوم این جایزه فراهم خواهد کرد.

گزارشی از کم و کیف رزمایش پدافند هوایی آسمان ولایت ۹۹

پدافند بومی و غافلگیرانه برای دشمن



علیر ضاجلیان

دبیر گروه سپاه

مسلم مبتنی بر تئوری بازی جنگ اقدام به نام‌ریزی رزمایش‌های تخصصی یا ترکیبی می‌کند و بازرسان و ناظران این قرارگاه همه روند اجرای رزمایش را نظارت و رده‌های شرکت‌کننده در رزمایش بر اساس امتیازات دریافتی در هر مرحله و مجموع امتیازات نمره خود را دریافت می‌کنند. تریبوری و تحرک، فریب، رعایت اصول پدافند غیرعامل، کیفیت اجرای مأموریت، رسیدن به اهداف تعیین شده، آزمایش سامانه‌های جدید رزمی، ایمنی و... از شاخصه‌های مهم برای این ارزیابی هاست. در رزمایش مشترک تخصصی پدافند هوایی مدافعان آسمان ولایت ۹۹ نیز تمامی این موارد انجام شد. این رزمایش با اعلام رمز یا رسول‌الله (ص) با گسترش و استقرار سامانه‌های بومی موشکی، راداری، اطلاعات شناسایی، جنگ الکترونیک، سامانه‌های ارتباطی و شبکه دیده‌بانی بصری ارتش و سپاه آغاز شد. امیر سرتیپ دوم عباس فرج‌پور، سخنگوی رزمایش مشترک تخصصی مدافعان آسمان ولایت ۹۹ در خصوص این مرحله، گفت: «گسترش و استقرار سامانه‌های پدافندی اعم از سامانه‌های موشکی، راداری و پدافندی با تأکید بر قابلیت جابه‌جایی و واکنش سریع نیروهای عملیاتی و همچنین رعایت اصول پدافند غیرعامل برای فریب دشمن انجام شد و در مرحله بعد برقراری ارتباط امن و چند لایه میان سامانه‌های پدافندی با شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور برای اتخاذ تصمیم متناسب با تهدید صورت گرفته است.» یکی از اصول مهم در حوزه پدافند هوایی در کشور اتصال سامانه‌های شناسایی و انهدام به شبکه یکپارچه پدافند هوایی است. بر این اساس چون برخی سامانه‌های پدافندی

مبتنی بر شرایط به صورت دائمی استقرار ندارند و عملیاتی نیستند، باید در نقطه‌های مهندسی شده در جای جای کشور مستقر شوند و لذا سرعت استقرار و همچنین سرعت اتصال به فرماندهی کنترل در قالب شبکه یکپارچه پدافند هوایی یکی از شاخصه‌های مهم امتیازدهی به یگان‌های درگیر در رزمایش است. اما یکی از شاخصه‌های اصلی پدافند هوایی در کشور وجود فرماندهی مرکزی این امر در قالب قرارگاه پدافند هوایی کشور است و در این راستا کلیه تجهیزات راداری و شناسایی و نیز دفاع هوایی اعم از سامانه‌های پدافند هوایی و نیز هواگردهای مربوطه تحت فرماندهی شبکه یکپارچه پدافند و قرارگاه پدافند هوایی کشور عمل می‌کنند و در قالب رزمایش نیز باید عملیات مشترک منطقه‌ای در صحنه واقعی جنگ و مقابله با تهدیدات هوایی را تحت نظارت قرارگاه پدافند هوایی به انجام برسانند. استقرار سامانه‌های فرماندهی و کنترل تاکتیکی فکور و عاشورا، سامانه‌های راداری بومی مراقب، فتح-۲، بشیر، سامانه‌های تاکتیکی اطلاعات و شناسایی، سامانه‌های الکترواپتیکی، سامانه‌های جنگ الکترونیک و شبکه دیده‌بانی بصری نیروی پدافند هوایی ارتش در این بخش رزمایش انجام شده است. اما این رزمایش در واقع عبور از سامانه‌های قدیمی و ورود سامانه‌های جدید بومی پدافند هوایی به عرصه عملیاتی است. در این رزمایش نسل جدید تسلیحات و تجهیزات تماماً بومی با فرض اینکه سامانه‌های قدیمی از رده خارج و این سامانه‌ها وارد مرحله عملیاتی شده‌اند، تمرین و پدافند هوایی کشور بعد از اجرای این رزمایش با به کارگیری این سامانه‌ها از روز دیگر بومی تر است.

رضویون در مقابل اوباش

هفته گذشته بود که خبر شهادت بسیجی ناهی از منکر، شهید محمدی به سرعت نقل رسانه‌ها شد و جدای از برخی بی‌شرمی‌های رسانه‌ها در کوچک شمردن عمل این پدر شجاع در حفاظت از ناموس مردم، به نظر می‌رسد چنین اموری ناشی از جولان اراذل و اوباش در شهرها بوده است. بر همین اساس، طرح‌های مقابله با این افراد که اقدام به شرارت در سطح شهر می‌کردند، شروع شد. در این راستا نیروی انتظامی مأمور اصلی برخورد با این شرارت‌ها و جمع‌آوری کانون‌های اصلی و عاملان آنها شده است. نیروی انتظامی در قالب طرح‌های ضربتی این کار را شروع کرد و از طرفی به دلیل گستردگی پهنه پایتخت و نیز معضل حاشیه‌نشینی که بخشی از این شرارت‌ها معلول



از ویژگی‌های مهم این رزمایش هم بومی بودن تمام سامانه‌های کشف، شناسایی، رهگیری و درگیری است که این سامانه‌ها از طریق یگان‌های ارتش و سپاه به کار گرفته می‌شود. اما این رزمایش محل تست گرم جدیدترین سامانه‌های تولیدی حوزه پدافند هم هست. با توجه به ملاحظات امنیتی تعدادی از این سامانه‌ها که برای اولین بار در قالب این رزمایش آزمایش شدند، محرمانه باقی می‌ماند و قرار است در آینده نزدیک به مرور از این سامانه‌ها و تجهیزات رونمایی شود. در وضعیت کرونایی هم نظارت و پایش سلامت شرکت‌کنندگان در رزمایش اهمیت پیدا می‌کند. بر این اساس بهداری‌های یگان‌های شرکت‌کننده رکن مهم این رزمایش به شمار می‌آیند که نظارت بر اجرای فاصله‌گذاری و دستور العمل‌های بهداشتی داشته باشند. انتقال تجربه و تمرین صحنه واقعی نبرد برای نیروهای حاضر و ترکیب قدرت سپاه و ارتش از وجوه مهم چنین رزمایش‌هایی است. در این رزمایش سامانه بومی سوم خرداد سپاه و سامانه بومی ۱۵ خرداد ارتش با موفقیت اجرای آتش کردند. اما نکته مهم اینجاست که دشمنان ما نیز اگر توانایی رصد پایش این رزمایش را داشته باشند، به شدت روی این رزمایش متمرکز خواهند بود؛ چرا که این رزمایش با انبوهی از توانمندی‌های راهبردی در ارتش و سپاه و با هدف غافلگیری دشمن طراحی شده و به زودی برخی سامانه‌های بومی استفاده شده در این رزمایش رسانه‌ای خواهد شد. البته این لازمه حوزه پدافند هوایی است؛ چراکه سطح و نوع تهدیدات این حوزه همواره در حال تغییر است و باید ابزارها و تجهیزات دفاعی متناسب با تهدیدات به روز باشند.

به بهانه شهادت محمد محمدی غیور مرد امر به معروف و نهی از منکر

خونی که ریخته شد و گمشده‌ای که پیدا شد!

شهید باشی، صحنه‌های تعجب برانگیزی خواهی دید؛ جوانانی که در فراق دوست و رفیق گریانند. چشم‌های پر بغض دوستان و البته جوانانی که شهید محمدی را نمی‌شناسند؛ اما غیرت و جوانمردی را دوست دارند و وقتی حماسه او را شنیده‌اند بدون هیچ آشنایی قبلی مرید این غیرتمند شده‌اند؛ اما همه ماجرا این نیست. به صورت متداول در مقابل منزل هر شهید اگر از هم محلی‌ها و آشنایان حضور داشته باشند، اکثراً بانوان این جمع زنان چادری با باحجاب کامل هستند. اما اینجا ماجرا کمی متفاوت است. اما یک چیز اینها را جلوی در این خانه کشانده و آن هم غیرت است. این غیرت همان گمشده‌ای است که این زنان متأسفانه در خیلی از مردهای که در اطرافشان هستند نمی‌بینند. طرف دیگر ماجرا را باید مردم و مسئولان دانست. نباید اجازه دهیم خون شهید محمدی‌ها در راه دفاع از نوامیس و امر به معروف و نهی از منکر هدر برود. چه بسیار افرادی که امروز به جرم امر به معروف و نهی از منکر محکوم شده‌اند یا مجروح و شهید و این زیننده حکومت اسلامی نیست. پس قوه قضائیه، مجلس، دولت و

دلبستان انقلاب هر کدام وظیفه‌ای دارند که باید در این باره انجام دهند. باید حق خون‌های ریخته شده برای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از نوامیس ملت را ادا کرد. قصاص قاتلان و متجاوزان این جنایت فجیع تنها یک عمل حداقلی است، باید به دنبال فراگیر کردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج درست آن و دفاع درست از آمران و ناهیان رفت؛ چرا که هر گونه تعلل یعنی شهید محمدی‌های دیگری که خون‌شان علاوه بر عاملان، بر گردن قاصران ماجرا هم خواهد بود.



احسان امیری

خبرنگار

در روزگاری که عده‌ای به نام حقوق زنان، زن را اسیر هوا و هوس‌های شخصی خود کرده‌اند، امثال «کیوان» امام وردی‌ها با اعتراف به ۳۰۰ مورد تجاوز به عنف پس پرده حمایت از حقوق زنان و ایجاد فضای ولنگاری با طرح حضور زنان در ورزشگاه، آزادی حجاب و دوچرخه‌سواری و امثال آن دنبال رسیدن به سر منزل مقصود خود، یعنی هوا و هوس‌های شخصی و آن «انقلاب جنسی» را-که هدف اصلی ایجاد تفکر فمینیسم است-بار دیگر هویدا کردند. اما از آن طرف باید «محمد محمدی»‌هایی را دید که در انقلاب اسلامی زیاد هستند. غیرتمندانی که از نسل عاشورا بیان هستند و معتقدند اگر یک بار دشمن انسانیت و بشریت به خیمه‌های اهل بیت (ع) یورش برد، دیگر نباید تاریخ بدین گونه تکرار شود. در دفاع مقدس خیلی از همین جوان‌ها فقط به دلیل دفاع از ناموس و غیرتی که داشتند وارد عرصه میدان نبرد شدند تا دشمن به شهرها و زندگی آنها نرسد؛ اما ماجرای دفاع از حرم جلوه دیگری از غیرت این

۱۵ پاسدار

شماره ۹۷۳ | دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹



روی خط

یکسان‌سازی حقوق باننشستگان عالی بود

۰۹۱۰۰۰۰۱۹۴۴ چرا ضرب حقوق در نمایندگی ولی فقیه پایین‌تر از فرماندهی است؟

۰۹۱۰۰۰۰۳۴۰۶ باتوجه به شرایط مدرسه و برخط بودن و نبودن گوشی‌های هوشمند و اینکه بعضی از نیروها سه یا چهار فرزند مدرسه‌ای دارند؛ لطفاً برای کارکنان شرایط اقساطی برای خرید گوشی هوشمند و لپ تاپ فراهم شود.

۰۹۱۰۰۰۰۰۰۶۰ معاون هماهنگ‌کننده سپاه ابلاغ کردند به خانواده‌هایی ۳ تا فرزند و بیشتر دارند زمین رایگان داده می‌شود چرا اقدامی صورت نمی‌گیرد؟

۰۹۱۲۰۰۰۰۵۱۳۳ لطفاً سهمیه صبح صادق را افزایش دهید.

۰۹۱۴۰۰۰۰۳۹۸۸ چرا مسئولان سپاه با این تورم، فکری برای افزایش حقوق و شسارژ حکمت‌کارت نمی‌کنند؟

۰۹۱۴۰۰۰۰۲۴۷۳ به نیروهای اجاره‌نشین با کسر از حقوق زمین واگذار کنید.

۰۹۱۴۰۰۰۰۸۹۶۱ سیاست فزاون برای اعمال طرح یکسان‌سازی حقوق باننشستگان از فرماندهان محترم کارتان عالی بود.

۰۹۱۴۰۰۰۰۵۴۸۱ کد ۸۹ هستم و ۱۶ سال است که در مناطق عملیاتی آذربایجان غربی خدمت می‌کنم؛ با این همه گرانی و اقلعاً چه زمانی فوق‌العاده یا کداه‌درست می‌شود؟

۰۹۱۴۰۰۰۰۶۸۸۱ بااین وضع تورم بازار برای آنها که فرزند سه قلسو دارند خیلی مشکل شده، خواهشمندم کمک هزینه را تا شش سال قطع نکنید.

۰۹۱۴۰۰۰۰۹۲۳۵ سال ۹۶ با پرداخت مبلغی در تعاونی مسکن کارکنان ناحیه مشکین شهر برای دریافت زمین به همراه بیش از ۱۰۰ نفر از همکاران نام‌نویسی کردیم؛ ولی پس از ۱۳ سال متأسفانه نتها زمین واگذار نشده است!

۰۹۱۵۰۰۰۰۰۱۰۹ چرا حق ایثارگری برای کسانی که یک ماه مأموریت سوریه دارند، اعمال نمی‌شود؟

۰۹۱۷۰۰۰۰۳۲۷۵ ممنون از انتخاب ستونی برای درج نظرات خوانندگان. چرا برای موضوع ترمیم حقوق نیروهای مسلح فکری نمی‌شود؟ امسال افزایش حقوق نیروهای مسلح از کارکنان کشوری حداقل ۳۰ درصد کمتر بود.

۰۹۱۷۰۰۰۰۶۲۵۱ چرا قیمت محصولات فروشگاه‌های اتکا هر روز تغییر می‌کند و گران‌تر می‌شود؟

۰۹۱۷۰۰۰۰۶۹۹۸ چرا بانک انصار از قسط کم نشده وام زمان کرونا دیرکرد می‌گیرد و کسی جوابگو نیست؟

۰۹۱۷۰۰۰۰۶۹۹۸ چرا متأسفانه با توجه به تأکید رهبری در فروشگاه‌های مناطق دریایی و فروشگاه‌های اتکا کالای خارجی عرضه می‌شود؟

۰۹۱۸۰۰۰۰۸۷۵۳ وام ۵ میلیون مشوق فرزندآوری فقط به متولسدان ۹۹ تعلق می‌گیرد؟ یعنی آنهایی که قبلاً به فرمان رهبر معظم انقلاب لیبک گفتند، اشتباه کردند؟

۰۹۱۸۰۰۰۰۶۴۶۱ چرا اسپاه مدرک دانشگاه پیام‌نور را قبول ندارد، مگر این دانشگاه مجوز فعالیت در کشور را ندارد؟

۰۹۳۸۰۰۰۰۳۹۹۱ قراربسد افزایش حقوق باننشستگان ده درصد پایین‌تر از شاغلان باشد؛ اما برعکس شد یک باننشسته با درجه ۱۴ دو میلیون از من شسافل با ۳۵ درصد جانبازی با درجه ۱۴ بیشتر شده است. اگر این گونه باشد، ما هم باننشسته شویم، بهتر است.

۰۹۹۲۰۰۰۰۲۸۶۵ چرا ارشدیت تحصیلی و سنوات درجه‌داری در نمایندگی اعمال نمی‌شود؟

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، سعدالله عزیزی،

فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح الله پیرشان،

محمد رضامهدیار اسماعیلی، حسین عبداللهی فر

دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی

مدیر فنی: محمد صالح نادری

صفحه آرا: علی اکبر هدایتی

عکاس: حامد گوردزی

ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱)

تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱)

ssweekly.ir

@ssweekly

info@ssweekly.ir

نمبر: ۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۷۳ | دوشنبه ۵ آبان ۱۳۹۹

صبحانه

امیدوار باشیم

زمانی که همه چیز رنگ و بوی شادی به خود می‌گیرد و دنیا به کام است و روزهای خوش یکی پشت سر دیگری از راه می‌رسد، امید داشتن کار خارق‌العاده‌ای نیست. شاهکار آن است که وقتی غم‌ها و مشکلات انسان را دوره می‌کنند، امید همچنان محکم و استوار در دل‌ها ریشه بدواند و بدانیم خداوند امید هیچ آرزومندی را ناامید نمی‌کند.

صادقانه

صلوات

امام صادق(ع) می‌فرماید: در ترازوی سنجش اعمال(در روز قیامت) چیزی سنگین‌تر از صلوات بر محمد و آل محمد نیست. کسانی هستند که اعمال‌شان را در ترازوی سنجش می‌گذارند، سبک و ناچیز است. سپس صلوات بر آن حضرت را بیرون آورده بر آن می‌نهند، سنگینی می‌کند و برتری می‌یابد. (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۱۰)

تلخند

نخاله‌ها رو امحا کنیم/ کارتونیست: تجرید رویارز از هلند



داستان

باغ گل

و بعد از دو و سه می‌رسید به صدا! همینطور که تندتند لباس‌ها را جابه‌جا می‌کردم، ترنم با زبان کودکانه‌اش گفت: «بی‌بی دون بافته...!» خنده‌ام گرفت و ذوق کردم از حافظه‌اش! با اینکه ماه‌ها بود بی‌بی جان را ندیده بودیم، اما خوب یادش مانده بود. دویید و رفت تلفن همراهم را آورد و با همان زبان شیرین گفت: «بی‌بی دون بیاد حرف بزن... منظورم تماس تصویری بود. یادگرفته بود در این روزهای کرونایی همه را مجازی ببیند. هرچقدر برایش توضیح دادم که بی‌بی جان بلد نیست و نمی‌تواند، زیر بار نرفت. شماره بی‌بی جان را گرفتم. صدایش پخش می‌شد و ترنم ذوق می‌کرد تا مادر بزرگم را ببیند و به نتیجه نمی‌رسید. بی‌بی جان اما بیشتر از اینکه احوال من را بپرسد، قربان صلوه ترنم می‌رفت و هر دو دل داده بودند به شنیدن صدای هم! فقط آخر صحبت‌های مان صدایم کرد، مثل بچگی‌هایمان!

عمرم سر می‌رسد حسرت دیدنتون دارم...! دلم به اندازه یک دنیا برایش تنگ شد. گفتم: «بی‌بی جونم آخه الان کروناس، می‌ترسم مریض بشی شما...» حرفم را قطع کرد: «خوب با ماسک و رعایت... چی چی بود؟» خندیدم و گفتم: «پروکتال‌های بهداشتی...!» با همان لحن ادامه داد: «آره! با رعایت همونا بیابین، من که یه پام لب‌گوره دلم تنگ شده، می‌خوام ببینم تون، منم ماسک می‌زنم، اصلاً تو حیاط می‌شینم، راسی دارم برات یه شال می‌بافم، سرد شده هوا...» بعد از ظهر من و ترنم جلوی خانه‌اش بودیم. در را که باز کرد، خندید. دو تا چال کوچک روی لپ‌هایم پیرش جا خوش کرد. سریع ماسکش را زد. اما خنده‌اش کار خودش را کرده بود. انگار یک دسته گل ریخته بود سر راهمان... گل‌هایی که هرچقدر هم ترنم می‌شمرد، تمام نمی‌شد.

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



وقتی می‌خندید، دو تا چال کوچک روی لپ‌هایم بانکش جا خوش می‌کرد. خنده‌اش مثل گل‌ها پر از طراوت بود و از همه مهم‌تر من را یاد بی‌بی جان می‌انداخت. ترنم درست شبیه به مادر بزرگم می‌خندید. انگار بی‌بی جان کوچک شده و دوباره به دنیا آمده، تا برای من که به او وابسته‌تر از بقیه نوه‌ها بودم، تابلویی همیشگی باشد. هوا داشت کم کم سرد می‌شد و حالا که وقت داشتیم، باید سر و سامانی به وضعیت لباس‌ها می‌دادم. در حال مرتب کردن کمد، چشمم به لباس بافتنی گل‌گلی افتاد که بی‌بی جان برای دخترم بافته بود. ترنم لباس را برداشت و گل‌هایش را شمرد. شمردن را تازه یاد گرفته بود، جابه‌جا و نامرتب عددها را به کار می‌برد

جوان

اعتماد به نفس

محبوبه ابراهیمی

فعال اجتماعی

دوران جوانی، اگر با خودباوری و اعتماد به توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند در ذات انسان قرار داده، پیوند بخورد، می‌تواند منشأ بسیاری از موفقیت‌ها و سربلندی‌ها در دوره‌های بعدی زندگی بوده و فرد را برای مواجهه با مسائل و چالش‌های جدید و عملکرد مستقل و بالغ در آینده آماده کند.

پیش از هر چیزی لازم است جوان، با شناخت مهارت‌های فردی و توجه به استعدادها، تفاوت‌های خود با اطرافیان را کشف کرده و در جهت رشد و تقویت توانایی‌های خود تلاش کند. شناخت مهارت‌های فردی به انتخاب رشته تحصیلی مناسب و در نتیجه شغل مناسب در افزایش خودباوری، نقش مهم و اساسی دارد. اعتماد به نفس پایین و خودکم‌بینی، در دوران جوانی آسیب‌های دیگری نیز به همراه دارد؛ اضطراب، استرس، ناامیدی، رفتارهای نامناسب اخلاقی، عملکرد ضعیف درسی و گرایش به مواد مخدر از جمله این پیامدهای منفی هستند.

نکته قابل توجه اینکه اعتماد به نفس، برخلاف باور عمومی، همیشه ذاتی نبوده و اغلب با تلاش، قابل کسب خواهد بود؛ از این رو مشاوران روانشناس، تکنیک‌هایی را برای افزایش حس خودباوری در افراد پیشنهاد می‌دهند.

راه نرفته

همیشه در کنار هم

زهره سلطانی‌نژاد

مشاور خانواده



پرسش: با سلام، حدود ۱۷ سال است که از زندگی مشترکمان می‌گذرد، با اینکه همسر مرد مهربانی است و سعی می‌کند در زندگی کم و کاست نداشته باشیم، اما بسیار لجباز است و با این کار من و دو دخترم را بسیار ناراحت می‌کند، هر چند پشیمان می‌شود ولی فایده‌ای ندارد، آیا برای حذف و اصلاح این رفتار دیر نشده است؟ چه راهکاری پیشنهاد می‌کنید؟

پاسخ: سلام دوست عزیز! توجه به نکات زیر می‌تواند کمک کننده باشد: ۱- در زمان لجبازی‌ها باید علت را پیدا کنید. برای نمونه، زمانی که خواب کافی ندارند لجبازی می‌کنند، پس زمان‌ها را بشناسید. ۲- همراه کردن دختران با پدر بسیار مهم است. می‌دانیم که مرد ستون خانواده است و همه باید تلاش کنند ستون خانواده حفظ شود؛ پس با دختران خود صحبت کنید که در زمان لجبازی پدر به آرامش ایشان کمک کنند و رفتاری که آن را تشدید می‌کند، انجام ندهید. ۳- نوع رفتار شما در زمان لجبازی ایشان مهم است، اگر در زمان لجبازی تمام شرایط را برای آرامش ایشان فراهم کنید، ناخودآگاه از این کار دست برمی‌دارد. برای نمونه به او حق بدهید و بگویید هر کاری نظر توست، انجام می‌دهیم. ۴- سکوت کنید. این کار بسیار کمک کننده است، هر کسی با آرام شدن فضای اطراف به آرامش می‌رسد. ۵- شما همسر ایشان و نزدیک‌ترین فرد به او هستید و در این زمان می‌توانید به او و خودتان کمک کنید. با او ارتباط محبت‌آمیز داشته باشید و با صحبت کردن آرامش را به او هدیه کنید. ۶- تصمیمات مهم و نظرخواهی‌ها را در بهترین زمان روحی ایشان مطرح کنید؛ یعنی زمانی که سر حال و خوشحال است. گاهی فشارهای روحی و جسمی به انسان اجازه نمی‌دهد تصمیم درست بگیرد. ۷- همیشه به او یادآور شوید که تکیه‌گاه شما و فرزندان‌تان است و خانواده شما با تصمیمات و رفتارهای مثبت او خوشحال هستند.

سلامت

خوشمزه و مغذی!

زهره وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

میوه‌ها نقش بسزایی در سلامت انسان دارند. یکی از میوه‌های خوشمزه پاییزی «خرمالو» است. خرمالو بخورید تا سیستم ایمنی قوی داشته باشید. این میوه و میوه‌های زرد و نارنجی سرشار از ویتامین A هستند که برای تقویت بینایی و تقویت سیستم ایمنی بسیار ضروری است. خرمالو منبع خوبی از ویتامین C نیز هست که برای حفظ عملکرد ایمنی لازم است. برخی از متخصصان پیشنهاد می‌کنند روزانه ۲۰۰ میلی‌گرم ویتامین C برای پیشگیری از کووید-۱۹ یا ۲ تا ۳ گرم در روز برای درمان این بیماری مصرف کنید. پس در این روزهای کرونایی از مصرف این میوه غافل نشوید. ویتامین C همچنین برای داشتن پوستی زیبا، موهایی سالم و لته‌هایی محکم لازم است. خرمالو سرشار از فیبر است. با مصرف ۱ عدد خرمالو ۲۴ درصد نیاز فیبر روزانه خود را تأمین می‌کنید. فیبرها برای جلوگیری از بیماری‌های گوارشی و انواع سرطان از جمله سرطان روده بزرگ و سرطان سینه، کمک به کاهش وزن و احساس سیری طولانی مدت و مبارزه با پیوسته نقش دارند. خرمالو بخورید تا دچار کم‌خونی نشوید. در ترکیبات خرمالو مس نیز وجود دارد که یکی از عناصر اساسی برای ساخت سلول‌های قرمز جدید است.



قبیله عشق

تنها آرزو



اسماعیل هم می‌جنگید، هم به مردم مظلوم سوریه کمک می‌کرد. به ما هم روحیه می‌داد و می‌گفت که پیروزی اسلام نزدیک است. او همیشه می‌گفت: «اگر کسی در هر جای جهان بخواد به اسلام و انقلاب ضربه وارد کند، ما بایستی به عنوان سربازان امام خامنه‌ای همانند یک سبد محکم در برابرشان بایستیم و تا آخرین قطره خون مبارزه کنیم. خستگی نمی‌شناسد و همین ویژگی‌اش باعث شده بود که همیشه به عنوان نفر اول، در خط مقدم حضور داشته باشد.» مدیریت و فعالیت‌هایش مشخصه بارزی بود که او را به عنوان یک بسیجی واقعی از دیگران متمایز کرده بود. او از گروه‌های تکفیری هیچ ترسی نداشت و با شجاعت تمام وارد چنین کارزاری با دشمنان اسلام در سوریه شد. اینکه مستقیماً ساعت‌ها زیر بارانی از آتش قرار بگیرد، دل می‌خواهد. چند روز قبل از شهادت چهره اسماعیل واقعا آسمانی بود، و اصلاً انگار توی این دنیا حضور نداشت. فقط می‌خندید و می‌گفت: «تنها آرزویم این است که در راه اسلام و انقلاب شهید شوم و در نهایت نیز به آرزویش رسید.»

به نقل از هم‌رزم شهید

اسماعیل شجاعی سال ۱۳۴۹ در نوبار بوکان استان آذربایجان غربی به دنیا آمد. باحمله تکفیری‌ها به سوریه و در خطر قرار گرفتن حرم حضرت زینب(س)، اسماعیل شجاعی نیز همچون دیگر رزمندگان اسلام تاب ماندن در خانه را نداشت و برای دفاع از حرم اهل بیت پیامبر و مردم مظلوم سوریه خود را به آن کشور رساند، تا در کنار دیگر هم‌رزمان خود برای دفاع از کیان بلاد اسلامی با گروه‌های تکفیری مبارزه کند. سرانجام در عملیات آزادسازی دو شهر «نیل» و «الزهره» در سوریه که بیش از چهار سال در محاصره تروریست‌های تکفیری بود، در بهمن ماه ۱۳۹۴ به خیل مدافعان حرم حضرت زینب(س) پیوست. وی اولین شهید مدافع حرم اهل تسنن استان آذربایجان غربی است.

فاطمه‌سادات طلائی

حسن ختام

بماند به یادگار

آقا جانم، می‌دانم فکر کردن به گذشته با تمام خوشی و ناخوشی چیزی را تغییر نمی‌دهد. نه رفته‌ها را بازمی‌گرداند و نه ما را به آن آدم سابق تبدیل می‌کند. بدتر اینکه درگیر گذشته‌ای می‌کند که عملاً از کف رفته و کاری هم نمی‌توان برایش انجام داد؛ همانطور که آن زمان نمی‌توانستیم کاری کنیم؛ با همه این حرف‌های عقلی و منطقی باز هم مغزمان رضای نمی‌دهد که فکر نکنیم به اینکه محرم و صفر امسال مان این قدر کم‌رنگ و پریده، بساطش را جمع کند و برود.

مولای من، گذر این روزها سخت بود و تلخ! ولی چاره چیست؟ بگذار خاطرات این روزها بماند برای روسیاهی تاریخ. بگذار یادمان بماند که روزگار یک محرم ۱۴۴۲ به ما بدهکار است.